١

كتاب جفر الجامع والنور اللامع مع مفتاح الاستخراج من املاء رسول الله صلى الله عليه وآله وامر بتدوينه فكتبه علي بن ابيطالب عليه السلام

وهو يحتوي على كل ما كان وما يكون كليا وجزئيا وقد اهتم على طبعه لندرة وجوده الذي جمع المكارم واجتنب المخازي الميرزا محمد ملك الكتاب المخاطب بخانصاحب الشيرازي دام علاه

طريقه سؤال الطريق

اب ج د هـ و ز
١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧
نظيره حروف غافيطوس

حروف غافيطوس

ح طى ك ل م ن
نظيره سطر ثانى ق ض ظ غ

اب ج د هـ و ز ح ط ى ك ل م ن

بود چهار محله درون هر شهری
چو این مقد معارا تمام دریابی
زبعد حذف اسابع تا چه باقی ماند

در دیوت باعداد مختلف بسیار
شوی حکمت رایج نیز برخوردار
بان درای بافلاک گنبد دوار

بشهر چهارم ازان جمله بیت مقیم
سؤال و طالع واعداد و صاحب طالع
برتبه اش طلب حرف کن ز اول شهر

دگر کسان کواکب مدار در اقمار
زبعد جمع ازان هفت هفت ابگذار
بدان عدد بشمار و زبعد ان وچهار
خدا که واقف غیب است عالم اسرار

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

به پاسپان صد و هفتاد و تخمین بجا و
تخت قاعده تحقیق طالبت و دکر
ولی ز اسفل باید شدن سوی اعلی
چو جبر و کسر نکورا ولیت عشور

بهفت شهر متوکل نشسته بر دیوار
حساب اصل سؤالات بهر استخبار
بگو کسی که رسد رتبه اش ز اعلی آر
مخالف و طلب خیر مکن ز اخبار

درین سه شهر یکی در عدد چو کم گردد
بدان عدد که بماند ببیت قطب آ
چو عرض یافت بدان اصل کان قطب
چو بحر نظم ندارد کناره ان بهتر

شود مقابل ازان شهر زاید المقدار
نظیر ان طلب و ان نظیر هم بشمار
به بحر قافیه مانند ان بود نا چار
که من تمام قواعد کنم نفس نثار

ثور و میزان چو خانه زهره است
مر زحل راست جدی و دلو مقام

٦ ٣ ٧ ٣ ٢ ٥

KHAN SAHIB M. M. SHIRAZI
BOMBAY.

١

کتاب جفر الجامع والنور اللامع مع مفتاح الاستخراج من املاء رسول الله صلی الله علیه وآله وامر بتدوینه فکتبه علی بن ابیطالب علیه السلام وهو یحتوی علی کل ما کان وما یکون کلیاً وجزئیاً وقد اهتم علی طبعه لندرة وجوده الذی جمع المکارم واجتنب المخازی المیرزا محمد ملک الکتاب المخاطب بخانصاحب الشیرازی دام علاه

طریقه سؤال الطریق

اب ج د هـ و ز
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷
نظیره حروف غافیطوس

حروف غافیطوس

ح ط ی ک ل م ن
نظیره سطر ثانی ض ظ غ

اب ج د هـ و ز ح ط ی ک ل م ن

بود چهار محله درون هر شهری چو این مقد معها را تمام دریابی ز بعد حذف سبایع تا چه باقی ماند مدار این همه چون بر نظیر و تکسیر است	در و بیوت با عداد مختلف بسیار شوی حکمت ار چه نیز برخوردار بان ورای با فلاک گنبد دوار نظیر را که از نظر گه انظار	بشهر چهارم ازان جمله بیت مقیم سؤال و طالع و اعداد و صاحب طالع بر تبه اش طلب حرف کن ز اول شهر درین حروف دقیقه نهاد ستر ازل	دگر بسان کواکب مدار در اشمار ز بعد جمع ازان هفت هفت ابگذار بدان عدد بشمار و ز بعد ان سه چهار خدا که واقف غیب است عالم اسرار
	حمل و عقرب است با بهرام	قوس و حوت مشتری را رام	

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ
۲ قط ۳ ۶ ۴ ۴ قط ۱ ۳ ۵ قط

این سطر نظیره سطر اول

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

به پاسبان صد و هفتاد و تخمین بخواه نخست قاعده تحقیق طالبت و دگر ولی ز اسفل باید شدن سوی اعلی چو جبر و کسر نکو را ولیت عشور	بهفت شهر موکل نشسته بر دیوار حساب اصل سؤالات بهر استخبار بگو کبی که رسد رتبه اش ز اعلی آر مخالف و طلب خیر مکن اخبار	درین سه شهر یکی در عدد چو کم گردد بدان عدد که بماند ببیت قطب درآی چو عرض یافت بدان اصل کان قطب بیست چو بحر نظم ندارد کناره ان بهتر	شود مقابل ازان شهر زاید المقدار نظیر ان طلب و ان نظیر هم بشمار بحر قافیه ننهند ان بود ناچار که من تمام قواعد کنم بنشر نثار
	ثور و میزان چو خانه زهره است	مر زحل راست جدی و دلو مقام	

۶ ۳ ۷ ۳ ۲ ۵

بسم الله الرحمن الرحیم

بدان ایدک الله تعالی چون خواهند که ازین دایره شریفه استنتاج جواب کنند اولا تحقیق طالع نمایند و سئوال را عدد کنند و هرچه بعد دکواکب باشد از وی طرح نمایند و عدد کواکب با ما دون او نگاه دارند و با طالع وقت و صاحب طالع هم بدین عمل کنند پس باقی سئوال و طالع را با یکدیگر جمع کنند و هرچه بعد سیارات باشد از وی طرح نمایند و باقی سئوال را با باقی صاحب طالع هم چنین جمع کنند بدستور مذکور عمل نمایند پس عدد مابقی مجموع را بر سئوال عظیم که بر اعلای صفحات نوشته اند از اول گیرند و عرض کنند و بهر عددی حرف طرح نمایند و بآن حرف که منتهی شود نظیرهٔ او که عبارت از خامس عشر و ستة از ترتیب حروف غافیطوس بگیرند و باز آن حرف نظیرهٔ را در سئوال عظیم طلب کنند و بعد از وی هرچه بعد کواکب باشد از وی طرح کنند و عدد سیارات با ما دون پر افلاک از اسفل بر اعلی عرض کنند و بآن فلک که منتهی شود بعدد رتبت صاحب او از اعلی بجدول اول از شهر اول از اقلیم اول سئوالی در آید و از اول گیرند و بهر عددی حرف طرح کنند و حرف منتهی ثبت نمایند و بعد از وی سه حرف بشمارد و طرح کنند و چهار حرف دیگر و حرف چهارم بگیرد و ثبت نمایند و بهمین دستور عمل نمایند تا اقلیم اول در طول آخر گردد و باز از اقلیم ثانی گیرند و بهمین طریق عمل نمایند تا زمانی که عدد کواکب منقطع گردد پس الحروف مستخرجه بحسب ترتیب جواهر و امتزاج طبایع لازمه که بیرون آمده مرتبا نظیر غافیطوس نمایند و تکسیر نمایند که در ثانی از اول نظم شافی و جوابی

وانی مطابق سئوال بیرون آید والله یعلم باسرارها و هو الموفق و المعین المتوکل علی الله فهو حسبه تم

اینها سئوالهائیست که استخراج شده است از دایرهٔ شریفهٔ غطائیه

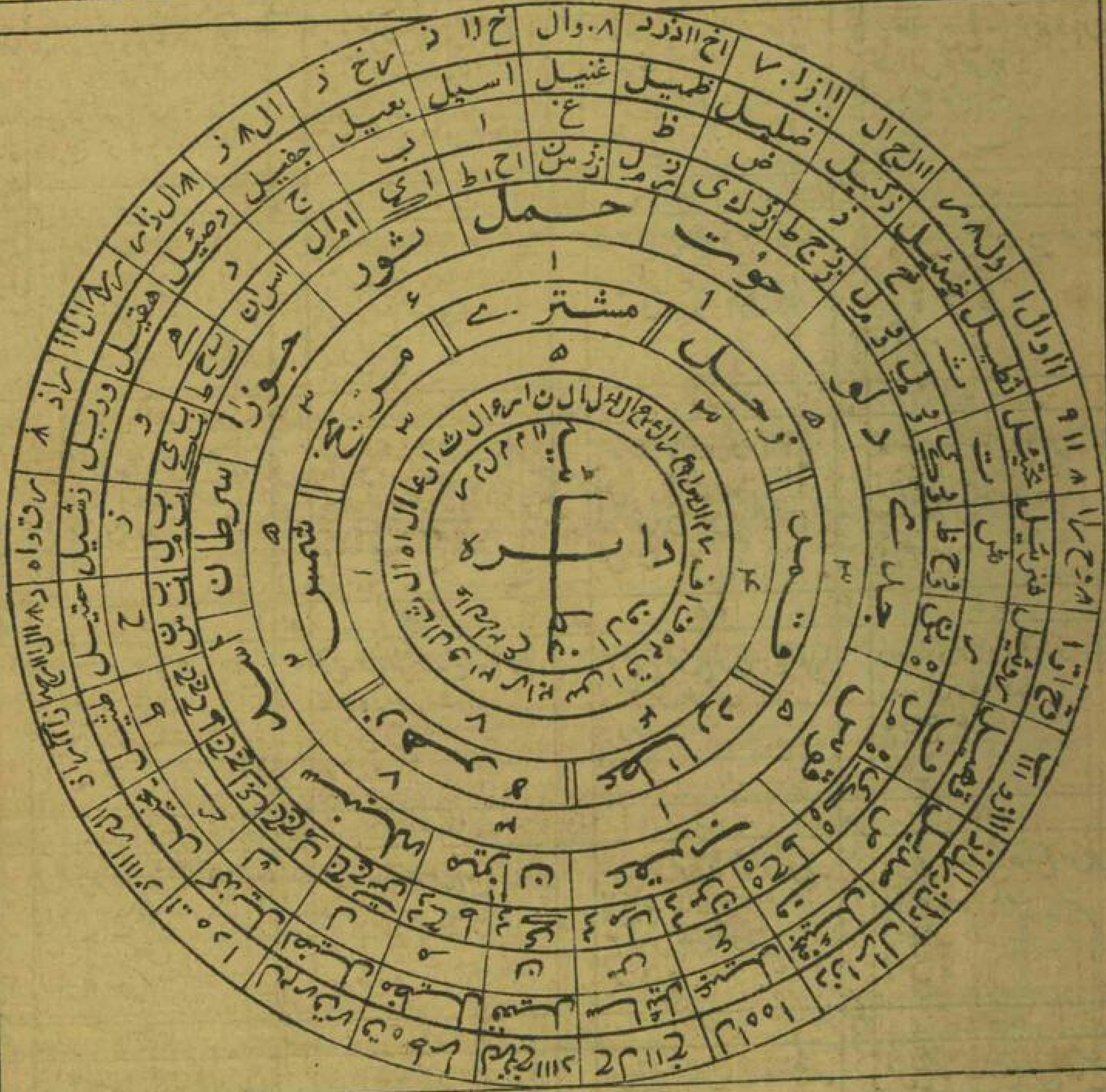
		۸		۹	ب	۱۰	ب	۲	
ا		این علم حاصل شود یا نه	۶۱۷	این مشکل حل شود یا نه	۸۶۵	این کار بآسانی برآید یا نه	۶۸۹	این مهم سامان پذیرد یا نه	۱۲۸۰
ا	ج	۴۰	ج	۴	و	۵۰	و	۶۰	
		در این کار نفع باشد یا نه	۵۹۹	این شغل باتمام رسد یا نه	۲۲۵	این حاکم معزول شود یا نه	۹۶۷	این سلطنت باقی ماند یا نه	۸۸۴
	ه	۸	ه	۹	و	۱۰	و	۲	
		این ملک مسخر شود یا نه	۱۲۲۷	بر دشمن ظفر یابد یا نه	۱۸۵۹	غضب سلطان بر کسی رسد یا نه	۱۲۶۷	از سلطان منفعت یابد یا نه	۸۸۱
۲	ز	۳۰	ز	۴۰	ح	۵۰	ح	۶۰	
		دیدن سلطان درین وقت مصلحت باشد یا نه	۱۲۸۷	درین امر صلح بهتر است یا نه	۱۷۵۷	از عبور این لشکر آفت رسد یا نه	۱۲۱۸	این رسول بامراد باز آید یا نه	۶۹۶
	ط	۸	ط	۹	ی	۱۰	ی	۲	
		این معزول بعمل باز رسد یا نه	۹۶۶	این رفعت و مرتبه حاصل شود یا نه	۱۵۵۹	درین موضع دفینه هست یا نه	۱۸۰۰	این مال بآسانی حاصل شود یا نه	۷۰۱
۳	ن	۳۰	ن	۴۰	ل	۵۰	ل	۶۰	
		این زن مطلوب حاصل شود یا نه	۷۱۷	این نکاح مبارک باشد یا نه	۷۷۶	این زن فرزند آرد یا نه	۵۴۷	این فرزند نیک بخت باشد یا نه	۱۸۵۷
	م	۸	م	۹	ن	۱۰	ن	۲۰	
		این رای صواب باشد یا نه	۹۴۰	این شخص صادق القول باشد یا نه	۱۹۹۴	ازین سلوک دریافت فایده یابد یا نه	۱۹۹۳	این سر آشکار شود یا نه	۱۲۲۰
۴	س	۳	س	۹۰	ع	۵۰	ع	۶۰	
		این شخص طاعت کند یا نه	۱۶۷۶	این شخص دوست هست یا نه	۶۶۷	این شخص گناه کرده است یا نه	۱۸۸۳	این شخص بصلاح باز آید یا نه	۱۲۷۲
	ف	۱۸	ف	۹	ص	۱۰	ص	۲۰	
		این دشمن را آفتی رسد یا نه	۱۲۸۷	این بلا دفع شود یا نه	۶۶۶	این امانت نیک محافظت کند یا نه	۱۲۳۲	بر این کس اعتماد هست یا نه	۱۳۸۹
۵	ق	۳۰	ق	۴۰	ر	۵۰	ر	۶۰	
		این مرض صحت یابد یا نه	۱۵۹۲	این محبوس خلاص گردد یا نه	۹۴۲	این دزدیده و گم شده باز آید یا نه	۵۶۲	این گنجینه بدست آید یا نه	۸۰۳
	ض	۹۸	ض	۹۰۰	ت	۱۵۰	ث	۲۰	
		این حاجت روا گردد یا نه	۱۵۹۶	درین موضع بودن بهتر است یا نه	۲۱۷۶	این کشتی بسلامت بکنار رسد یا نه	۱۹۹۲	ازین خوف نجات یابد یا نه	۱۲۹۱
۶	ش	۳۰	ش	۴۰	خ	۵۰	خ	۶۰	
		این شخص توانگر گردد یا نه	۲۲۲	این سفر نافع باشد یا نه	۹۷۸	این غایب بسلامت باز آید یا نه	۱۶۹۲	این وام گذارده شود یا نه	[illegible]
	ذ	۹	ذ	۹	ض	۱۰	ض	۲۰	
		این خبر راست هست یا نه	۱۵۵	این بنا میمون باشد یا نه	۱۳۳۳	این بیع و شری نافع آید یا نه	۱۲۲۴	آشکارا کردن این سر بهتر است یا نه	۱۲۸
۷	ظ	۳۰	ظ	۴۰	غ	۵۰	غ	۶۰	
		این ملتمس برآید یا نه	[illegible]	این زراعت سودمند باشد یا نه	۱۸۱	درین شرکت نفع باشد یا نه	۱۸۸۷	عاقبت این کار بخیر باشد یا نه	[illegible]

ایضاً بقیهٔ سؤالهاست از دایرهٔ شریفهٔ غطائیه

	۱۰	ا	۲۰	ه	۳	ط	۴	م
	این علم حاصل شود یانه	[illegible]	این ملک مسخر شود یانه	[illegible]	این معزول بعمل باز رسد یانه	[illegible]	این رای صواب هست یانه	[illegible]
۸	۵	ف	۶	س	۷	ز	۵۰	ق
	این دشمن بآفتی رسد یانه	[illegible]	این حاجت روا شود یانه	[illegible]	این خبر راست هست یانه	۱۲۰۵	این محبوس خلاص شود یانه	[illegible]
	۱۰	ا	۲	ه	۳	ط	۴	م
	این مشکل حل شود یانه	[illegible]	بر دشمن ظفر یابد یانه	[illegible]	این رفعت و مرتبه حاصل شود یانه	[illegible]	این خبر صادق القول باشد یانه	[illegible]
	۸	ف	۶	س	۷	ز	۶	ش
	این بلا دفع شود یانه	[illegible]	در این موضع بودن بهتر است	[illegible]	این بنا میمون باشد یانه	[illegible]	این سفر نافع باشد یانه	[illegible]
	۱۰	ب	۲	د	۳	ی	۴	ن
	این کار باسانی بر آید یانه	[illegible]	غضب سلطان بدین کس رسد یانه	[illegible]	درین موضع دفینه هست یانه	[illegible]	ازین سلوک و ریاضت فایده یابد	[illegible]
۱۰	۵	ص	۶	ت	۷	ض	۷	ظ
	این امانت نیکو محافظت کند یانه	[illegible]	این کشتی بسلامت بکنار رسد یانه	[illegible]	این بیع و شری نافع باشد یانه	[illegible]	این زراعت سودمند بود یانه	۹۸۱
	۱۰	ب	۲	و	۳	ی	۴	ن
	این مهم سامان پذیرد یانه	[illegible]	از سلطان منفعت یابد یانه	[illegible]	این مال باسانی حاصل شود یانه	[illegible]	این سر آشکار شود یانه	[illegible]
۲	۵۰	ص	۶	ص	۶	ض	۱	ر
	بر این کس اعتماد هست یانه	[illegible]	ازین خوف نجات یابد یانه	[illegible]	آشکار کردن این سر بهتر است یانه	[illegible]	این حاکم معزول گردد یانه	[illegible]
	۸۰	ج	۲	ز	۳	ک	۴	۳
	در اینکار نفع باشد یانه	[illegible]	دیدن سلطان درین وقت مصلحت است یانه	[illegible]	ازین زن مطلوب حاصل شود یانه	[illegible]	این شخص اطاعت کند یانه	[illegible]
	۵۰	ق	۶	ش	۷	ظ	۲	ح
	از این مرض صحت یابد یانه	[illegible]	این شخص توانگر گردد یانه	[illegible]	این ملتمس بر آید یانه	[illegible]	این سوال بمراد باز آید یانه	[illegible]
	۱۰	ج	۲	ز	۳	ک	۴	س
	این شغل باتمام رسد یانه	[illegible]	در این امر صلح بهتر است یانه	[illegible]	این نکاح مبارک باشد یانه	[illegible]	این شخص دوست هست یانه	[illegible]
۲۰	۱۰	ر	۲	ح	۳	ل	۴	ع
	این سلطنت باقی ماند یانه	[illegible]	از عبور این لشکر آفتی رسد یانه	۱۷۱۸	ازاین زن فرزند آید یانه	[illegible]	این شخص گناه کرده است یانه	[illegible]
	۵	ر	۶	ح	۷	ع	۳	ل
	این دزدیده و گمشده باز آید یانه	[illegible]	این غایب بسلامت باز آید یانه	[illegible]	در این شرکت نفع باشد یانه	[illegible]	این فرزند نیک بخت باشد یانه	[illegible]
۵۰	۵۰	ر	۶	ح	۴	ع	۷	ع
	این گریخته بدست آید یانه	[illegible]	این دام گذارده شود یانه	[illegible]	این شخص بصلاح باز آید یانه	[illegible]	عاقبت این کار بخیر باشد یانه	[illegible]

صفحه شریفه طلوع بروج که هریک درجه قدر زمان طلوع دارند

حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
ک	ال	ب	ب	ب	ب	ت ک	ب ک	ب ک	ب	ال	اک



زحل ۳	مشتری ۵	مریخ ۳	
جدی دلو	قوس حوت	حمل عقرب	
شمس ۱	زهره ۷	عطارد ۴	قمر ۴
اسد	ثور میزان	جوزا سنبله	سرطان

صح ای ف وزه خ ل ق اس ت در س و ال ع ظ ی م		غ ر ای ب ش ك ث ل ط ك ن ج ز ا و ب ی ا ر	
ا ۲۲ اقلیم شهر محله خانه ب د د و ع و ا غ ع ص ب ط غ ع ا ص س ش ص ض ص د	ب ۲۸ ص غ س س ق ف ب ذ ه و س س د و ص و و ی ی ج خ ع و س ا ص	ج ۲۲ ظ ظ ظ ز ر ز ظ ظ ظ ص ج ظ ض ز ز ر س ا ه ر ص	د ۲۸ خ ظ س ح ع س س خ ظ س د ظ ا س ع ص ج د ف غ ح س ن ع ح و س
ه ۲۳ ح خ ج ا ص ج س ا خ ه ر ا و غ س ب ظ ق و ج ص ز ظ	و ۲۷ د ع ق خ خ ظ ذ ح س ر د ض و ص ج ه ق ش ش ح ج ع ح د ح ح	ز ۲۳ ص ض ش ص ر ص و خ ض خ ص ض ر ض ض د ض ت ر د ر ر و	ح ۲۷ ر ن ط س خ س و ح ض خ ی ذ غ و ع ف و ح ظ ض ظ خ ص د ت
ط ۲۴ ق ظ ش ش ظ و و ح خ ص ر ز و ف و و و خ ص ق ن خ ظ ر	ی ۲۶ خ س خ س ق ا ظ ت ظ ظ ج خ ع ر ی ض ع ض ع س ب ح غ ذ غ	ك ۲۴ ذ ظ ت ث ش ص ض ذ ظ غ س و ی ج ح د ق س س س ض ق ی	ل ۲۶ ظ س ر و س و غ س ل ظ ز غ خ خ ش ع ح س خ ذ د ی خ ر
م ۲۵ خ س ا ق ع ج ص ص س ع ح غ ح ص خ و س ق ع ف ع ب ق	ن ۲۵ ص ب س ش ا ض س ذ ج ظ غ ه ز س ث و د س ق ه ی و	س ۲۵ ح خ ح ص غ ذ ح س ق ا ظ ز د خ ض ع ض ز د ت ق ا ث ذ	ع ۲۵ و س ت ی س ا و غ ق ذ ذ ت ز ب ش ذ ع ح غ ق ع ع د ا غ
ف ۲۶ ب س ص ش ص و خ ظ و ع ض ج غ غ د و غ ظ ا س خ ی ص س ه س	ص ۲۴ ص ق ق ح س خ ذ غ و ص ذ ص ظ س ر س خ س ب س ض و	ق ۲۶ ش ع ض ض و ظ ب ص و س ع و ظ خ ع ق ذ ح ح ذ ض س ض ص ق ع	ر ۲۴ ص د ث ر ع ص ذ غ س ض ز ذ ص ص ت د ز ض ض ذ ز س ظ
ش ۲۷ خ ت س ه ر ظ د ظ خ ن ب ح ر ب و ض س ر س ج ا س ع ع س ع	ت ۲۳ غ ر س خ ج غ ق ق ص ق س س ط خ ر ظ ا ح ظ ع خ و ع	ث ۲۷ س غ ح ع ص ق ث ط ص ط ر ز د ج ر و د ر ض ق ع خ خ س ذ ح	خ ۲۳ ض خ ط ت ت ع س غ ف ا ح ح س ت و ذ ی ذ ذ د و ح ح
ذ ۲۸ ذ س ر ج ا ح س س ع ص ر س ع ع د و ر و د و و ه ق و و ه ر د	ض ۲۲ ظ س ی س غ د ث ر ح و و س ت خ خ ظ س ض ج ع ص و	ظ ۲۸ ع و ر ص ع ح و ح س ح س ق س ه س ق و د س و ع خ و ر و و و	غ ۲۲ ذ ظ ا ظ ظ ذ خ ز ط س س س س ه د ت ح ح ح ذ ح ظ ا ح

ص ف ا ی ح و ز ه خ ل ق اس ت در س و ال ع ظ ی م		ع ر ا ی ب ش ك م ث ل ض ب ط ك ن ج ز ا و ب ی ا ر	
ا ۲۲ ذ و و ر و ق د ظ خ و ظ ف ر ص غ ح خ ظ س س س خ	ب ۲۸ ض ص س و س خ و و ا ش خ س د ر و غ و غ ص خ ص و س ح ظ ی ص	ج ۲۲ ب ذ غ ا ذ ش ه خ ش ص ح ف غ ا ذ د ه س و ه ص	د ۲۸ غ خ ذ ض خ س س و ع ع ض و و ا ا س و ض د س و س ع غ و س خ ص
ه ۲۳ ظ د ر ظ ح ض خ ذ ج ا ع س خ د و خ غ خ س ذ و س ج	و ۲۷ و س ذ ش ص ذ س س ع ی ح ع ظ و ض س و ا س غ ذ ب ز ص ص ع	ز ۲۳ ی ا ز و ف ظ خ س ظ ذ ا ذ ج ذ ذ غ و ظ ص ذ و خ س	ح ۲۷ ض ظ و ع س ذ ص ض ا س غ خ س غ ش ص ع خ ب س ظ ص ح ق ظ س ر
ط ۲۴ ع د ذ و خ س و ص ا ص غ و س غ ذ ص ض ع ف خ ش س ظ ض	ی ۲۶ ا خ غ ر س ق و ص ح ض ع و ه س ی خ ا ع ص ب ب ا ل غ د	ك ۲۴ و غ ر ع ذ ع ا س ج ذ و ذ ص ر ظ ی و خ ظ غ س ع ذ	ل ۲۶ ا ی ص ت ا س ا ر و ذ ذ ش ص ع ص ق ذ س ح ا خ د غ ه و ع
م ۲۵ خ ع ج و خ و ع و ذ ل ذ غ ق ذ ح ق ج و ع ق غ ض ح ض ف	ن ب ۲۵ ج ق خ ق د ق س ض ظ ه خ س ف غ س ا ظ ش خ و ص ظ س غ	س ۲۵ ع س ا و ا س خ س ح د ذ و س و ع ر د ص س ذ ق س ح ع	ع ۲۵ خ ق ظ غ ص ع د ذ ذ س ظ ا خ غ ص ع ح ا ز ح ط س ظ س ع
ف ۲۶ د ب ش ف ر ص ص ت ب ا س س ر ج و و ح ع ع ص ص خ ا خ س س	ص ۲۴ غ ع ر ص و ا ق ا ر ص ذ ظ ف و ع ح ب ی ر و س ق ا ض	ق ۲۶ ص ص ع خ ع ق ذ ص ج د د ع د ف ج ب س ا ص ص ه ض ع و ر س	ر ۲۴ و س ا ح د د س ش خ و و ذ س ر ظ و س ذ ط ق س و ذ ج
ش ۲۷ س ر ص خ د س ذ ظ و س و و ق ی ض ل و س و ح ذ ا ص ع خ ض د	ت ۲۳ ذ غ س غ س ص ا غ س ا ف و س ح ر س غ ق س ح د و	ث ۲۷ د ا ق ض ا س ظ غ غ ظ ذ ظ س س س د ف ر غ ع ح س د س ض ر خ	خ ۲۳ س ج غ غ خ س س س خ و و ص س ف ر د ا ح و ق ح ا غ
ذ ۲۸ ذ س خ س خ د س غ ذ د د ع غ غ ح ص ص ا و س س د و ر و د و	ض ۲۲ ر ص ج ق ذ ذ غ س د ص غ ظ و ظ غ ل ذ ش ظ س	ظ ۲۸ ب ذ ض ف ع ع ص و و ذ س ی س ج و س ض ذ ج و ت غ ق ض و و	غ ۲۲ س خ ذ ه ر و ق ظ ر ر ر غ و و خ ح ع ق و س س س

صفائ ج وزهخ ل ق اس ت دڑس وال ع ظ ی ھ						غ ڑ ای بش لم ث لض ب ط ك ن ج زا و ب ی ا ڑ					
ا	٢٢	لغ ذ ڑغ دح ج ص خ فج ف ذخ سخ ف خ قص	ب	٢٨	ع بڈ وح وس وو ظ طض دسخ ذح وو س ظغ ج س ھ ظ ج ب	ج	٢٢	وظ ق ق ذ ذ ق ج ظ ح ح ص ف داخ س س س ز س ص	د	٢٨	س ص س ذ ڑ ھ س و س د ج سخ ع غ وذ سغ وص س ڑی غ ض
ھ	٢٣	ق ص ج ح وح خ وخ ی و ص وذغ ذ س ڑ وغ دس و	و	٢٧	وخ ڑ و ڑ ڑ غ ط اح س ت وذخ ظت ظ غ وظغ ق ح ع ش ذ	ز	٢٣	ڑغ زض ج س س وص ج س دظغ ص س ذ ظ ص ظ ن ق	ح	٢٧	وس ص س ص س ص ڑخ ظ و ظ ص ص ڑخ ش و ق ڑ وخ ع ع ذ و ص
ط	٢٤	ص ظ وس ق ا او ص غ ع ح ج ص خ ح ب خ خ ح خ د ش	ی	٢٦	ظ ظ ڑ ق ذ وخ غ س ب س س ڑ اح غ ی وس ذ ڑ س ق وع	ك	٢٤	ع وذح ح ع ح ظ اخ س ظ ظ س ش ح ا ع ظ س س ع ڑ س	ل	٢٦	ضغ ڑج وض ف ص ع ل ی ض ع ص ھ ف ڑج ظ دج وذ خ ذ د
م	٢٥	دوص ق س ظ ص ظ ح ح ص ڑ سج ا ڑ ع ص ج ب ظ ظ ووس	ن	٢٥	اضاح ش خ ذح س ج ١١ ڑش غ خ ق س ث ص ذ س ڑ ق ا	س	٢٥	ص ص ص ع ص ق ی اح و ڑ ڑ ڑب زع ح د ع خ ھ ص غ ل ا	ع	٢٥	ع خ س غ غ خ ص ڑ ظ غ ص س ذخ ح ڑس ص غ ڑخ ی ص ق
ف	٢٦	ذج ح ص ذ ج وش غ خ غ ح دغ ی س ح ذ ف ا ذج ع ق س	ص	٢٤	ع س ع س غ لح اح خ ح وج ق وق و لس وس ن س ق	ق	٢٦	ص ظ اظ دج ع ضف ڑش و ضح ی ص ح ت زب ڑج ی ع س غ	ر	٢٤	وظ ص ب ص س غ وغ وح وظ س ض س و ق ظ ظ س ن ذو
ش	٢٧	غ ش ج ڑ ق ش ع س ظ ش س ص ص ل ڑ غ ع ص ح خ ح س خ ج ڑ ج	ت	٢٣	ضح ذع خ ع ڑ س ظ غ و ص س دص ا ض ق ذ ڑ ع اع	ث	٢٣	س س ص س وح وس ق ذ ش اس ڑ خ ق ص وع ص ت و ث س خ خ	خ	٢٧	س س ص ج خ ض ذ ع ح دو ص ذ ڑ س ع ڑج ن ظ ظ ون
ذ	٢٨	اغ ڑخ س ص ڑ ڑ س سغ س ول وا ص س ع ع ذوخ ع ذ ق وو	ض	٢٢ ٢	اخ ب ص ق ب ق وس و س وس و ظ ظ س ج س ظ س	ظ	٢٨	ضف ظ س ق ذ ڑ ڑ س ح زذ وق وف وص ذ ڑ وو ض ض ڑص ج و	غ	٢٢	وخ ظ ظ ظ وق ذ ھ س ظ ظ و وظ ح ح ظ ظ س س ظ

صشائ ج وذھخ ل ق اس ت دڑس دال ع ظ ی ھ						غ ۰ ای ب ش لم ث لض ب ط ك ن ج ذ او ب ی ا ڑ					
ا	٢٢	اص ظ ض ھ ظ ظ غ خ غ خ خ غ غ س ش ض ص ض ض ڑ ص	ب	٢٨	وس وس ت س ذ غ ص ی س ا س س ڑ ھ ڑ ص ے سج غ ح س د و اس	ج	٢٢	اص ظ و ذ ف ش ص ظ ا ح ی ع ف ذغ ھ ڑ س س س ص ظ ذ	د	٣٨	وس س س ص ا وع س س ا وش س ی ذغ و ی ح ظ ب ح ص خ دص
ھ	٢٣	فغ ح غ ع ح ق ظ ڑ ص ڑ ذخ خ د ڑ ح ص ص ع ظ ص ظ	و	٢٧	ق و ڑ س ص ق اخ دس ے ص ح ص ذ وح خ وح س ص ح س ب ص ق	ز	٢٣	ح ذح ب غ ذ ڑس ش ض ض ض ض ص ض غ خ س ب ظ س ع ع	ح	٢٧	سغ ع ص غ خ اضح ظش ب ع ض ع ش ص ف ث ص س س ڑ ظ ذ و ظ
ط	٢٤	ق ع خ ص ا ص ح ظ د س س س خ ح س ع ڑ ڑ و و وغ خ	ی	٢٦	وغ ح خ ذح س ا ض ش ص س ڑ ف ڑ ش ا و غ غ ظ و س وخ	ك	٢٤	ب س ع ی خ ص ظ ص ش ذ س ب ص خ خ ق س ی ض ھ ش س ی ع	ل	٢٦	ی ع ص س ی ی ق ض ص د ق ظ ذ ب ا ڑ ق ڑ وض ج ق ف ڑ و
م	٢٥	س ضغ ص س ق اخ اس ص خ س ش ظ ذع د ھ ق ب ع ص غ خ	ن	٢٥ د	ب ص ص ق خ خ ذع وو ذ ع غ وح ب س س ص ص ن خ ھ ش	س	٢٥	س ب خ س ا س ص خ ڑ ع ص ع ع ض س ذخ ذ غ ڑ ع ح ق ذ ذ	ع	٢٥	ب وص ق ع ی خ ج ش ظ ظ ح خ ڑ خ ظ س ص ص ك ڑ ق ظ
ف	٢٦	غ وس ڑاج اص ع س ت س س غ ا ح غ ا س غ ق ی ع ض خ	ص	٢٤	ذ ذ س خ س ع وح ل ی ص وق ض دغ ڑ س ص ذغ ڑ س س	ق	٢٦	ڑ ص ش ضح ع وذ ب ع ش ع ڑ اضج ش خ س غ س ح ظ ع ھ	ر	٢٤	ڑ ب ص ف ذ غ س ح غ ظ ڑ ش ڑ س س ح خ ض ص ڑ ذ ا
ش	٢٧	ذی ش س اغ ے وح ش غ خ زف ف وص ھ غ ز س ج ص غ ص ع ب	ت	٢٣	ڑخ س س ض ش ذ ط ظ غ ذ ص ج ع ح ح س ع ڑ ث ن ت ث	ث	٢٧	ص وغ ل ڑ ب ق ظ و س ح ق ص ف ذغ وح او خ ڑ ذ ظ اس خ	خ	٢٣	خ ش ح ون ذ ض ع ح س ق ڑ ص ب ظ ظ اح ص ظ خ خ و
ذ	٢٨	ف ص ق وظ خ ص غ س ص ظ خ وخ س دس ڑ و ذ و ج و و ھ ع ڑ	ض	٢٢	ض ظ ب ا ص ا اص ح س س س س س س ع ی ش ی ع ش ش	ظ	٢٨	س س وخ س ع غ ص ع ص ع خ س وو وح ذس وو ض وو ذ ص	غ	٢٢	ض ص ص ظ ص ھ ق ب ح س ض ص و وخ و ظ ب ح ش س س

صتنای ح وزهخ ل وع س ت سرهس وال ع ظی م | غ رای بش ب م ث لغب طک نج زاوب ی ا ر

ا ٢٢ اوال ازظ ظاوع وبع س ج رهس رح ع ش	ب ٢٨ ح سوح سع دسج ودد سوبت س ح طاش سج س ص ع ث ص ص ع	ج ٢٢ س هظام زغ وظ ووو ف قم س ح وح ه و وی	د ٢٨ س ولک ووع س ع غ وخ و وع ضس غ س ح ص س بهف ض وص ع خ
ه ٢٣ ت رج رخ صاع ف ش س س بخ رهس وع ح ظ ظ ظ ق	و ٢٧ ق قص س ب سون س زسع و س ض زذ ف خ وظ اص ظ وظ دس	ز ٢٣ ق ث رهص ے رووع و س رق زغ رهس س ز ح ع ق	ح ٢٧ ن وزع س ص ص ص ت س ق ص ع زع ع ع س ص س غ ب ر صح زغ
ط ٢٤ خ خ ظ زذح سو ذص س سرج خ س د سخ س ص س زع	ی ٢٦ س س ص رخ رطح ع زرق وع ق ح ح ز س ش ی س ب ی غ ح	ک ٢٤ رغ ج غ فج زص غ ع ع ق ج ص غ ظ س ص ع خ ذ ظ س ع	ل ٢٦ ذ ر رس وح ود ودخ د خ ح وع غ و رص خ ص س اص و
م ٢٥ غ ررضو ظاع رشع ظ ع خ زس ع اف زذ ق و ش وص	ن ٢٥ س ن فخ ظاغ رج زدس خ ص س س ذح ع ه رهس وظ ع	س ٢٥ ن ذع وق ض رج ق ض و زش ح ع ق ر ق شخ س ع ح ظ	ع ٢٥ ج زع ش رع ع غ وسح غ رج ظ ع د س س ه ع ی ض ح
ف ٢٦ ق وس غ ظ رق خ س غ و رص ج زوق غ ف وث ص ظ دخ	ص ٢٤ ض غ خ ت س خ ت شور رع ضج وغ س ض س و ع دس	ق ٢٦ ص ص ض دا س ن غ ص ث ت وص غ زع ع ص ب ب ور س ص س	ر ٢٤ و وح غ ع ظ دم ذظ ذ خ دص س غ ص ص وح ا ظ ذو
ش ٢٧ ن غ خ س ق خ غ غ ع و ح ض ق ذوس ص ذل رح ع س وو	ت ٢٣ ص وذ ی سغ ن خ ی ش ح وص رص ح ص خ زح ظ ق ط	ث ٢٧ ع س ح و ظ س دا وح ش ح ب ل غ خ و ودخ ح ب ح ظ ق ع	خ ٢٢ وم زخ ص خ دص ح ص ث ع ل ظ ح ل ص غ ذ ظ ز د ع
ذ ٢٨ وخ اخ ع ال وس س س وس وظ ع ج ش ذ ز د ظ ر ت ووص	ض ٢٢ خ ض خ ح غ ح ش و خ س ے س ی ع رغ ح ظ ه ظ ظ د	ظ ٢٨ س غ ق ق اغ ط ق س ت س ودذ ت س س ع ش وح و ص س ق و	غ ٢٢ ع غ ای خ ق ع ج زوذ ج وس س ش ظ ش ظ س ع ح

ص ف ای ح وذ ه خ ل ق ت س ت د س ه و ال ع ظ ی م | غ ر ای ب ش ب م ث ل ص ط ک ن ج ز ا و ب ی ا ر

ا ٢٢ ب زذ ذع ی ی ک ظ ح ف ا ظ ظ س ر س س ش ق س ض	ب ٢٨ ض س ولک ذ س ووو س غ وش ل غ رو ق ص ع ق ع وع ظ ر	ج ٢٢ ق غ ظ غ ع راف ص ظ س ص ج ص ف س ع س س ذ ه س	د ٢٨ واو وح ع وص ص ول ض وخ ق س رع و ذص غ غ ع ث ص ع ص
ه ٢٣ ذ ذ ن ل ع ح س س خ ع ز اس س ی د س ق ت س س ظ ی	و ٢٧ ش ق ش س ے ض خ خ ق ج ح روع ر ت ج ع ح ق وف رف	ز ٢٣ ع ع زع وذخ خ ص ش ض ض ش ع ج س ذ د وغ ص ذد	ح ٢٧ ذ ر ذ ذ رضج رغ ع ع ود رع ب ش ع س ودح غ و ح ذ ظ س
ط ٢٤ ی خ غ ض ق س ظ ج غ رج غ زس ا ر و ظ ا ق س ر و و	ی ٢٦ ق ص رهت ک ف ص ع غ ح اح س ع ر ذ ع غ س ق ص ف غ ش	ک ٢٤ ع ش ص س س س س غ ظ ح ذ وص ص ج ق غ ق ج خ خ ع ظ ر	ل ٢٦ ر ا روی خ ق ح غ ح ق ح ق وص خ رخ ص خ زش ر ع ج و
م ٢٥ خ ث ح ض خ س ع ظ غ ح و خ ق س ع خ و س ف ق ی ق ع ق	ن ٢٥ ق ق اع ق دس ع ذزس و خ ح ش ع ع ض ع رض س سح ح	و س ٢٥ س س ع ش ت س فخ ززص ق رص ج ش ص ع خ ع ق ز ص ص س	ع ٢٥ ج ع دح دخ ظ ح ع بخ ب رص زوغ ع س ع ح و ظ ع س
ف ٢٦ دح خ ح وب دوح دی ع خ ص ص رع س س ظ خ ص و وس	ص ٢٤ س ق ح ح ذع خ ص ذ ق ج س س وع ذ ر ظ ج ا ت زش ق	ق ٢٦ اس خ ح ض ص ع ص ے و س ع رع ذ ظ ص ع ا ر ز زس ح	ر ٢٤ ق وب س ص خ ق خ غ س و ع س ذح ق ظ ش س ص س ب ع س
ش ٢٧ ص ج ذظ ذظ ق اظ ع غ ا ص س ص وس ر رص خ خ ص س ص ذی	ت ٢٣ س س دش ش ج زض ط اق ق غ ل ع ح وص ض و ش ن خ	ث ٢٧ ی دع س ق غ ی خ وذع ح ذخ ق خ ذی ذی وس ذ ودخ ر	خ ٢٣ غ ی ع غ غ ش خ ص خ ش ا ع ق ص ق ق ق ص ق ق غ
ذ ٢٨ س ظ وی س ذس س س ذذ ظ س ع ذت خ ص ذی س ص و ر ذ وذ	ض ٢٢ ق ع ض و ق ذ ره دد و و ور وع ظ س س ظ ش ش	ظ ٢٨ ق ع وح س ج وظ وه س س ج س و س س ع دس وح و دق وو	غ ٢٢ ح دذع ذزخ دخ س ب س س ه خ ع ش ش ث ش ح و

صق ا یج وزهخ ل قاست درس وال ع ظ ی م				غ رای بش ب م ث لض ب طکنج زاوب ی ار			
ا	۲۲ هذزفدم رشغ ت ق شج ع ض ج رس ص ق	ب	۲۸ ضخ ک وس وش خ وذس ش ب ش س ذع ی س س وع ر ق ص ی ع	ج	۲۲ وذذدوص وغ ع ظ ظ ع صع ق س س س ق س ص ص	د	۲۸ ظخ وج سا سج شق صح وس سغ دوح وه ش س ر ذ س س ر
ه	۲۳ ص س سی ضن سن وس و ف دب دت خ ض ذت و تج ر	و	۲۷ غ شص خ ظس سا ن س ع ق س وص غ اس غ ع ع ص ش س ر	ز	۲۳ ظ ظ ظ ووج ازززص وض و و ص دخ غ س ش خ ح	ح	۲۷ شاخ ی ظ ق وهح افغ رس ف س غ خ ح ب ح ق ذ ح ض وس
ط	۲۴ ق ص خ ح خ سن خ غ غ ض ذخ ع ظ ش ص ع ح غ ن غ غ ض	ی	۲۶ ذش رت ش ے ع ش سا سغ ع اس ص ر ذ ط وز غ غ ت او ع	ک	۲۴ خ وع ذذ وص وا زش ح ع وع س ق ص ه و ش و ق ق	ل	۲۶ سن ق ذع وق خ ع ظ ذ ل س ش ع ظ ی وز و وج ب ا ت س ح
م	۲۵ س ص ق دا بغ زع صد س خ ض غ ض ق ظ س ق س ط ذج ص	ن	۲۵ ق ض دت ق ش ذ ش ظ س د وح غ ص س ی د رح ظ خ خ ج	س	۲۵ ش ذح ع ح ق ام ذا سغ وم ذق ش ق ع غ س ر ح ل ح	ع	۲۵ ص ش خ ق ص ذخ خ وغ و س ذص ص وج د ظ د ذ و غ ر
ف	۲۶ ث غ ش س ق ض زض ج ج ع ظ ت ظ ق ح وغ غ ظ خ س و ص و ب	ص	۲۴ ز ظ س خ رس وه ج س س ع ت ی ج خ ذ ذ د ض س ی ت	ق	۲۶ س ر و ظ ص ج ن خ رج م ا سع ه ذص و وح س س ج دس ظ	ر	۲۴ ج ب ج غ ذ س ق خ ذ خ ح دوص ض غ ص س خ ق ر د و غ
ش	۲۷ س غ ق ص و س س ذ ر ذ ض ذخ ح س ذ غ ج غ ص خ و ع ذ ه و	ت	۲۳ ش ظ ا ض غ ش ه ض س د و ب دخ ع ق ذص ت ر ذ ت	ث	۲۷ وذذ دع ب ظ ص و ن ض غ ض ع ر وخ ج و ظ خ ح ذج ر ع	خ	۲۳ ع ق غ ق ق ق ظ ر ث د خ ح ح ی س ا ظ ص ش ش ا ظ
ذ	۲۸ س د ظ ظ ا ق س وس خ ر وش ده ت س و خ س ت غ و د و غ س	ض	۲۲ ت اغ دغ زود و و ر س ص س و ظ س ظ ش ع ع ظ	ظ	۲۸ ی وزس اظظ وص س س س س ص س وح ع خ دوض ع ا ق وص و	غ	۲۲ ظ ظ ی ض ض غ غ ی خ وغ ودخ ر ص س ظ س ع ع ع

صق ا یح وزهخ ل قاست درس وال ع ظ ی م				ع رای بش ب م ث لض ب طکنج زاوب ی ار			
ا	۲۲ دردسوب ت ن ث ش ه ت زی ه ی و س ا م ن ن ض	ب	۲۸ ج م ن ا ب م ه ح م م ل س ص رف اک او دت ا ا ث ض ط خ ص	ج	۲۳ ر ر ر ر ر س س س س س س س و و و و و و و ل	د	۲۸ ی وی رش ود اشح در وم زاد ه ه س ن ی اد و ا د ا
ه	۲۳ ت دل رب وب کال ه و ب و ر ه ح اول د اح ح	و	۲۷ ج ک ه دل دک م ه ل وی ع ق ل ب ک م ک ص اه ا وا ه ی	ز	۲۳ د ر د ک ط م ب ب ج ب ه ر د ش ی ه ی ف ی ا ی ا ت	ح	۲۸ س ی ن س ر ب ر ش ر ا ا ا م ش ر ک ک ک ی وب و ط ف ش ن
ط	۲۴ ا ا ذ ی ک ش زه ز ی ج ا ا م ع ن اذ م د ک ب ل	ی	۲۶ ی ذغ ادم ن ن ی ق ذ ن ن ن ن و ی ی ی د د ل د ن ن	ک	۲۴ رب دم ی و ی س ت ا د ق دت ع م ن ف وا ط اب ا	ل	۲۶ ط و ر ه ر ت ه ن دب ا ه ه دش ا ا ا دج ال ک ذخ د
م	۲۵ ق ع ا و ه و ش ث ب ق ر د دک ی وث ا ر ا ر ا ر ی ب	ن	۲۵ ت م م ش ش دع ادد ک ت م س س د د ا ع ر ا ت م م ک	س	۲۵ ص و ل ل د ی م س و ن ی ه م ب ی م د ن د ا ا ر د ق ه ا	ع	۲۵ دس ت ف ی ر ش ت ذ ت ن ک ب ک ج ن ه ر ا ک ل و ا و
ف	۲۶ ی ی ی ن ر ذ ش ن ن ی ک ل ی س و ن خ ن ش ش ل ل ر ر ل	ص	۲۴ ادک دداس ادم دع ی ن س ل ب ج ی ن د ت د ا ر	ق	۲۶ ز ذ ا ل ا ذ ا ر ا ی و ی ص وا ی ن وا و ر ه د ر اخ ا	ر	۲۴ ر غ ف ز ن ز ن ا ا و ت ا ا ا ر ا ا ن ر د د ا ر و
ش	۲۷ ط ک س ش ر ا ر و ک ب و ن ک ب ب ر ف ل ب ز ا م و ا ی	ت	۲۳ ش د س ح ق دا وا ی م ه ا د ق د ا ه ا د ا م ا	ث	۲۷ س و ف ذ ر و ی ت ل ت و ب ر وم ش ن ذ ک د و ل ذ م د ا ل	خ	۲۳ ا ا ا ل ا ر ا ا ا ر ر ر ا ا ر ر ا ا ر ر ا ا ر ب
ذ	۲۸ دا ر وا ا ق ا ر ا ا ا ر ا ا ا ر ر ا ا ر ر ا س ذ م ا	ض	۲۲ خ ده ن خ ن دل ش و ن ر ه ه ق ا ه ر ش ب ب ا	ظ	۲۸ ل ل ل ل ل ل ک ت ذ ام ذا ر ا و س و ک و ا خ ب ت ص	غ	۲۲ ی وی رش د او شح د د ر وم ذ ا وه و س ن ی

صرف ای ج و ز ه خ ل ق ا س ت د ر ص و ا ل ع ظ ی م						غ ر ای ب ش ب م ث ل ض ب ط ك ن ج ذ ا و ب ی ا ر					
ا	۲۲	ذ د ب د ظ ا ن ح س د ك م م م ا ی ی ك و و و ل ل	ب	۲۸	ل ز ن م ی ی و ص ب ك ر ص ك ب ل ب ك ف ك ۱۱۱ ه ت غ ف د ب	ج	۲۲	ب ر م ب ق ن ب ل ا ج ه د ص ر ی ی ر م ی د ر ا	د	۲۸	و ر ا ز ی ص م ن ح ع ب ب ك ی س ج د ق ذ ر ت ه ا د ك ب ب غ
ه	۲۳	د ب خ ب د ع و س د ب ه س ز ق ۱۱ ا ر ص ی ل ت د	و	۲۷	ح خ د و ن و ش ع ع ح ش ع ه د م م و د م ع ی ل ك ش د ل	ز	۲۳	ب ی ك ب ب ت س م ه ن ه ب ی ا د م س ا ت ت ت ت	ح	۲۷	ر د ه ی ز ن ج ن ا س ط ش د ا ج ر ت ل د د ه ب ب ن ب ی ی
ط	۲۴	ی ز ت ب م ك س ع ا ع خ ر ه م ع م ه م و ا ع ا ل ب	ی	۲۶	د ن ج د ح و ع ل ا ه ن ا ی ك د ج ك ج ن ت ه و د ه ا	ك	۲۴	ك ت د ب ت ه ت ق ب ه ب ب ر د د ب ب ك ه خ ا	ل	۲۶	و ب ا ص ح ی ب ا ب ی ا ع ه ز د ی ا ب ه د ب ر د خ ت و
م	۲۵	ك ر ز ز ل ذ ا ع ع غ د ی ا د ن م ز ل ر ن ی ق ح ل ی	ن	۲۵	ك ه ح ت ت م ب ا س ب و ح ۱۱ ر ت ل ا ج ن ش ب د ی	س	۲۵	م ا س ا و ق ا د ن د ن ا ح ر د م ل ن د ی م ز د ن ص	ع	۲۵	ا ر ك ت ب ا ز ر ی ش ش د ف ی م و ی ا ا ع ن ا س د ا
ف	۲۶	س ك د ر ر و و ا ل ذ ی ا ا م ن ر ب ب ا ر ك د و ر ر د	ص	۲۴	و ت ا ی ب و ن ا د م ا ك ی و ك ش ق ر ش ل ل د خ	ق	۲۶	ح ت ر ت د ی ص س ا ر ب ه ب ك ر ت ت ی ه ر ن ت ا ب ط ك	ر	۲۴	م ن ت ب ۱۱ د د و ص ه ن و و س م ك د ل ق ی ق ی
ش	۲۷	و ش ت ر س ر ك ا ی د ب ا ی ی د د خ ع ق ب ب ا د م م ل ع	ت	۲۳	د ب ا خ ن ب و ۱۱ ر د ۱۱ ش د د ن ش ر د و ۱۱	ث	۲۷	ه ی ع ی د ل ه ی س ق ن ف ب م ا ب و ر ع م ی ب ت ا ت ه ا	خ	۲۳	د م ت ك ا ن د ك ا ج ا د ا ا ب ر ب ب ر ا ح ر ا
ذ	۲۸	ق ك ت ك م م ع د ا س و ل ل ت ش د و ی د ب ب و ا ی م ل ر	ض	۲۲	ا د ۱۱۱ ر ۱۱ ر ر ر ۱۱ ر ر ر ۱۱۱ ا ر	ظ	۲۸	ط ی ك ا د ب ی ز ب ا م ت ت ل س ب ص ك د ر ی و ه ا ف ك ا ظ	غ	۲۲	۱۱ د ۱۱ ر ر ر ا ر ر ۱۱۱۱ ا ر ا ر ر ر

صرف ای ج و ز ه خ ل ق ا س ت د ر ص و ا ل ع ظ ی م						غ ر ای ب ش ب م ث ل ض ب ط ك ن ج ذ ا و ب ی ا ر					
ا	۲۲	و ج و ج و و ظ غ غ ع غ ع غ ص ه ع ت ق ث ث ا ظ	ب	۲۸	س و س س س س ظ ظ ن خ ق غ س ظ ق س ز ش ر ع ث و ح ر ع ا	ج	۲۲	ا د ذ و ر ذ غ غ غ ظ ص ف ۱۱ ا ق ظ س د ج	د	۲۸	س س س و ج ی و ز ع غ ق ع د و و س س ر س خ ض ر و س ص ا ع ا
ه	۲۳	ص ش ح ث ث ز ج و و ق ع ع خ ع ع ذ خ و ع ع ظ ر ت	و	۲۷	ب خ خ ق و غ ز د ح ی ظ ا س خ خ خ ق و ع ف و ع ا ق ر ص	ز	۲۳	ح غ ع ض ف ظ ظ خ ر ا خ ظ ض ق ظ س غ ز ه ر ح ض	ح	۲۷	ص خ س ذ غ ا ر ر ذ و ع ظ خ غ خ ر ر س ی ض ا ص ع س ت ر ظ
ط	۲۴	ن د ن ص ا ب ج ر ذ ذ خ ق ع ع خ ع س ف ف ا س ا ص ر ع	ی	۲۶	س ح غ س ق د ع خ ج ب ر ا ث ق ذ ف ر خ ع غ خ س غ ع	ك	۲۴	خ ش د ذ خ ر ظ ا ص غ خ ص ث ی ع س ر ص ر د ض ا خ ذ	ل	۲۶	و ظ و خ ض ی س خ ض س ن خ و ی ز ق ع ف ر ر و ض خ خ و ع
م	۲۵	ظ س ع غ غ ز ص ج ح ر ص س ز ح ج ف ذ ذ ح ص ط ص ج ع	ن	ی ۲۵	ع ا ذ ص ع ظ خ ج ع ف ع ع د ش خ ص و خ ص ح ر س س س ذ	س	۲۵	س ذ س غ س س و ف ص ب ر ر ج ا س ظ ق خ خ ف ب ع غ س ع	ع	۲۵	ذ خ ظ و و ذ ش ض ی خ خ ق خ خ ض و و س ض ل س ظ ر ی ذ
ف	۲۶	ظ ف ج س غ غ ا ل ف ر ظ ظ د ع خ ف و ض ص ر ر ق ص و ذ ح	ص	۲۴	ع خ ح ح ع ش ر ض ق غ غ ف ل ق س غ غ ج ف ص غ غ	ق	۲۶	ی ع ض ص ش ن خ ر ر س غ ه ع ص ف و ر س س ر س س ر ع ظ	ر	۲۴	س س ع ص خ ع ص ص خ ف ر ض ز ب و ر و ز خ ظ س ص
ش	۲۷	غ ب ظ ص ع غ ض ا ر ق و و ل ق ر ح ص س ح ر و ز ا ر ص س	ت	۲۳	ظ ف خ خ خ د س ش ذ س ص ص ذ غ ض ض ق س ر ض ا ض ض	ث	۲۱	ی ذ ع ا س ع ص ع س ع س س ص ر ع ز ش ر ی ز ا ز ج ظ ص ص	خ	۲۳	و س ح س ض غ ظ س ع ز ذ ق س ح س ص ر ح و ح ظ ح و
ذ	۲۸	ض ب غ ر خ س ع ق ق ص ذ ق خ س ق ل غ ا س و و د و د و	ض	۲۲	ح ظ ق ظ ق ظ ظ ق خ خ ح خ خ خ خ ص ص ص ص ص ص ص	ظ	۲۸	س ص ج ف ظ ا س و خ ع ف س س و ع ذ س ع ع د و ذ و و ذ ظ	غ	۲۲	غ ص خ ف ظ ف ق ض س ع خ ص ص و و خ ظ ص ذ ع س

صوفاىج وزہخ لقاست درس والع ظى مر		غ رای بشبم ثلض ب طلن ج زاوب ىار	
ا ٢٣ زرذزظ اظح صصص ظ وغ رس ورسخ هر	ب ٢٨ سع لنخ ورسخ نحی س صش ن شخ دس غ ذش زج سا طخ	ج ٢٢ شع ذذ وذدوغ وغ ت غ تخ ذا ذ ر ذس غ ث	د ٢٨ سخ ودق سغ ظاب ذس ف بس ذرس ا ج بس ج س ا طغ دخ
ه ٢٣ بش زج رصا خخ ش بتر ظ س شش غ غ د ی ظ د	و ٢٧ خ ح ذیرح رس سخ خ دس دوس ت ح اغ تح ضخ وق	ز ٢٣ دت ق ث ذس لہ ارع س ظ ذص چ ق ور ا زص ظ	ح ٢٧ وی خ وذج سغ صس ص شوج س ث س ی ق ثع ظ ذ غ ارغ
ط ٢٤ سغ غغ ص صخ ب سر زح فش هغ زل ث ظ رح ق	ی ٢٦ غح خ ذرزع فسو ح ح رص صح را س وح وخ ظظ ر	ك ٢٤ ح بس ف زغ سخ ذوص ص غ غ طغ ع دغ ذخ غ ح ش	ل ٢٦ داع فش ن وسع صغ ذ ح ح ق ذص ص ح غ ذس و دس س
م ٢٥ غ خ دص سخ زع غس ص ضش غ سخ خ ضخ ذ ای خ	ن ٢٥ خ رض ق زاغ رغ ب ض رود ثغ س س ث س ث ظ ش غ	س ٢٥ ظخ تغ خ فغ ضا ذ ذ د ض فغ فغ ب و و وس س س ه	ع ٢٥ ره رج غ ف ق بن غ صغ ص صخ ذخ ص س ف س ب خ س ا
ف ٢٦ ج ص ضظ ذض وخ ش سظ اغ س ض ظغ ر و راس وخ س	ص ٢٤ رق غ غ فخ ظ ضخ غ س سخ روف ش غ غ ی ج غ غ خ	ق ٢٦ اا ق ذق خ ش ف ی ذت خ ض فغ ح ص ظ ح س س وس خ خ غ	ر ٢٤ غ ش خ خ ذ ص سخ و و ذ خ غ ف ق س غ دو رغ خ غ ا
ش ٢٧ س س غ ا ف ح ص س ر ظ ج ذ ش ص ر ف غ ف ظغ غ ر ص غ ح س	ت ٢٣ ش ش د هغ غ س خ خ ه س ش غ غ رس ر د ظ ص خ ص ح	ث ٢٧ ظ رو صغ غ اظ ح غ ش و ی ث ظغ ص و وخ خ خ س ظ رث غ	خ ٢٣ ذظ ووغ هح سوخ ث غ ح وظ ك ث س ح س دس غ
ذ ٢٨ غ غ غ ج خ سغ ص ق ظ اش ح ض و س ت و ظ س ص و خ س و ص س س	ض ٢٢ ذر ظ ذ ی و ا ظ رص و س ص خ خ ظ ذ ظ ظ ذ ق و	ظ ٢٨ غ وح ض فغ غ ق ضب ع ر رو رض وس و س زرف س ور وج	غ ٢٢ زغ ذغ سغ غ خ سخ خ س خ ح س س ظا ض غ ص غ د

صوفاىج وزہخ لقاست درس والع ظى مر		غ رای بشبم ثلض ب طلن ج زاوب ىار	
ا ٢٢ غ ظ وذرع ذق ذص ظ ظ اب ف ت ا س ر ذس ف ر	ب ٢٨ ق س ق و و و ر ف س خ ع غ وغ ا وغ ر و ذ و ص ے ص خ خ غ	ج ٢٢ رب ذ ور ر وص صخ ش ظ س ا س ا ح ظغ س س و	د ٢٨ ر وس س س صا ض ذ ی ش س رض رس رس و وس و و ط ی ص ح
ه ٢٣ ذس ذق ذس ت ج خ خ ق خ خ ش ش ش ش وخ ش و ص ح	و ٢٧ ر س ع ص ے ذ ذخ ق ع س ح خ غ ق ذس ظ خ غ وخ خ ذم ی	ز ٢٣ ر ق ی ظ ض ج ظ و ن د ض س ا ذ ظ ج ی ص ذس و ه ح	ح ٢٧ ر و س ش ظ ع غ ب ج ا غ ج ع ا ض ص ذس غ خ ت س ی ذ ر خ ن
ط ٢٤ س غ ش غ ض س ه خ غ س خ س ص ج ج ذو رح خ ش س ی ج	ی ٢٦ ص دخ ص غ ظ ا ی غ ص ج ض د ض س ث ت ه ص ذ ف ق ذخ ب رض	ك ٢٤ خ رح غ وخ س س ع و ا ح س ب ص ظ و ص ظ غ و خ ب غ	ل ٢٦ ص ص ص غ ض ص ے ش ش و ذ ب ی و غ ذ غ ا خ ض ذ خ ص ر ص ح
م ٢٥ ج ع ش ص ص س س ش ظ و ق ا ص ص ص ق ع ش ر ر ذ ع ف غ ض	ن ٢٥ غ وخ ع بس ذ خ ذر ش خ غ ذ بس و غ ع ب غ غ غ ح و و ا	س ٢٥ ث ض وغ ظ ض ح ص ص ع س ص خ بر بر ذ رخ ص غ رخ س ص ق	ع ٢٥ ت ض ذ غ ص ظ ر ظ ص ر ش ص رع ذ ب ر ج ش غ ر ص س ع
ف ٢٦ خ ص غ ص س وغ غ ظ ز و ع غ زغ ق ی ض خ ذ ض ق ق ب ر و ص	ص ٢٤ س و و ع ص ص ق ذ ص خ ر ز خ ع ر ظ ص غ زج غ غ غ	ق ٢٦ ه س خ غ ف ذ ح ر ب ض ش ق ظ ق س ر س ض و ض خ ظ س و د ر	ر ٢٤ ح ج س ا ش و س ع ض ذ خ ج ج خ و ث ع ذ خ خ ج ج ا ر
ش ٢٧ غ ف ق ظ ح ص ق د ر ش ا خ و ف غ ت ب غ ز ص ر ذ و ظ ر غ و	ت ٢٣ ش غ خ ه و غ غ ج س غ خ ح ق س ش ظ غ ش ل ح و ص ر ف	ث ٢٧ ر ر د ظ غ غ ن ش د ت ا و ر ح ظ ع د س س ح ش غ ی س س ه ا	خ ٢٣ ذ ح ر و س خ ر ر ض ج ب ذ ل ع ر ت ع ی ج ذ و خ خ
ذ ٢٨ ح ز ر ج ز س خ س ق ا ج ص س ظ ق و س س س ی ر و ر س س س ع	ض ٢٢ ق ق ق ص ض ج ض ا خ ر ر خ ر خ ش س ع ظ ا ش س ع	ظ ٢٨ ق ی ز ح ث س س خ و و ظ ع ی س س ز ح ظ ف ذ س ه ص و غ ق ص	غ ٢٢ ص و ح ظ ق د ب ص س ر س ص ص ز ذ ا ت ص ع غ د

صفا ای ح وزهح ل قاست دریں وال ع ظ ی م		غ رای ب شب م ث ل ص ب ط ك ن ج ذا و ب ی ار	
ا ۲۲ ررق وی دع ع ض س خ وف خ ا ذی س ج دح	ب ۲۸ سخ ق ش ق ی رس ق دح س ص ق و د ش س ذح خ س س خ ع ح س	ج ۲۲ صع وص ذ شغ ع ن ع فع و رق رظ ظج ح و	د ۲۸ ك س س ق و و غ ز غ ق ق ع سخ رس س س ظ ظ خ ح ش غ غ
ه ۲۳ ع وع ع صخ شخ ی ب خ رع ظ و س س وخ س س خ	و ۲۷ ح صخ ب ظ صغ خ ظ و را ذخ ع غ را سخ ع غ س ع س ص ر	ز ۲۳ وص وضق ظ ص س ن ا غ ح خ دخ و اع ت ا ۱۱ و	ح ۲۷ ق ق س ق خ غ ص ح ح ح ح ز س غ و وس سو ص ع ش ر ذ ش
ط ۲۴ غ ق خ دع ذ ث دخ س ح سج وح ر د ودخ ظ وص ج	ی ۲۶ وخ ق وی ذ ص ق غ ط ب شرا ذ س ذ ص یج ع ذ ق خ ع ح	ك ۲۴ وص و ن ع س ب خ ض ض رس س ح ذ ظ بس س دح خ ذ ص	ل ۲۶ غ ع ص ق ح ز و ذ ر ذ ص س ج ذ ن ن ع ق س ع و د ق ذ خ
م ۲۵ رر وع ض ق ذح ذخ ذر ف و رذ غ د وس ع ف ذغ د	ن ۲۵ ع وو غ وظ ع غ ذ ر ط س سج س ل ذ ص غ خ ص ض ب هو د	س ۲۵ خ غ ضج رق ق ذی ع ح ص رر دص س ب اخ و ق دع ك	ع ۲۵ ذ رخ د رع ذ ض ص ذ رس اخ خ س ی خ بس ع ذ س ذ ع ق
ف ۲۶ من س ی غ س ع س و س صع رق ح س ف وخ ث د دع خ	ص ۲۴ س ش ص ص ع ح سا ج ا ذ غ س خ و ظ ذ ظ س ا د ع س ض	ق ۲۶ ذ و ن ص ض خ س ق ا خ د خ دض ا خ خ ر ره س ع س س ق ص	ر ۲۴ ص ط ق س ص خ د ز ا ن ح ع ح ح ر و وس س ن ع ص ح
ش ۲۷ خ غ س س غ س غ ق ب ج ع واو س ی خ وس ز ظ ق ض د ظ خ	ت ۲۳ ش س ذ خ ز ع خ ح غ ع ق اش رج و ح ا ج غ ر خ ر	ث ۲۷ ع خ ص ط و و ظ ز د ۱۱۱ ا ظ ر و ق ص ظ ظ خ س س ا س ذ ذ	خ ۲۳ س ح و ظ خ و ض غ ض ر ص ط ذ س ت ش ظ خ ت خ ح
ذ ۲۸ وع س س ت س ا س ص ق س ت ب ظ خ ی و ش س وس و ر و ق ر ق	ض ۲۲ س غ ق خ خ ذ خ ق س ط وس خ و د دخ غ ش ظ س	ظ ۲۸ غ ص ع و ذ ص ص س ظ ق ش م م س ب ف ظ ص س س ص و و و ع ق ر	غ ۲۲ ر ذ ذ ذ ق ظ ا س خ رر س و غ رع ح ص ع س ظ ظ

سروالبون

صو ن ا ی ح وزه خ ل قاست درس وال ع ظ ی م		غ رای ب ش ب م ث ل ض ب ط ك ن ج ذا و ب ی ار	
ا ۲۲ و و ذ ش ش و خ ث غ و غ غ ع ل خ ض س ض ض ض ح و	ب ۲۸ سج ع ب ق س ع و ش س خ و ا خ و س ب س ی ب س س ا س غ ع	ج ۲۲ و ق ق ق ذ ذ خ غ غ غ ظ ذ ق غ ظ ظ ظ ر س س ر	د ۲۸ س س ق س ح س م ا س س خ س خ ج ج ر س م و ذ د س و ا و ن
ه ۲۳ دح ذ ذ س س د ش خ د ر خ س ظ س غ س س ق خ ظ	و ۲۷ غ ا و ص ق خ خ ح ا ع ش ر ی ص و ا ج ع ض خ ع ح ع ق ظ س	ز ۲۳ غ غ غ ظ ذ ص س ذ ذ ع س ص ا غ خ ض خ س ذ و و ا ح	ح ۲۲ ذا رج هو ذ ص ش خ ص ع غ ه ق س ر خ ق ع ی ا غ ص د ر ف
ط ۲۴ ح ج ح س ص ذ غ س ع غ ذ خ و ج ص ج س و د خ ص ه س	ی ۲۶ هو غ ع خ ر ن هو ش خ ع ح و و خ س ر ق ص ر ش ص ج ر س و	ك ۲۴ ا ق س ش ص ع س غ ز و ر ص خ ذ ر س س خ و ذ و و ز ق	ل ۲۶ ظ ف ق ز ز س و ا ح غ ق ظا ع ص ذ و ذ م ت ا ص س هو ع ز
م ۲۵ ی ه ك خ ح س خ خ ع ق ا ح ح ج د خ ح د وج و	ن ۲۵ ر و خ ا ع ق ا ذ خ ذ غ ع س خ ع ع ا ح ب ی غ ع ا ك س	س ۲۵ ر و غ رج ض ع غ ط ا ع ز ر ش س ع ظ س ز س غ خ ق ر ف	ع ۲۵ ز ذ غ ز ض ق رع س ص ق ص ع ح ض ا ظ ا ذ ا ر س ص ع
ف ۲۶ ا ز ی ع س س س ع ط ش غ ح ص و د د خ خ غ ا س ذ ض ق ر ب	ص ۲۴ خ س ب ب خ ر غ ع س ق س و ز ع د ظ ر ظ ش ذ ا ح ل	ق ۲۶ ق ظ ق ع خ ا ر س و د خ ح ذ ق ب و و ح رع ر ع ش ص ق و	ر ۲۴ ف س ج و غ ذ خ ق ز د ظ س ض ع ر ق و بس و خ ا غ ع ع
ش ۲۷ س خ و س ع ق ظ ح ح ب س ش ف و خ ذ ر ظ د ج ص ح ع ع ذ ذ	ت ۲۳ خ ل د ل خ ت خ س خ ی ح ر ر ر ع ر د ه د ل ر ر ر	ث ۲۷ ق ع ع ع ر ق ظ خ خ ع و ن ص ر ذ س س ا غ س ج ح ق س ظ ا ه	خ ۲۳ ذ ذ رخ س س س ص س ر ق ص ص ص ص ع ر ر ذ س س س خ ع
ذ ۲۸ ض ج خ خ ز خ وح س س و ك ح ر ص خ هو س و ذ ص و ب و ج ر و و	ض ۲۲ ر و ا خ ا ا ا ج رخ ز خ ح خ س ظ س ظ س س ص و	ظ ۲۱ ع ا خ ع ع س س س س ج ع و ق ر ق و و ق ی و ع و و ر و ص ر و	غ ۲۲ غ غ غ غ ع ذ خ ق س س س س ا و ص ق غ ع غ ع ع ع

سوناىح وزهخ ل قاست درس والع ظاى مر						غ رای بش بم ث لضب طلن ج ذاوب ی ار					
ا	۲۲	صوم رق وج خ قو ح ف رظ ض سظ س ت سح	ب	۲۸	قخ حص ولذ ق سظ شع ش وس ص س س سع و ر و ه ا ن ص ح ص	ج	۲۲	ج ذغ ف و وزه شغ غ خ غ ف س ظ ت وص و غ ص	د	۲۸	ح رس ج ع ل ق بن ذغ س ه ت ی ج ی ب ه ص ق م ذ ت س د ر و
ه	۲۳	د ف ض س ص ت ی ذ ط ث س س ع س ح ج ب ح ح و ص س ح	و	۲۷	ع خ ع ق ص ق ذ ص ح ظ ع رخ رت و و ص ص ظ رص ج ذ ذ ص	ز	۲۳	ز م ص ظ ج اس ص سغ ع ذ ذ ص ا ص غ ح س ر اس و	ح	۲۷	شح سج ب ا ع ث شخ ح و د ر ص س ق د ا ظ ذ خ ق س ذ غ ح
ط	۲۴	ع ث ظ ص ص س ظ ص ش ذ ف سح زوغ ص ب ر ر س س زح	ی	۲۶	ی س س خ ح و ر ب ع س س س ص ذ س خ غ ب ظ ظ ص ر اس ث	ک	۲۴	رغ ح ص س ط اذج ذس ا ا ض ر س ر ذ خ ت ح و ع ق ص	ل	۲۶	ی ر وخ ظ ج ت ر ذ ص ع ر وح ل ح ح ا ص ا ر ر ح ش ق
م	۲۵	ظ س غ خ س ی ذ د ش غ غ س ح ف رع ص ش ق ظ س ح ث	ن	۲۵	ص سخ ظ ص ع غ ق ذ س ص ذ ر ر ی او ذ ص ظ ر ع س ش	س	۲۵	رح ح ی خ و اس خ ص ر ع ظ و ش اص ذخ ص ص ت خ ع	ع	۲۵	وح خ س غ ص ن ع ذ ا ع وص س وض و اس س خ وی س
ف	۲۶	غ ذص ص سج ی ع ح غ ع ظ ح ش ع ذ ص ش خ غ ع ذ ح س د	ص	۲۴	ح د ر خ س س غ ب ح ض ر ع خ ر ث ر ر ج خ ظ ق ح ب ح	ق	۲۶	ق د ه ظ و ر ع ص ح ش غ س ص ذ ز ظ ه ظ ص ذ ت س ع ظ ع	ر	۲۴	ر ص و س س غ ی ح ص ی ص ح ح ع خ ا خ ظ ر ر ح س ص
ش	۲۷	ع ر س و و رع س اش ص ض ث ص و ر و د ذ ب ذ س و س ج و	ت	۲۳	ظ غ ص د س ش س ب ذ ر س ق س و ث ق و ه ر ع ح ق	ث	۲۷	ش و ص خ ق ض ن ر س ح خ ذ س ا ح خ ذ ع ص ظ م ق ظ س س ص	خ	۲۳	د ب غ ش و س خ ا غ ع ر خ ق ف ث ظ ح و ض ع خ ه ح
ذ	۲۸	ص غ وخ ص ه ص خ و ش خ سخ وث وع س ت و ر ب ر خ ق و ر	ض	۲۲	وس ر و ق و ر ض س ر س وص خ س ی ش ع س ذ ع ص	ظ	۲۸	ق س ف ظ ر ف وخ ع وخ ط وس و ر س و و ت ظ رض ع ر و و ع	غ	۲۲	خ ص ف ظ ظ و ث ق س ح ر س ر خ و ع خ ذ ع ش ع س

صوناىح وزهخ ل قاست دس والع ظپی م						غ رای بش بم ث لضب طلئ ج ذا وبی ار					
ا	۲۲	و ق ع ق ذ ع و غ ف و ق ص ف خ غ ح س رخ و ذ ق	ب	۲۸	و س ج ش ع س ذ ع ع ذ خ ن ش خ ش س و س اع ه ح و ن ص غ ت	ج	۲۲	ض ظ ظ ا م ض ث ص ع ر ر ص ق ع خ ا و ظ ه س س ح	د	۲۸	ب ح زوظ س ع س و رخ د غ دغ ج دع س س ف ض ج ع ص ظ س س
ه	۲۳	ا ر ذ ذ ق ع وع د ا ق سخ ذخ ا س ظ د ذ ص ذ ع	و	۲۷	ج ق و ظ ظ س وج و س س ب ذ ذ س ذ اغ غ س خ خ ع غ ع	ز	۲۳	ذ ق خ ذ ق ع و س ع ر ع ع ق غ ش ذ و ب س د ی ص د	ح	۲۷	س س ه ص ج ج ذ ح س ع س ج د ق خ ط ق س ظ ا ظ ق ص ق ذ ع خ
ط	۲۴	ع ص ص د و ذ ذ غ ذ ذ ج رخ ق ق و ع و س غ و س ج خ	ی	۲۶	خ ع س ص ح اح س ع ا ج اس ا ق ش و س ص ص ق و ظ ذ ق	ک	۲۴	خ ض ذ س ق س ب د ر س س ف ض س و س ع وغ ر ت ر س ش	ل	۲۶	ص ا وع خ ش ا خ ذ ق ا ه وع س ف ر ذ ب وس ع خ غ س ع
م	۲۵	ذ و ق ع د و س ذ ق غ ص ح اص د ر ق ذ ق ذ ر ص غ س	ن	۲۵	ع ز و س ق س و ع ح ر ن ذ وس اغ غ ر س ص ر س ظ و ص	س	۲۵	ظ ظ خ س ق ص خ ض ذ غ ه ض رع ض ض خ ش ص غ ص ذ ذ ح ع	ع	۲۵	ط ع ظ ص و س ا ص س ع رض د ص ذ ص ر ف س ث س ح س خ و
ف	۲۶	ی غ س غ س ذ خ ر ث و ص ح س ا و ا ح ض ش ر س ق ش ش ذ	ص	۲۴	ذ ز س ج د س ع ع س ذ ظ ح ذ ی و ذ ض ق س خ غ ح خ	ق	۲۶	ق ت ع س ذ ع ق ع ع ب ث ح ذ ح د ر س ر خ ص س ع س ظ غ ع	ر	۲۴	س ش ی ت س ص خ د ث س ض ث س د ع ض ش ظ ض ث ر ر ض ق
ش	۲۷	ع ح ث ح س ع ع س ا ظ د ص ر ج رع خ ج خ ذ س ۱۱ غ ن س و	ت	۲۳	س و ی خ و ح س غ ذ ح ظ ص غ ر و س خ و غ غ ص	ث	۲۷	و ض ق و ض ف ا ه ر س ن خ ض ه ظ ن ب و ح س ع ا و ظ س ف و	خ	۲۳	س ق ض خ ر س ع س ف ض ص ق غ ث ق ق س ا ح ذ د ح و
ذ	۲۸	س س ص ع س س غ س و ع ح خ س و ه غ د ج س س و ض ق ق و ق	ض	۲۲ ۲	و ظ ذ و س د ظ خ ح س ح خ و س ر ص ف د ع ع د ش	ظ	۲۸	س ت ف خ ث و ر س را و ش ظ و ه ع س ت ج ث ه ر و رح ۷ ح	غ	۲۲	غ غ ق ع ر و ف س س خ ب خ خ س ذ د س ث ع و ع ص

صرفای ج وزهخ ل قاست درس والع ظی م		غ رای بش بم ث اضب طلنج ذاوبی ار	
ا ۲۲ زظذرزغ شوح ط رهقج ص سج ج ص وص	ب ۲۸ خ سسوقجی رغ وس تغ ج ضغ ظی سس وض ز ع س زن	ج ۲۲ ضلصای زف ثغغ وح ود ش سس ج ص رق	د ۲۸ ق وروشع ستخ د ووبق ق سس قخ وغ ظ نغ رو
ه ۲۳ حح رص ی ظقیغ ط ج سث ت س رطع ظ وج ص	و ۲۷ زاروق قشغ وغ س ظح رع ذب ش وخ ظ ز صخ صش	ز ۲۳ ق ق رع ب زوش وضس صج ص ص س ش ج خ س ب ج ی	ح ۲۷ دس اخ خ ساغ سج ع ع اخ خ ب ع ذرطص ع ه او
ط ۲۴ رو زوغ صذ رج سس ع ش ظغ خ ز صج غ ذ دغ خ	ی ۲۶ زنج ح ضو رع د ش ب ش ذلح ج ز ی ش ص ح ظ ضع ح	ک ۲۴ ص رم غ رسغ فظص ی س شج س خ ق س ص ب زز ر	ل ۲۶ اری سسس ضض طس ے ح ص ر ظ وا ع فش ب ص ض ق ر
م ۲۵ ظ ززغ رس غ قمغ رن زسخ ض ق ط اح س و اث س	ن ۲۵ رذح سظ ق زس قظ زص زع ر و ص ظ زع زع ق	س ۲۵ ج هوع صخ ق زسع س ظ زص ص ل ذ وض غ ک ظ رق	ع ۲۵ سخ سظج ح زسج ی وص خ ص ضخ رخ ذح وع س ب خض
ف ۲۶ ق ب و اص ن سخ زیغ اح وزغ س رغ رغ خ سسس	ص ۲۴ خ صخ طس ذخ س ظی وش ذخ طس ازاک س ق و	ق ۲۶ غغ سخ خ شح صق وشر ح ش ض وب ق ح زغ خ ق ع ق ح	ر ۲۴ قس هغ ی صع درص و ظاغ ف بخ ظ صخ ع ج صع د
ش ۲۷ ق وسو زغ وسخ طق اظح ی س ع ضس سج خ رر سس	ت ۲۳ ح خ ج غخ روغ سرذ روظ ذر کج ع و وح	ث ۲۷ س ی صج زج وغ ضش وس سج ض غ سه ضو زخ ش ح وضغ	خ ۲۳ زبخ صوع سظ سس ذ ص س ع ص ع قع رض ح ب ج
ذ ۲۸ ع خ ح خ روخ ارق ه ر دوع ق ص س و بس ط و و خ ره و	ض ۲۲ غ سا زم سوع وخ ا ج وخ س س ع ز ر س ث ع	ظ ۲۸ ع سوج طغ سه ظج رو سس رس س ل ص ذر ق ق ق ب ت س ر	غ ۲۲ زذب رف صض سسس صخ وع ع ی ع وع س ع

صرفای ج وزهخ ل قاست درس والع ظی م		غ رای بش بم اضب طلنج ذاوبی ار	
ا ۲۲ زظات صغ زظظع ج ا غ غ ع غ ظ ح س ح ظ ح ق	ب ۲۸ ق سح ص سج سساس و س ب غ رخ ح ا صع ق ع د ر دس ب	ج ۲۲ ره وه وذذغ غ غ ب ق ظ ص ص ط ق ظ س غ غ ب	د ۲۸ س سو سوک سظع طار س ث وج ح ق س س غ ش خ س ظ ص ن س
ه ۲۳ ظ وسع غ ق طوص سر ی وغ س ا ح ظ ص ق ظ غ ظ	و ۲۷ ظ وذ سه سج ص اطشر صخ خ س غ ا خح خ س ج ص ح ش س	ز ۲۳ غ غ ب صف ق ق ق ظظ ع و و وغ رغ خ غ غ ع ب	ح ۲۷ رض ص صف غ دظخ صض ظ ا ظ س ا س روسا و س ح س ج
ط ۲۴ قح سج خ غ سع فج ح صع ح ع اج زغ ا ح ح س ح	ی ۲۶ ص ز ذی سخ سو قح غ ص س ح خ س ط ق س ص غ ب س ص س	ک ۲۴ ت نی ی ی ظ ظ د س س س ص ح ذ ب ج ح ح و خ ح ط	ل ۲۶ غ زارخ ظاق ساق ع وس دس ق ش وق ع ش ا ح س ر
م ۲۵ ق ع سو صخ ح سع رص ع غ ذخ اد وز ق ع ح ظ ش	ن ۲۵ ص صس فذی فی وفخ ح اغ زح ر ح و رخ ظ س ج	س ۲۵ س سس وس خ صخ خ اغ غ غ خ خ او ی ص ع ج ح زز	ع ۲۵ خ اسغ ق ق زرخ اص ص زخ ذذغ ظ ظق ذظ س ص ب
ف ۲۶ زشدش ذغ سظی ح سج خ ح ص ض ور ص ق رظ ی ظ ا و	ص ۲۴ ح رج م غ ج سج شص س غ ت ص س ع خ ظ ض ح ت س د	ق ۲۶ ع غ ش س قس وص ع ع غ ح ض ص ق وس ق خ ج ص ق ص ض ح	ر ۲۴ ب غ غ غ خ ط ر دس ا ح س ب ذ ذح و ری د خ ح س ظ
ش ۲۷ ولغ ضغ ع ع قح رع ش رح ح ع غ خ س ص رع د ر و ر	ت ۲۳ صر اص ذغ شو سس ع ظ ا ح ح ز و ع و رس	ث ۲۷ ح ذرت صح ت نغ ع ش ه ضظ غ ور سح ظ ا ق ف ظ ق ی	خ ۲۳ زغ ذعغ ذص وخ رر زق ح ع ق ع س س س ط س غ
ذ ۲۸ شص ظغ یظخ ق ع ص س خ روع وذ ظ ور و د و ق ر د	ض ۲۲ ز ذرص ع ح سج ح ع خ رسخ س ظ بس ط ع س غ س	ط ۲۸ رواضق صخ رسس ش ورذ وس وس ت ور وق ور وو	غ ۲۲ ذع ع س غ ح غ ذخ خ خ ح س رغ ح خ صخ ذ س ظ

صرفاىج وذهخ ل قاست درس والع ظى مر						غ راى بشر ب م ت ل ضرب طن ج ذاوبى ار					
ا	٢٢	وظ ت ك وودلص ت خ ل ل ف س ا خ ش ىف ى ث	ب	٢٨	ثح وح خ وخ وس ظ زر ظ زوس غ ثع ش وث رو س ر وص	ج	٢٢	دات ضت ضغ ج صار اح مرا ه ح س خ ع ع ص	د	٢٨	وخ س وس فر وس س س ث ب دش ل ع خ ج ع ب رس ق س س و
ه	٢٣	ذ ر وع ج خ س س ت س ت اع غ ى وس ص ١١ ر	و	٢٧	ق فخ سخ زص ع ق وصے ق وش ص ع س ع ص تع س ذع ص س	ز	٢٣	زع ص ص ع ى خ خ س ش ض خ س ت ع ص ع رخ ذ اى ض	ح	٢٧	س هس ع ذهغ ظن وب ربع ع ص ع خ ق ب س ك ه د هذ
ط	٢٤	س ص ع فش ق ق ذص و ش رع خ در ذع غ س زه خ	ى	٢٦	خ ص غ قع سع ح شوخ خ ت ز ظ ح خ رج رح س ى ذح	ك	٢٤	ع وص خ غ س ع ش قص ب وس ى ص ص ص رش غ ق رغ ظ	ل	٣٦	ق س وزق س ت ع ض ذ ر ق س ى رع ق ظ غ ر وخ ش خ ر
م	٢٥	بس ن ذ دح غ ع سع رج ج غ زج ج ش ق اح وج ق ار	ن	٢٥	زع وزص ق دخ وس ج ذ ت س ق ص زق خ زش ق ق ذس	س	٢٥	ض رت ضع وض س ض ر خ ص غ ض سر ع ززذ ذخ ص	ع	٢٥	وس ع راس ص س ذ ص ق ع ى ذص ق س س ظ س ص ش س غ ر
ف	٢٦	ص ع فاخ زظ شه ش صا ززغ وظ ش ز ظ س اغ دن ق	ص	٢٤	ص اع ص ش ص ے ش دن و وذش ح ح غ س ب ص ج ى ى ش	ق	٢٦	س ذ ص اص ع ص ے ص وح ا س ح خ ظ ع ح ش ب ص ور ص ص غ	ر	٢٤	خ وش خ س ق ص ق س ع ذش ق ص خ ا اوظع ص دف
ش	٢٧	غ وع قغ ع شع س ص ر ل ض خ ظ ذر ع ح رغ ذ ش ذ ك س	ت	٢٣	اشخ ق خ خ شخ ظ ذو ق ص ض دص ذى ح ذ رص ذ	ث	٢٧	س س سى ور ص رر ش ج زج ظ س ش ره ح و ض ش ظ س	خ	٢٣	ذ ور غ س غ خ س ص خ ر ق ظ س ى ا رح ح و ع غ
ذ	٢٨	بس ص وح ص س ص ط ع ر س ذخ ى وس س ى س ج ور ق خ و ق	ض	٢٢	او ق ظ ب س ع وح خ خ س خ وظ س ر ى ظ ظ س	ظ	٢٨	خ س غ ره وذا س س س ش ح ص س ب ض س ر ع زب زق ت ص ع ح	غ	٢٢	اخ رض خ رت ه خ ع س ع س ب ح وع ى ش ع ش

صرفاىج وذهخ ل قاست درس والع ظى مر						غ راى بشر ب م ت ل ضرب طن ج ذاوبى ار					
ا	٢٢	شق ذزق ق قعح ع ط ص ف ض قاس در س ذ سوس	ب	٢٨	س ق ووخ سع وس ص وو ص س خ ى ع ح ط غ هح ح ظ ع ور و	ج	٢٢	ذع ش ذر و ذع س غ ظ ذ ى ح اخ ور خ ق غ غ	د	٢٨	خ خ ح ق ش ت وس س س ش ج وع خ س س ووخ س ذ ح ور ش
ه	٢٣	ب ود ب زه ب ص ص ذص وظ ص ض غ ع ص ش و ص ص ق	و	٢٧	ص ص ج س ه وذض ق ى خ خ س ش خ ذ ض س وق ح ش رظ ش	ز	٢٣	ش ى رج ذ ذس ى ق ذس ص ج ص ذس ذذس د وخ خ	ح	٢٧	ظ ظ غ سج خ خ سج ع ب ص رع دغ ص ع ص ذخ زف سخ س ا
ط	٢٤	ذص خ هو ص س ظ س ع ق ظ ذع ص ق ش ع ض ج اع وح س	ى	٢٦	رص س رع غ ح اظ ض خ ل ص ع وذ ل وس ص غ ع وس ص	ك	٢٤	ق وبغ ى ج ذ ظ دع ذ ق ذع ود ا خ ذخ س غ ع س	ل	٢٦	ض ذع ح ع ص س ج خ اخ خ رس رع ذ ى ش وح خ ذ خ
م	٢٥	ظ ش س ص ج ش ص س ص ص خ ف س س ذ ط ح زش غ ع ش ض	ن	٢٥	د و وض ص ش ا ع خ ظ ح غ ش ع ذق س ح وج خ ع ذ و	س	٢٥	ح س ق رص ق واذ خ ظ ض ع ج ذص ش ع ذا ذع و	ع	٢٥	س ع ح خ ح ش ص غ ح ص ج وص ص ر اس و ذخ ش غ ح ق ذ
ف	٢٦	ذث اس س ج ع غ خ خ خ ب س ذاو ذغ س خ خ رص ع	ص	٢٤	ص رق ظ ض ق ج ذع س س س خ ق ذد ق ص رش ح قاس	ق	٢٦	غ خ س سا ب ض ق رغ خ خ ص ج ى ذ ص ج خ ع خ ق خ وع ى	ر	٢٤	ض رخ ح ى ج ق س ص خ س خ ى ع ق ى رج ذ رع ذ
ش	٢٧	س ض س ج ع خ ق وع ه ع ع رس ل ج ع را ص ث ذخ س خ	ت	٢٣	ح ص رش س ش ص اخ را ى رص دل خ غ ذخ ظ	ث	٢٧	سخ سخ وشا غ ع خ ع رض رخ ض س اب ق خ ظ ح ج س	خ	٢٣	سخ ذخ ذخ رس ل ت خ ذح ظ ق ر ح ح ص خ ض غ غ
ذ	٢٨	ص و ب ج غ ور ذا وذس ص ع وس س ے ظ وور و ب و ود	ض	م ٢٢	وف لج ذل قا س س و رر وس س و ص ظ ع ش ش	ظ	٢٨	س و ص غ س س ظ س ط ق ح ع رظ ور ض وذس د هرض ظ	غ	٢٢	خ ض ظ ذ ض ح ر و خ ر ص خ رص ظ س ظ ع ذس

صفـ اىج وزه خ ل قا ست درس والع ظى مر		غ راى ب ش ب م ث اضب طك بج ذاوبى ار
حرف	عدد	
ا	٢٢	ب ورج ج دره ص ذل ل وقاف ص ل ر ث خ ص
ب	٢٨	ح ح و وس ع سظ سع ض ح ن س وس ج ى س اص ى ظ س صا ه
ج	٢٢	ذ ر ز وده و ب غ اغ ظظ ف خ و ث س ر ز ج
د	٢٨	و ذح من س و رس س سخ ى ن راح س و غ ذخ و ر ص خ ذ ذ
ه	٢٣	ف ع س خ خ ر خ ح ف ق د س س ف ف ص دل س ع ص ض ر
و	٢٧	س ع ح ف خ ض ضج ق ظ د ع ر ز ب س و ذ خ ر س س ذا رح
ز	٢٣	ظ غ ض ر و ش ه س ا ح ح ذ غ ظ ى و ذ و ر غ ع خ
ح	٢٧	وح ر ذع وج رخ خ ظ س وح غ د رح ذ ذ ظ ذ ل ظ س س ص
ط	٢٤	س ع س ذ ح ث ح ل خ ح س ر ق س س ح ذ ف ذ ح ح ث و
ى	٢٦	ق س ر ص ج ح د ذ ذ غ س ظ ق ا ر ر خ ح د و و و ر س
ك	٢٤	ش ذ ر ا ض ض ض و ا و ى و ح و ب خ ع ج ح خ ر خ ا
ل	٢٦	ز ض ج خ ظ ع ح ح س ذ ذ د غ خ ع ح س خ و ى ج ع خ ظ ظ ذ
م	٢٥	خ ح ط و ظ ر ف ر اع ش ح خ ش خ ظ ض س ر غ ع ص ى ص
ن	٢٥	س ش ذ ى ب ظ غ و س س ر ع ذ ذ س ظ س ح و ر ح س ذ ع س
س	٢٥	ى و وج ج س غ ذ ذ ظ ذ غ خ ص س ج خ و د ا خ ف ا ع ع
ع	٢٥	خ غ ر ق ه ذ ذ ش ر ر س خ د ع ح ع غ ح س ه ح س ر د
ف	٢٦	ظ ا ظ ق ح خ ص ص ت ق س ر ح خ خ و خ د ى ر ف ا ح ن ع ذ
ص	٢٤	س خ ق ض ص ش و س ذ خ ص ح و ذ ش ا س س ف ع ظ و ر
ق	٢٦	س و ظ ب ت ذ ظ ح و س ذ ذ ف ر ع ذ ق د ع خ ن و ا ر ظ ص
ر	٢٤	ا خ ح ح ذ ر ظ ا ح ك ذ ج ح ذ ش ذ ذ خ ق ق ج ظ ح ر ر
ش	٢٧	خ و ش ذ و س ش ذ ت ذ غ خ خ ش ح ر س ث ع و ق ع ر س خ
ت	٢٣	ص ح ت غ ذ ع خ ح ف خ و ح ا ض ح ت ص ح س ش ض ق خ
ث	٢٧	ح ى ص غ و ع ر غ و ر و س ب خ ا ف خ د ى د ب ص ع ر ا خ ع
خ	٢٣	ع ص خ خ س ش ق و ق س ر س خ ر ا ذ ز ظ س و غ ظ ت
ذ	٢٨	ذ ر ص و ض ت س و ص ل و د و ح ج و ج ذ ض ر ح ت ر ث ظ ذ ق و
ض	٢٢	ن س ر ر ج ظ ر ظ ر س س خ خ و س ظ ظ ر ش ش س و
ظ	٢٨	ع س ج غ س ج ر ج ظ ظ ظ ق س و و و ح س و غ ر ح غ ر و
غ	٢٢	خ ش ظ ح ره ح ر غ خ و ح غ س ر ع ص ص ص ظ س ع

صف اىج وزه خ ل قا ست درس والع ظى م		غ راى ب ش ب م ث لضب طك بج ذاوبىه ا
حرف	عدد	
ا	٢٢	وغ وور ذ ذغ وع ع ج وف ذر ذ ذ ذر ق خ
ب	٢٨	ه وس س سع وس غ غ غ ح ص س ع س ص س س ر واف ض ص ى ح
ج	٢٢	و وع ح و ر د ش ش ذا ش ج ص ر ر ظ ن را س ر
د	٢٨	ذ خ خ س ظ ض ض س و س و ص س ص ص س ط ج س ذ س و ش ع غ ص س
ه	٢٣	ى خ ح د ب ض ج ص س غ خ ج ى ا غ ض ح خ س و ت ر د
و	٢٧	غ غ ط ص ا ش ص غ و خ ص ق ر ع د ع خ ظ خ ع س غ خ ق ص س ص
ز	٢٣	غ غ ط ر ص ض ت س ظ و ث س س ق خ ر س ن غ ا ح ر س
ح	٢٧	اح ص ش خ س س ش ث د خ ظ ص و س ى ع س ظ ب س ث ح س ع غ س
ط	٢٤	ر ض ف ا خ س س وص س س غ ى ع س ر ص خ ذ د غ و ص
ى	٢٦	ص ص س ض ق ر اع ع ظ و ع د خ ث ض ص ص ق ح ع ص ر ق ع
ك	٢٤	ص ع ج ذ ه ص ظ ا د ر ح ق خ ص ذ ذ ر ى د ش ذ ب ى خ
ل	٢٦	ص ش ص غ ش ح س د ع ظ ط ع س ع ص ب ظ ض اح س ظ ذ ر ق ع
م	٢٥	خ س ج خ و ذ و ذ ذ س ذ خ و ح و س ذ ق و ع ر ى ا د
ن	٢٥	ر ذ ض ق ق ذ ذ ظ و خ ذ خ ع ذ خ ط ذ ع ذ ظ ع ذ ذ غ ظ
س	٢٥	ج ق ض ض س غ غ ذ ر ص غ غ س ص خ خ ح ع خ غ ى س خ س س
ع	٢٥	ر ج ظ س ض ر بج وع ذ خ ق ض ف ص ض و ر ر ث ف خ ص
ف	٢٥	س ذ خ و س ظ ذ ذ خ ى ر ح س ب و س و س ش ع ط ح ر ر ص
ص	٢٤	ف و س ص ش ف ض ش و ص ر و غ ض ظ ع ع ر غ ح س ص و غ
ق	٢٦	و ذ غ ب ص غ س ص ه ع س ر س و اح ض ض غ ع ح غ ظ ر ج
ر	٢٦	غ ظ ش ق ش ص ح ح خ و د ب ص س ر ر ج ض ا ع غ خ
ش	٢٧	غ خ ص غ ق ب ظ ا ع خ ع ه س ظ ض ق س س ج ص و د ع ح س ص
ت	٢٣	ذ ر ق و س ع ذ غ ش ث ذ و ر ع س ش ر ج ح ح ح غ ذ
ث	٢٧	ذ ش و س ا ع خ ح ح س س ع ص و ح ذ ق ح ذ ح ى س خ ظ و و
خ	٢٣	ظ خ ح و ح خ و و ظ ص ے ف ذ ى ى و ت ج ج ع ظ ح ح
ذ	٢٨	خ ص ق خ و ت ع ذ خ ذ خ و د و س ق ق ذ ر س و و و س ن
ض	٢٢ ٢	ر ذ ى ذ خ د ق ذ ق ذ د ه ع و ظ ع ظ ع ح ع س
ظ	٢٨	د ذ ق ن ع غ ب س و ر س و س ع ب ظ ش س ر ص غ ذ ض و ع ح و
غ	٢٢	ر ى ع ى ذ ى خ ر س س س و س ه و ح ح ظ ظ ف ح س

صفـ اىج وذهخ ل قاسث درس والع ظى م						غ راى بش بم ثص ب طاءنج ذاوبى ا ر					
ا	۲۲	ج اع و وح دوص رج ى وح ر س س س ر س ذ	ب	۲۸	ضىغ سع خ ظ وس اذ دص س غ س س وس س ره س ذ س ل ن ك	ج	۲۲	جج ووش دع دع ع ثغ ى ج خ ب س ج ج اغ	د	۲۸	هح و وت دج وس ق ع ع وج ح ات س س ش س ب ج خ ۱۱ ع
ه	۲۳	ذص رص زذا دح خ ص ق س س ص ج وس ض و ط ن و	و	۲۷	اع ضخ بخ غ س ظ ه ذ ظ س غ ق ع ظ وس وس س س ع ذح	ز	۲۳	غ غ ق ص رذح و رو اع غ ج س ع ف و ب ب ذ ذ	ح	۲۷	س س را بخ ضا ظا ع وس ج اع س ج ر ظ ره ط غ خ ذ ع س
ط	۲۴	رغ ذغ رخ س رت دے ظ ط اى س خ ر ض ض ع س ر ر	ى	۲۶	ع ج دغ ف وف خ ذح ش ق غ م ج ق س ج دص ر ا س غ ث	ك	۲۴	ب ج ش ج خ س ذ ج ح ص ج و ص خ ح ب و ق ف ع ى ق ه د	ل	۲۶	س ع وى خ ع ص ق ذ ذع ص ص ا ق ع ف س ث ق ظ ع ه و
م	۲۵	خ ظ ظ وص خ ق خ ظ ص س ذ خ ر ق ى ث ش غ ز ض س	ن	۲۵	س ع ح ف ت ذ ص وش ذ ش س ص غ و و ر ع ظ ق ض ا ز س	س	۲۵	اذغ وس ج ح خ ط ر اج ع غ خ ح س ر ذ خ ق د ز ذ و	ع	۲۵	وس وه غ ح س ذ س خ س غ ز ذ ا ظ خ ث خ ع ه خ ع
ف	۲۶	س ع ب ظ و خ ظ ب ق س ز ض ذ ظ ص ع ق ص ظ ض ذ ص خ خ	ص	۲۴	ب ج دع ص خ ح و ذع ا غ ض ف غ ح د خ و ف د خ ه ص	ق	۲۶	ع ع ش ف دوى س ر س ذ ذ ع ر غ ح س و ر ز س ر ه ج	ر	۲۴	ق وص ج ب ف خ ق ا ل ذ ر غ ق ج غ ر ص خ س ج ب ظ ج
ش	۲۷	ش غ خ ف ظ و ظ وص ذ ص م ف غ و ح غ غ خ ظ ر ظ س ج ظ س	ت	۲۳	ض س ذ س ق ف ظ ر غ ث و و ق ح و ح ح ذ غ خ خ	ث	۲۷	ص غ خ خ ث ذ ق ش ف ر ع ص دح غ س ع ج ظ س ش ج ص دع وخ	خ	۲۴	ا ر وص غ خ خ ق ج ع ع اص و ث ر ح و ر غ ر و و
ذ	۲۸	ص ج ع س ج ذ وس ق ع و ر و ب ا ظ خ س س س غ س ص د و و ظ	ض	۲۲	ع ى ذ غ ول ذ ى ره خ ذ س س ه غ ع و ذ خ ح ع ر	ظ	۲۸	اح ع ع خ ص س س ق ج س ق ى س س و ع خ س ج ظ ر ر ر ص ق ت	غ	۲۲	ج اغ ق ج ۱۱ وج و و و خ ح س ص ۱۱ ع ص س ص

من فا اىج وذهخ ل قاسث درس والع ظى م						غ راى بش بم ث لصب طاءنج ذاوبى ا ر					
ا	۲۲	رات دع ذبج ح ص غ ش ذ ه ا س س ا س ا ا د	ب	۲۸	ذس ع س غ ض رع و ه و و ص و و رح ى د س غ ذ ذ س ص س د س	ج	۲۲	ع ذ ذع ع ذ ذ ظ ى ق دش اف س د س و ا د و ع	د	۲۸	وخ ع خ ت ذ ر ق ش ب س ب دغ س ه ر و وم س س ا وس ك س
ه	۲۳	ع غ دع ص غ خ س ع و ن ح ص ع غ ش ع خ د و و و	و	۲۷	ع ض ح ذ س خ اض ف اغ ط ه خ ت و وص و ب ق وص ق ا س ا	ز	۲۳	د دى ق ر وح د س س س س ظ ح دص ص س ص ى س ر د و	ح	۲۷	اص س س س ج ض ج س ض ى س ص س غ ص ض خ ش ظ ظ ف د ت خ ط
ط	۲۴	ص ع ح خ ع و ذح ح خ ح غ ش و س ص س ع س غ غ ع ع ا	ى	۲۶	اخ رغ و رخ دىع غ ع و ر دى و اخ ع ع ص س غ خ	ك	۲۴	ذ ن س س ض س ض ط س خ ن ع ص ع س س ذ و غ ص ص وس ق	ل	۲۶	غ غ خ ص ح ق ش ث ش ط خ خ خ خ ف ض س ظ س س ف ش د
م	۲۵	س ع س ذ س و ع رع خ ه ش ض ض ع ف ق ظ ق ع س ر ش ف	ن	۲۵	وص ش ف غ ق ع خ خ ح ص ج ص د دح ن ش ن س ج خ ن	س	۲۵	خ ش ظ و خ ذع ى ع ص ح ك ر ى ه خ س ظ خ ذ س ل ر ص	ع	۲۵	ى ره ا ق وس ف ص ج ذ ص ظ ى ك رخ س س ق ع خ س خ
ف	۲۶	وص خ ر ش ر ص ث ح ص خ دج س ج ع د ر ص ر ى ك ق ر ج	ص	۲۴	خ خ خ خ وص س ص ص ن ض ص اخ س ش دش ص و ه س د	ق	۲۶	ر ض خ ر ق ن ض ع ع ب ش ر س ص ظ س ذع خ ظ ص ع خ ص	ر	۲۴	ق وش ش ض س و وع ذ ب ج ع ك خ س غ د ذ ق ص ص ش
ش	۲۷	ح خ د ث ح ط ح ذ ق خ ع ف ج دح س ص ر و خ س س و ظ ع ص	ت	۲۳	ذع ث غ ب ى اص ر ع غ ق ر ق ى ض دح ى خ ح خ ح	ث	۲۷	س ظ ظ ش س ض ع س ظ ع ف ع ع ذ ح ح ر ز و خ ح ب و ظ ذ ج	خ	۲۳	وص ل ن رخ ح خ ه ۱۱ ق ذ ك ر س ر ظ ض ج ع ح ق
ذ	۲۸	س ف ى ض ج ك ى ف ر س ر س ر س وش ر ص ف ر ى ع و و و خ ح ذ	ض	۲ ۲۲	ع خ و ن س ن س س ه ص س ح و د ح و ش ط ى ظ ظ	ظ	۲۸	وش س ص ع س س غ ح و ظ ص د ص س س ج ق ص و س ذ ح ل ج ق ه ع خ	غ	۲۲	غ دض ل ع ى ن ق ق ر و س س و ر ش ظ ظ ع ظ س س

صف ای ج وزوخ ل قاس ت درہ والع ظای م	غ رای بش بم ث لضب ط ک نج ذاوبی ا ر

ا ۲۲	ب ۲۸	ج ۲۲	د ۲۸
خ ںص ع ت وںص ع ںر ت غ ع دخ ع خ وح ع و	س ںوق ص لہ و رتج ش و خ زوغ س ون ظ س ںت س ظ س ر وس	زع وزوو روخ غ غ ع خ وا ع س غ ع غ ب	ووس وہ وظخ ظ رب ح ص وا ص س س ہظ رع غ غ ع و
ہ ۲۳	و ۲۷	ز ۲۳	ح ۲۷
ق ع ع اغ قض رص ع غ قج س ظ س ص س ر ح غ ح	خ ا و لع بر دج ج ح ث وت دق ح ع س ںر خ وس اغ	غ س ق خ زس ص ں ذرع ظ ح ح وخ س ووع ش غ ق	حاص ق وص خ وظ وو ش ص وب س ص ر غ و رح ح ص ف ص ص ا
ط ۲۴	ی ۲۶	ک ۲۴	ل ۲۶
ح خ ح خ س ع ح س س و ح ح ق و ور ن س س خ زض د	خ غ سج وص ھ وی س ق ع ا س اغ رخ قج رح ش و ر و	خ ظ ذغ ظ وخ غ ظ ط ط ف وح ض رع س ی خ ش س ج خ	ش ب ن ت س ص س ق تی ر ص ش غ ق ظ ظ ص اس وح ص وح
م ۲۵	ن ۲۵	س ۲۵	ع ۲۵
و د رخ خ ص ع اخ خ خ ز ذح غ ـ ش ح ز ی ش ص ح س ش	ض ر ظ ا ت ث ا ق خ د ر وت غ ص واخ خ ظ ش س خ غ ص و	ـض ع غ غ ش غ ج ذح ع ف ص ت ی ا ث ق خ ظ ش و ع خ ب	س ق وص ع ص ع س ض ذ و د د ر ق وج ر س س و ز و و
ف ۲۶	ص ۲۴	ق ۲۶	ر ۲۴
ص س ث ظ اخ ذ س ق ش خ غ ا ص ح ص ح ع ق س ر د س ق س	ظ ق س ق ع رج ود ص ع ص ر دی ج ظ غ ظ ھ ا خ ض ب	ع ظ ح ق رع س ع س و س ح ق ر وع ع خ ظ ع ع ع غ ب	ح س س ع ظ وز س اص ح ض ع س رج ی ز س ص س ا ص ع و
ش ۲۷	ت ۲۳	ث ۲۷	خ ۲۳
غ س ج ق ذی س ق خ س ع ث ص ب ظ س ق ع ل ع ح ص ض و ق خ	س ر ب س ج غ ی ج ص س ق زوح د ظ ن ذو ث س و	ق وع رح ذص ص ع س ج س ش خ وی خ س ع ظ ب خ س ذ ق ق ع	ذح س ق زغ ص ص ع س ظ غ ع ح ظ ب خ ذح غ ز س س
ذ ۲۸	ض ۲۲	ظ ۲۸	غ ۲۲
خ خ ع ف غ ص س س ص ب ج ب ج و د ذ س س و د ذ ع غ و ق	وو ا ت وی ی و ہ ح وخ خ ی ظ غ ی د ع ص	س س خ ع م ف ی ب ظ ج د وس ظ ص س ذ ر س ج غ و ق ح ج ق	غ ح د غ ع غ غ خ س س ع خ ح س ع ظ ذ ع ص ص ف

صف ای ج وزہ خ لق ا س ت درس وال ع ظ ی م	غ رای ب ش ب م ث لص ب ط ک نج ذاوبی ا ر

ا ۲۲	ب ۲۸	ج ۲۲	د ۲۸
ک اس اوزغ ظ ض ج ع ع ث س اس و س ر ا س س	س خ ل خ ع دوس ب وس د ع غ س ظ غ خ ع ق وب ع ج ع ق ر	زج ذ ذ ذ ر غ خ ح ح خ وخ ظ و وس ور س ص	وز ر وہ وذ ع ع وخ ح خ ود و وظ ع س ظ س ق س ظ غ وظ
ہ ۲۳	و ۲۷	ز ۲۳	ح ۲۷
ب ر ص ص ف خ خ اذ غ خ اخ ع س ص ب خ ص ع ب س ذ	غ ب ل ش غ ب خ خ خ ص ظ ب ش غ ع س ص ص ع ص خ س ص خ خ س	ق ض خ ض غ ص ب ق وار ری ھ ض ذ س ع خ خ ذ ع س	ر ص و ر ص ش ر ض ظ خ ع غ ھ ذ خ او خ س ج ع و غ س ص ع
ط ۲۴	ی ۲۶	ک ۲۴	ل ۲۶
ح ب ش ب ش ص ع غ ش ص س ع ح و غ ص ع و ا ع ع خ	ص خ ع ذح ش ع خ ح ف ب ت ج ح ص ر ذ ع ص وث ا ع ر س	ی س ش ع غ ح س ج ز ض ذ ا ظ ع ظ ص س ح س ر ع س و ذ	س ذ واح ظ غ خ ش ظ ق ق ص ذ ذ و ص س ر ب غ خ ز ظ ش ظ
م ۲۵	ن ۲۵	س ۲۵	ع ۲۵
ر ر ص ر و ض ل ذ خ ز س س ذ س ص ق خ ع ظ ش ش ش ر ص خ	ع ع ی ذ ر ج ش غ س خ ض ب ص ص خ ر و خ ر ا خ غ خ ذ	ح ذ خ ذ ع ح غ وغ ر ق ا ح س ن ر ع و ق ض ع و ر وط	خ ق ی ذ وص ض ر ع خ س س ذ ذ ا ق ع ج ض س خ ط ح ذ و
ف ۲۶	ص ۲۴	ق ۲۶	ر ۲۴
ض ب ق س غ ض غ خ س ع ص س غ ظ ب ع ش د د وع خ وس	غ خ ز وز خ وص ص خ غ خ ر ع س س ر خ ر ح وو ا	ت ع س ر ص ظ خ ظ ق ذ ر ظ ت زح در ا ر ظ ح ور ق وس	ح غ ب ث س ص ص وخ ز ق ھ ا غ ق ر ر ع ی س ض ھ و ر
ش ۲۷	ت ۲۳	ث ۲۷	خ ۲۳
ت خ وت غ د ال ا ظ ر ج ق س ص وق ن ا س ص ر و زح ص د	خ ر خ غ خ ص ج غ ر ع ش ع ق ر س ر س خ ح غ خ س خ	اخ ط ص ا ع ح ح ج ھ و خ ش غ ث ھ ع ص ی ت م ظ ق ذ ظ ص	ض خ ذ س ے خ وص س ذ ط ظ ی س ع خ ض د ش ص ظ ص ص
ذ ۲۸	ض ۲۲	ظ ۲۸	غ ۲۲
خ ح ح ش ا ظ غ ع وس ق س ذ ن ش س ت وع س س وش د ر ق ق	ض غ ا غ خ ر او ر و ص ظ خ خ س و ث و ح ع و ع س	وس ا ص ش ق ذ ذع س ر د ن س ص س ک س و س غ ق ص ص ق ر ق ر	ق ش ا ظ ی د وس س ا س ر ا ر ف ی ظ ع ع ح ظ

صرفاًج وزخ ل ق است درس وال ع ظ ی م		غ رای بش ب م ث ل ص ب ط ک ن ج ز ا و ب ی ار

حرف	عدد	
ا	٢٢	خ و و ف ظ و ع ق ش ط ا ظ ف س س و س ظ ض س س
ب	٢٨	ت س غ ث ظ س س غ و س ج و غ ا س غ ا س ع ش ح ر ش ض ص س ع
ج	٢٢	و و ق د ر و و غ ب ص ش ظ غ غ ق ح س س س و و ش
د	٢٨	ظ ث س س ق و ح ع ظ ی ذ ع ر ض ا ص س د خ ع ط ع س ظ ح و
ه	٢٣	ق ظ ع ح ظ ق خ ظ خ ح ا ح ع ز س ج س ر س خ د ا س
و	٢٧	ت غ ذ ظ س س ج د ظ ح ع س ظ ا ذ ن ض ح د ح ا ر ش ح ض س ذ خ
ز	٢٣	ع س ح ب ب ب غ و ح خ س س ج ذ خ ف ش و و ز ط و
ح	٢٧	س ض س ص غ س ب خ ظ س ذ ص ی غ ظ ز ج ح ی ش و ف خ غ ب ع ر
ط	٢٤	ی ض ذ ض ب ج س ز و د ظ ض س ب ر غ ع ا ظ د ر خ ر
ی	٢٦	ا ض ب ف س ه غ ح س ق خ ح ش ظ خ ط خ س ا خ ر خ ر ف ح
ک	٢٤	ص ب ق ج ج ص غ و ح ظ غ و س ب ص س ذ ا خ ص ل غ س ج
ل	٢٦	ظ و خ و ع ض ض ع ث غ خ خ غ ا ا س خ ش و ض و ع ح ن ض ذ
م	٢٥	ف ز ش خ ض غ ر ض غ ق ق ل خ ق ع ی ح ا ب ع ح ا ق ط
ن	٢٥	و ب ث ق ز ق ق ع ا غ خ ز ز ص ض خ ظ ا غ ف ف ص ق س
س	٢٥	ل ح ع و ز ج غ ق ش ق خ ا س ر ا س ذ ق ق ج ع ر ب ح
ع	٢٥	خ و و ق ع ط ذ ع ا ض خ ر س ر ق ب ع ح ر د ص غ غ و ض
ف	٢٦	ه ح ل ذ ت ق د ل ح س ض ذ و ع ث ر س ض س ا خ ف ج ظ ظ و
ص	٢٤	خ ا ش ش ذ ر ح ظ ظ خ ر ب س ق س ح ض ک خ و س ی ض ب ش
ق	٢٦	س س ذ س ا ذ ح ی ع ذ ر ق ف ل و ص س و غ غ ز ح ر ح ق ر
ر	٢٤	ر ذ س ش غ ح ح س ع ج ل ذ خ خ ه غ ب ج ع ص ب ح ص ش خ
ش	٢٧	ع ا ح ق ر ی خ س ق ب س ح خ ش ق ف ض و ب ظ ظ ق ا س خ ض ذ
ت	٢٣	ر ش غ ع و غ و ح ر و ش ق ع ن ظ ا ق ر غ ص ص ص ج
ث	٢٧	ع س ف و ا س س ب ص ذ خ ر ق ص خ و ذ ق ج ص س ص ق ص ض س
خ	٢٣	و ف ع ب ا ل خ ب ع ز ذ و ا ص ر س ح خ ط ر غ ب ج س
ذ	٢٨	ع ض ش س ف خ خ س س ر س خ و م ر و ت ا خ ه و و ه ص ش و
ض	٢٢	غ خ و ظ و خ ظ غ س س س ر س س ج ع ح ف ظ و ح ذ
ظ	٢٨	س ظ س ع ص س ظ و ح س ط ص غ س خ ل خ ظ س س ض ص و و و ق
غ	٢٢	س ظ ح ق و غ ش ش س س س غ ص خ خ ص س غ ع ع ص ص

صرفاًج وزخ ل ق است درس وال ع ظ ی م		غ رای بش ب م ث ل ص ب ط ک ن ج ز ا و ب ی ار

حرف	عدد	
ا	٢٢	ع و ر و و ق و ذ ق ش ش س ف ع س ح و و و ر ا ص
ب	٢٨	ق ذ س ت س ج و ص ق س ذ س ذ ا ق ع ا ر ع د س ش س ر ع ذ
ج	٢٢	ک ر ر ش ص ص ع غ ض خ ش غ غ غ ص و ح غ ق ب ق س
د	٢٨	ک ر و و س ف س ذ ص ق ن و ه ش ی ه ر ح خ س د ص ح ا ص س ذ
ه	٢٣	ر ذ ح ح خ ش و س ع ح خ ض س ج ب غ ز ر س د ر خ س
و	٢٧	ذ ص ع و ظ ع د غ ا ر ع ر ح ذ غ ش ص ا ن ا ر ذ س خ ر ظ ع ذ
ز	٢٣	ق س ذ ع ه س خ ش ع ص ا ح ع ذ س س ع ه س ذ د ع ع
ح	٢٧	ع س ص ص ص ع خ ض ر د ج س غ ع غ ب ص ف غ ر س س غ ق
ط	٢٤	ر و ص غ و س ظ ج خ ص ج ب غ ذ ع ج خ ز ح و ج ن غ ذ
ی	٢٦	و ظ غ ع ق د ر ذ ا ذ خ ض ر ذ خ ع خ ج ع س ر ص غ ی ق ع
ک	٢٤	س س ی د س ن ق ش د ح د ف غ خ ذ ر ر س غ ر ب ب ق
ل	٢٦	ش ص خ غ ص ص و ا ر ح ص س ح ع ذ ر و د ی ذ خ خ ح ی
م	٢٥	ذ ر ح س س ن ظ س ص ذ ح غ ع ح س ج د ذ ب س خ ذ ر ع
ن	٢٥	ش ش ج ش ا ذ ط ح ذ و ش ش غ ا غ ح ی ر د ش ص ص د ح ص
س	٢٥	ه ع س خ ه ه ع س ص ی ج ح ص ی ی و ع غ ذ ق و د س
ع	٢٥	ی س ظ ع ع خ ذ ع ح ح ذ ر ع ر ض ض ع ع س س ص ع ب
ف	٢٦	ظ خ ی ر خ ذ ص س غ و ح ح و س ن ا ح ع ع ذ ح و ص ظ س و
ص	٢٤	ز و ا ف غ و ذ ج س ب ب و ب خ ش خ ع غ ق س ث ش ص ی
ق	٢٦	خ خ و خ خ ی ض ع ع خ ی ج ع ذ ذ ص ج و ر ر ر ر س س و
ر	٢٤	و ی ذ ق س ص غ ق ظ س غ ی و ش ج ظ و ظ خ ی س ه خ ذ
ش	٢٧	ف ص ر ق ن ج ذ خ ص ر ی ض و خ ظ ح ص ع د خ غ ق ی ص س ذ ح
ت	٢٣	ی خ ظ ذ خ خ غ غ ج غ د س ف س س ر غ خ ج ح ذ ذ غ
ث	٢٧	ه خ ج و ذ ا غ ف ش خ ح س ر د س ع و ا ص ر و خ ف و ع ق ق خ
خ	٢٣	ص و ب غ ر ح خ س ف ح ش س ه غ و غ ه ح ص ب ع ظ س
ذ	٢٨	ق غ خ ع و ع ر س س غ ع د ق و غ و ذ ل د س ر ی غ و ه و ج
ض	٢٢	ح ظ ا ذ ز و ص ق س س ص ج س ظ خ ج ج غ ع ع
ظ	٢٨	ش س ر ق ف ی ع ش و ج و د س ظ ت س س س ع ع ص و ق ق ق د ع و
غ	٢٢	ب ظ ذ ا ظ ا ظ ذ ذ و س ع غ خ س خ ت ا ف ب ع ع خ

کتاب مفتاح الاستخراج از جفر جامع تالیف محمود دهدار

بسم الله الرحمن الرحیم

تبارک الذی کتب کتاب الکاینات بالحروف العالیات والنقاط السفلیات وختم بالنون وجود الانسان الذی هو فی الاعیان کالانسان للاعیان ونزل علیه الفرقان وعلمه البیان فسبحان الله العلی الدیان وصلی علی محمد مظهر ایات القران وسلم علی علی مبین محکمات الرحمن کمترین بندگان غیاث ابن محمد محمود دهدار این چند سطر را در بیان قواعد استخراج احکام از جفر الجامع ونور اللامع وفواید آن در سلک تحریر آورده وآنرا مفتاح الاستخراج نام نهادیم بجوده ومنه مقدمه در بیان برخی از وضع این علم شریف ومبانی رموزات ودقایق وفواید آن بدانکه رؤس الحکماء المتقدمین مثل ارسطاطالیس و فیثاغورس که از انوار اشراقات نبوت انبیاء سالفه اقتباس ذاتها نموده بافاده عالمیان کوشیده اند چرا که فیثاغورس تشریف هدایت حضرت سلیمان علی نبینا وعلیه الصلوة والسلام بحکم اتیناه الحکمه وفصل الخطاب مشرف است واصول اعداد که مبنی خمایر حروف است تعلیم نموده در حیز تدوین در آورده که بعرف یونانیان ارثماطیقی است واز بعضی حکما سخنان حروف ومجالی آن نیز مرویست واز ارسطاطالیس بطبایع حروف وارتباط اینها به بروج فلکی ومراتب آن مقاله منقولست مسمی به کتاب اصطکاکات چنانچه بطریق استنباط تلمیح نموده است که هر حرفی از اصطکاکات کوکبی بدرجه معین از برج متعین بوجود آمده وحکماء دیگر بیست وهشتگانه حروف تهجی را بمنازل قمریه که باعداد حروف موافق اند نسبت تامه نموده اند وهرگاه دولت ایام محمدی علیه افضل الصلوات واکمل التحیات رسید باقتضاء اوتیت جوامع الکلم مجمع رموزات انبیاء گذشته بکتاب اعجاز الکتاب رسل آنحضرت منتظم گشت بعد آن سرور کاینات بحکم انا مدینة العلم وعلی بابها بحضرت ولی ملک ولایت خازن خزاین حکمت ومعرفت علی بن ابیطالب رسید وآنحضرت جفر جامع تالیف فرمودند ومن بعد از این پس از هفتاد سال از امام جعفر صادق علیه وعلی ابائه الکرام الرحمة والسلام من الله ملک العلام اشعاب معضله مجموعات تصانیف این علم لطیف پدید آمدند چنانکه اسم مبارک جعفر ایشان خود دال است بر بروز صنایع جفر وتاریخ ظهورش اما انکسی را که شناسائی زبان ایما واشارتست وبیان اعداد وشمار بوجه حسن رسیده اند وبعد از آن در میان سایر فضلاء رسید مثل شیخ محی الدین عربی وقطب الاقطاب شیخ سعد الدین حموی وشیخ ابو العباس بونی وشیخ ابو الحسن شاذلی ودیگر مشایخ مغاربه واز این جمله هر یک را طریقی است

خاص لیکن در اسرار احکام واستخراج گفتارهای علیحده است که مستفید انرا از نوال افضال متلذذ گردانیده باب اول در بیان طبایع حروف وحروف البروج وطبع آن ودانستن طالع وقت ودرجه آفتاب وساعات **فصل اول** در بیان طبایع حروف وبیان تقسیم آن به سبعه سیاره وانچه بدان تعلق دارد بدانکه بیست وهشت حروف را بچهار عنصر قسمت کرده اند وهر یک عنصر را قسمت مساوی داده اند وهر یک طبایع را باعراب مختلفه منسوب کرده اند آتشی را مرفوع وبادی را منصوب وآبی را مکسور وخاکی را مجزوم وهر یک طبع با دوم خود مربی ومقوی است چنانکه آتشی را هوائی مقوی است وهوائی را آتشی مقوی است وهمچنین حروف آبی را خاکی مقوی است وخاکی را آبی مربی وهمچنین بیست وهشت حروف را به سبعه سیاره تقسیم کرده اند حصه هر سیاره چهار حروف داده اند چنانچه در اینجدول نموده میشود

جدول سبعه سیاره

سبعه سیاره	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
آتشی مرفوع	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ
منصوب بادی	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
مکسور آبی	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ
مجزوم خاکی	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

بیان بروج ومتعلقاتش بدانکه جمله دوازده بروج وچهار عنصر وبیست وهشت حروف تهجی وبیست وهشت منازل اند چون دوازده بروج را بر چهار عنصر قسمت کرده اند هر عنصر را سه برج رسید چرا که از ضرب سه در چهار دوازده پیدا میشود وهفت سیاره را بر دوازده بروج نیز تقسیم کردند بر حصه هر کوکب دو بروج میشوند الا شمس وقمر که صاحب یک یک برج وهمچنین بیست وهشت حروف تهجی را به دوازده بروج دادند که حصه هر برج دو حرف وثلثی می شوند تقسیم منازل بر بروج حصه هر برجی دو منزل وثلثی شود بدین طریق که نموده می شود

الحمل ثلث ج ا ب	الثور ثلثا ج وثلث ه	الجوزا ثلث ه و ز	السرطان ح ط ثلث ی
شرطین بطین ثریا	ثریا دبران هقعه	هقعه هنعه ذراع	نثره طرفه جبهه
الاسد ثلثا ی ک ثلثا ل جبهه زبره صرفه	السنبله ثلث ل م ن صرفه عوا سماک	المیزان س ع ثلث ف غفر زبانا اکلیل	العقرب ثلثا ف ص ثلثا ق اکلیل قلب شوله
القوس ثلث ق ر ش شوله نعایم بلده	الجدی ت ث ثلث خ ذابح بلع سعود	الدلو ثلثا خ ذ ثلثا ض سعود اخبیه مقدم	الحوت ثلث ض ظ غ مقدم موخر رشا

فصل دوم در دانستن طالع وقت واوتاد چون خواهد که طالع وقت معلوم کند پس هرگاه سائل سوال کند تحقیق نماید که آفتاب در کدام برج طالع است از ابتدای

طلوع در هر برجی که آفتاب باشد قسمت تا سه‌ها یعنی گهری های بر هر برجی که منتهی شود همان برج طالع وقت رباعی

حمل و حوت تا سه‌ها سه و نیم ⁂ ثور با دلو چار گفت حکیم ⁂ با جوزا و جدی پنج بگیر ⁂ باقیش شش شمر بنور ضمیر ⁂

اسامی بروج	حمل عقرب	ثور میزان	جوزا سنبله
اسامی سیاره	مریخ	زهره	عطارد
بروج	سرطان اسد	قوس حوت	جدی دلو
ستاره	قمر شمس	مشتری	زحل

برای دریافت طالبان بیان نمودیم تا واضح باشد مثلاً آفتاب در برج سرطان است شخصی سؤال کرد که دو پاس از روز گذشته بود و گهری دو پاس که تحقیق شد یک پاس سه گهری و دیگر هشت گهری که مجموع آن نه‌ده گهری شد از این جمله شش گهری حصهٔ سرطان موافق ابیات از طلوع آفتاب طرح کردیم و شش گهری حصهٔ اسد باقی پنج گهری ماند این حصهٔ سنبله شد پس طالع وقت سنبله است یک گهری از طالع وقت سنبله مانده است پس در عمل طالع وقت سنبله بگیرد و صاحب طالع عطارد است قس علی هذا و جدول موافق نیز نوشته شده است داشتن

حمل	۳	حوت	حمل	۳ دقیقه ۴۴ ثانیه	حوت
ثور	۴	دلو	ثور	۴ دقیقه ۱۵ ثانیه	دلو
جوزا	۵	جدی	جوزا	۵ دقیقه ۲۷ ثانیه	جدی
سرطان	۶	قوس	سرطان	۵ دقیقه ۵۴ ثانیه	قوس
اسد	۶	عقرب	اسد	۵ دقیقه ۴۸ ثانیه	عقرب
سنبله	۶	میزان	سنبله	۵ دقیقه ۳۸ ثانیه	میزان

طالع و اوتاد و مایل اوتاد و زایل از طالع وقت چون عمل با طالع و اوتاد طالع کند از طالع بروج رابع و سابع و عاشر اوتاد بود پس از سنبله رابع قوس است و سابع حوت و عاشر جوزا و اگر طالع ثور است از ثور رابع و سابع و عاشر اسد و عقرب و دلو و اگر طالع جوزا است رابع و سابع و عاشر سنبله و قوس و حوت است قس علی هذا و جدول این است

اوتاد	حمل	سرطان	میزان	جدی
مایل اوتاد	ثور	اسد	عقرب	دلو
زایل اوتاد	جوزا	سنبله	قوس	حوت

فصل سوم در بیان درجهٔ آفتاب بدانکه نزد اهل تنجیم قاعدهٔ کلیه مقرر است که هرگز بدان رو تفاوت نمی‌افتد و مطابق تقویم میشود چون کسی خواهد که درجهٔ آفتاب بداند باید که اول عدد نهصد و نوزده

از تاریخ هجری هرچه باشد طرح نماید مثلاً از یکهزار و نود و نه که تاریخ هجری است عدد مذکور را طرح کند باقی یکصد و هشتاد ماند پس این را در ده ضرب نموده حاصل ضرب را در جائی ثبت کند بعد از آن باقی مذکور هشتم حصه کم نموده و دو عدد بر آن افزوده حاصل ضرب جمع کرده نگاه دارد که محفوظ اول است چنانچه از یکصد و هشتاد بیست و دو که هشتم حصه است کم نمودیم باقی صد و پنجاه و هشت ماند و دو عدد در آن زیاده کرده با حاصل ضرب که یکهزار و هشتصد است جمع نمودیم جمله یکهزار و نهصد و شصت باشد مثلاً از غره محرم تا غایت امروز که روز شنبه چهاردهم ماه رجب است ایام شمردیم چنانچه یکماه سی روز و یکماه را بیست و نه گرفتیم جمله یکصد و نود و یک روز شد این محفوظ ثانی است و قاعده آنست که محفوظ اول را از محفوظ ثانی کم نمایند در اینجا ممکن نبود بنا بر آن پنج دورهٔ شمسی موافق این بیت اضافه نمودیم **بیت** لا و لا لب لا و لا لا شش مه است ⁂ لل کط و کط لل شهور کوته است که یکهزار و هشتصد و بیست و پنج در میشوند که مجموع دو هزار و شانزده است این را محفوظ ثانی می گویند پس محفوظ اول را ازین محفوظ ثانی کم کردیم پنجاه و شش باقی ماند بر بروج قسمت کردیم سی و یک تکمیل دادیم باقی بیست و پنج ماند بشمر دادیم پس معلوم شد که امروز آفتاب در برج ثور بیست و پنج درجه است و قس علی ذلک فی کل الطریق

باب دوم در بیان صوامت و نواطق و زبر و بینه و اقسام ترفع و تنزل

فصل اول در بیان حروف منقوطه و غیر منقوطه و خاصیت آنها بدانکه مجموع حروف تهجی از دو قسم خالی نیستند یکی آنکه نقطه دارد و دیگر آنکه ندارد قسم اول را در محاوره ایشان ناطقه نامند و ملایمت لفظ نقطه با نطق در اصل وضع اسم بر واقفان علم صنایع لفظی مبرهن و هویدا است و از منقولات بعضی مشایخان این فن رحمهم الله تعالی بطریق تعمیم حروف غیر منقوطه سعد اند و منقوطه نحس و تخصیص آنکه هر حرف یک نقطه دارد در نحس بودگی خاص است و آنکه دو نقطه دارد میانه و آنکه سه نقطه دارد در سعدیت خویش بر نحس غالب است و حروف مذکوره پانزده اند مطابق استقرار ب ت ث ج خ ذ ز ش ض ظ غ ف ق ن ی و از خواص این حروف آنست که اگر کسی روز یکشنبه وقت طلوع آفتاب بمشک و زعفران نوشته زیر سر خوابیده بنهد و در گوشش او بگوید که یا ناطق انطق بالحق که ای متکلم کلام خوابیده بمضمرات ضمیر خویش گویا شود حتی که از خواب بیدار نشده باشد قسم دوم را صامت خوانند که در میان خود نسبت اضداد دارند و آن مجموع سیزده اند ا ح د ر س ص ط ع ک ل م و ه ترکیب این مستنبطات بدین نوع قرار داده اند آحد رس مصطع کلموه و در خاصیت این حروف نیز مروی است که روز بیست و نهم ماه یا حالهٔ کسوف آفتاب و یا وقت خسوف ماهتاب نوشته در زیر نگین نهادن برای زبان بندی ژاژخایان و معاندان بسیار مؤثر است که هرگز از روی زبان درازی دست بر انکس نیابند

فصل دوم در بیان زبر و بینه چون درین باب اقاویل مستنده بسیارند اما منقوله حضرت امام جعفر صادق صدق اقاویله فی الامور الحسنة ان لکل حرف ظهرا و بطنا و حدا و مطلقا الی سبعة البطن اسناد گرفته بتشریح قول شریف سطری چند بمنصهٔ بروز می نگارد که واقفان این فن مسمی و زبور هر حرف را ظهر آن قرار داده اند که ظهورش بر ترکیبها پدید آید و بطن آن حروف بینات اویند که در اسامی منفرده هر یک حرف حرفی ظاهر میگردد و مطلع مرادف زبور و حد مرادف زبور و حد مرادف بینه است پس حروف مختلف شدند در مرتبهٔ اظهار و درجهٔ ابطان و تمثیلاً حروف صاد و ضاد در الم والبطن حروف قرار داده اند چرا که از طبقات بطن ملتوی بسبعة البطن اند بدین ترتیب صاد دال لام میم یا الف ازین جهت علمای علم جفر بذل الله علیهم الخیر و الظفر حروف صاد را در محل اشارت بطرف ظهور داده اند لطیفه باید دانست

که هر حرف ملفوظی و مکتوبی از ظهر و بطن خالی نیست پس هیئت ذهنی حرف که مراد از عدد است نیز از ظهر و بطن خالی نخواهد بود پس
مراد از ظهر حرف عدد ابجدی آن حرف باشد که مراد از بطن حرف عدد بینات آن حرف بود مثلاً عدد زبور الف که یک است
نسبت با ظهر اوست و عدد لف که صد و ده است نسبت بینات بطن اوست و برین قیاس بطنی که بعد حروف تعلق دارد
و او نیز صاحب بطون است چرا که هر یک بینات را عدد مقرر است و هر یک عدد را بینات دیگر مثلاً الف اعداد بطنی و
که مراد عدد بینات است صد و ده میشود و حروف این عدد باز بود خود قیاس مقرر است بطریق ابجد و آن حروف را باز بینات است
بوجه تطیر خالی است بینه قاف الف بینه یا و نون بینه الف بکرار از اعداد بینات اسم قدس حضرت علی علیه الصلوة و السلام حروف
لفظ ایمان بطرح ترکیب پیدا و نیز دیگر اینکه الفاظ بینات مذکوره حرف ایمان ند و اعداد بینات حروف بینات الف صد و نود
و دو میشود که حروف مجموعی آن قصب باشد و علی هذا القیاس لفظ فی درمیان قوله تعالی و کل شیء احصیناه فی امام مبین اگر
حرفین فی را ملفوظ نویسند نود و دو عدد و مطابق اعداد اسم محمد صلعم می افتد چنانچه صفت واقع شدن الفاظ امام مبین
در ترکیب نحوی تمام دلالت میکند و حال آنکه این آیه تمام سوره یس در شان مدارج علیا آنسرور صلی الله علیه و سلم وارد است و از
اینجاست که اعداد بینه اسم مبارک حضرت محمد صلعم لفظ اسلام که بهم باری جل ذکره و اهم دین محمدی است می برآید و ایضا از
الف اسلام اسم سعادت شیم صاحب لاهت مخزن جواهر معرفت علی علیه السلام پیدا میشود و الله اعلم بالصواب فصل سوم
در بیان قوی و آن عبارت است از اجزای حروف که بجا حروف خاص از وجود او پیدا میشود و علم او بلا نسبة صحیحه واقعه بین الطرفین
بغیر السنین او معلوم نگردد و نسبة ضعیفه و نصفیه درین باب نسبت قوی است و انساب ثلثه و سته و تسعه از توابعات اوینه و از

جدول مذکور این است

لواحقات و ربعیه و ثمنیه اند بعد
ازان خمسیه و عشریه ثانی وست
و سبعیه نسبت ضمایم و لواحق
نباشد پس معلوم میشود که
نسبت اصلیه شش اند بدین تفصیل
صعفیه و نصفیه و ثلثیه و ربعیه و خمسیه
و سبعیه او انساب فرعیه چهارم
سدسیه و تسعیه و ثمنیه عشریه چون
بیان نسبتها و حروف درین
تنگنای عبارت گنجایش نداد بنا
بر آن از جهت بعضی اصول
این انساب و ملحقات و فروع و
ضمایم او جدول ثبت میشود که طالبان

ا بحروف	رحقغ	ت ن	ع ل ث	د م ت	ی ن ت	و ن ح	ر غ د	خ ف ص	ل م ک
صعف	ب ج ع	د م ن	ز ث ح	ح ف ص	ی ق ع	ب ت ع	ا ت ع	ع د ع	غ م ح
نصف	ن ت	ز ی ن	د س ع	ب س ن	ح ج ع	ع ل ث	ط ح س	د ف ت	ت
ثلث	ع ن س	ب ع	ز ی ن	ح ص ن	ع ف ن	ر ل ب	ه ن	د ص	ح ل ط
ربع	ج ب ن	ه ن	ج ن	ز ی ن	ح ج ن	د ع	د ح ک	ا ب ن	د ص
خمس	ب س ن	د م	و س	ح ف	ر ی ن	ج ل ع	ح ل ع	ح ت ف	ک ص ن
سدس	و ف ن	ز ن	ه ن	د ع	ب ج	ر ی ق	ک ا ق	ج ب ن	و ر ع
سبع	ج ن ن	ر ل	ز م	ج س	ک ع	ع ت	ا ع ک	ا ن ق	ا ب ر
ثمن	ع ل ن	ب ن	ا م	ه ن	ک س	ع ف	ز م	ا ی ف	ب ی ن
تسع	ل ن ن	ب ن	ز ل	ک م	ا س	ا ف	ح ف	ح ص	ا ب ع
عشر	ا ی ن	ب ن	ح ل	د م	د ن	د س	ز ع	ح ق	د ص

نوادرات را عروس سرایر از جلباب حروف رد نموده مالوف خود گرداند فصل چهارم در بیان نسبت ترفع و تنزل
و تواخی بدانکه ترفع چهار قسم است اول ترفع عددی دوم حرفی سوم طبعی چهارم بالطبع و عددی عبارتست از ارتفاع حروف
مطلوب بجهتی که قایم است بدیشان از اعداد هر یک ازان حروف که در درجهٔ آحاد است او را بعشرات برند و اگر بدرجهٔ
عشرات باشد او را بمآت و از مآت بالوف که آن را مراتبی نیز گویند دوم ترفع حرفی و آن عبارتست از ترفع دادن حروف
که آن ما فوق حرف مطلب باشد چنانچه از الف با گرفتیم این را تبی نیز گویند و سوم ترفع طبعی و آن عبارتست از ارتفاع حروف
بحسب طبیعت چنانچه حروف خاکی را تبدیل دهند بحروف آبی و آبی را ترقی دهند بحروف هوائی و هوائی را علو دهند بحروف
آتشی و چون آتش بالاتر از هر سه طبایع است از و ترقی هیچ طبع را ممکن نیست چهارم ترفع بالطبع و آن آنست که ارتفاع دهند حروف
طبع را بحرفی که در طبیعت او باشد چنانچه ترفع ا ه و تنزل عددی و حرفی و طبعی و بالطبع نیز بر چهار قسم اند برعکس ترفع عددی که گذشت
قس علی ذلک فی کل الامثلة لان العاقل یکفیه الاشارات و تواخی عبارت است از بدل کردن حروف که مشارک در صورت
خطی یکدیگر باشند چنانچه ب و ت و غیر متواخی آنست که تشارکت در یکدیگر نداشته باشد چون ب و ج فصل پنجم در
دربیان ترفع اوتار و ترفع ازواج و تنزل نصف بدانکه اوتار ماخوذ از وتر است که عدد افرادی باشد و آن سه و پنج و هفت
و نه در هر مرتبه از آحاد و عشرات و مآت و ترفع اوتار در مرتبهٔ آحاد از الف جیم و ها و زا و طا است سوای این چهار مرتبه قمار
را ترفع ثبت که ترفع در اعداد فرد باشد در آحاد بود یا در عشرات و مآت از حروف ب در مرتبه سوم الف ت و در مرتبه
پنجم ن و در مرتبه هفتم غ و در مرتبه نهم ض هکذا و ترفع مآت از ق در مرتبه سوم ش و پنجم ث و هفتم ذ و در مرتبه نهم ظ علی
هذا القیاس و از جمیع حروف چنانچه ترفع اوتار است همچنین ترفع ازواج است از الف به ترفع دوم حرف ب است چهارم
د و ششم و و هشتم ح علی هذا الترتیب که ۲ و ۴ و ۶ و ۸ و ترفع اوتار از عین عمل می کنند یعنی از الف و یا و جیم و تنزل اوتار
بر آمده و تنزل عکس ترفع است که نهایتش بذات ترفع افرادی باشد یعنی تنزل و تنصیف اوتار از یسار است چنانچه از عین سوم
مرتبه ذ است قس علی هذا و تنزل ازواجی و افرادی مدور می شوند چنانچه در ترفع و تضعیف اعداد از عین بحروف
ما قبل عمل میکند همان نوع تنزل و تضعیف اوتار را که از یسار رتب ما بعد عمل نمایند علی هذا القیاس و برین وجه است در تنزل
حروف عشرات و مآت و لیکن اگر حروف از آحاد اعداد افزون بود مثل حرف ه که ترفع سوم آن ط است و پنجم ان ک است
و هفتم ان م است که هفت قسم ترفع بگیرند و در جمیع حروف ترفع و تنزل را مطابق قاعده اول خطا نکنند و این عمل و عمل فصل چهارم
که نزدیک اهل این فن اهم مطالب است اکثر در استخراج بکار برد و عبارت نثر فارسی و یا عربی و ترکی یا هندی هر زبانی که
باشد بهمان زبان مطلب نویسد و استخراج نماید و الله تعالی اعلم بالصواب باب سوم دربیان طرح و انساب
و احکام استخراج فصل اول دربیان طرح بدانکه اهل جفر طرح را هفت اقسام گفته اند و بعضی شش قسم و هر چه استخراج است
ازین هر دو قسم مذکور بیرون نیست حق سبحانه و تعالی هر که را بفضل خود طریق استخراج واضح گردانید این هر دو قسم
و آنچه که در قواعد بیان شد منکشف گردد پس طرح اول عناصر است که چار چار باشد و طرح دوم از سیارات هفت
هفت آید و طرح سوم ابجد و افلاک را مناسبت نه نه طرح نماید و طرح چهارم دوازده بروج است و از ده کان

طرح کند و طرح پنجم از منازل است بیست و هشت مطابق منازل عمل آرد و طرح ششم از درجه است باید که سی طرح دهد و طرح هفتم خمسه متحیره است پنج طرح دهد بیت هر که این اطراح را داند مقام علم استخراج او سازد تمام فصل دوم در بیان انساب حروف مشتمل بر نه انواع نوع اول در نام سؤال هر جا که نطق باشد و آن طالب کلمه دیگر بود پس باید که آخرین حرف نطق را و یا بعد اورا و یا ما بعد لبعد آن حرف به بیند که چه عدد دارد و چندم مرتبه در ابجدی باید که مطابق عدد و یا مطابق مرتبه و یا بینه در ان زمام حروف بشمارد و بان کلمه که طالب کلمه دیگر بود ملحق کند خواه بافراد خواه بعشرات یا بمآت این هر سه مرتبه بمراتب یا کلمه نطق که طالب کلمه دیگر است منظوم کند نوع دوم آنکه هرچه از زمام بیوت حاصل شود هفت هفت بیوت را یک سطر کند که مشتمل بر بیست و هشت حروف است هر چند که سطر پیدا شوند بنویسد و نظر کند که در اصل سؤال خالص بهت (؟) سؤال کدام حروف است و آن حرف درین سطور چند جا واقع است انقدر نسبت در نفس خود پیدا کرده است مثلا الف در ابتدای سؤال یافتیم و از زمام هفت و هشت یا کمتر سطر پیدا شده است پس آن حرف الف را درین سطور ها ملاحظه باید کرد که چند جا واقع شده است اگر در دوم واقع است یا اول پس بدایره ابجد و ابتث و بدایره ایقغ و اهطمفشذ و بدایره سؤال هرچه باشد پس از یک الف پنج حروف پیدا شده اند و این پنج حرف را مرکب ترکیب سازد که نطق او مطابق سؤال سایل است و بمواجه اگر نباشد پس حرف دال او سطر بر اثبت حرف در دوایر کرداند ثانی و ثالث و رابع الی نهایت السطور کلمه کلی بنهج مذکور پیدا کند بقیاس صدر بمواجه بگوید و اگر کلمه ناطق نباشد این حروف مستحصله را الطیره پنج باب بگیرد اگر نباشد ترفع از واجی نماید و الا جمع تراتیب حروف جمع کند و چهار چهار حروف را ترفع احاد و یا عشرات یا مآت یا مراتب ملاحظه کند هرچه ناطق شود جواب سؤال سایل باشد نوع سوم بدانکه ترکیب حروفات متخرجه از نسبت یکدیگر است نمی آید باید که انرا در خاطر خود ملاحظه تمام کند تا درمانده نگردد مثلا در سطور سؤال که بعد از اسقاط تکرار حرف خالص که حاصل شده اول شین آمده در انساب سین نظر نماید که چند نسبت و نفس خویش دارد چون بر سین نظر کردیم اول سطر طالع شده پس یک نسبت و نیست باعتبار اول و دوم نسبت او ششم باعتبار صغیر و سوم نسبت پانزدهم باعتبار ابجد چهارم نسبت بیست و ششم است باعتبار دور پس از سطر اول س اب ح که این چهار حرف پیدا شده اند از روی نسبت چون ترکیب کردیم چنین شد ح س ب ک و این چهار حرف در نفس خود نسبتی دارند چنانچه در دوم نسبت اعداد صغیر شش است حرف ششم را از ابجد برداشتیم و شد و ب را تا خمس ت کشت و ح را تا ح ز سد ترفع دال و ترفع ک ک ل کشت پس این چهار حروف حاصل آمد و ت و ل چون ترکیب کردیم دولت شد و اگر تقلیب کنیم تولد شد و اگر نوابه در عدد مطلوب باشد عمل آرد حاصل کلام از روی انتساب تولد دولت حسب کن عامل را باید که در شمار دو رحان بعمل درند که تکرار نباید در هر نسبت چهار حروف هم خواهند رسید پس در آن حرف بنگرید که تقلیب و تجنیس و ترتیب و تصحیف خواه در حروف خواه در عدد چند کلام متفق المطالب و المعنی بهم میشوند انرا بکمال عقل خویش هر واحد را فراهم آرد و تصرف طبع را در آن کلام نظر باید قس علی ذلک فی کل الاستخراج نوع چهارم بدانکه حرف سؤال را خالص کند بعد از ان حروفات خالصات را در سطر سؤال بنگرد که چند جا تکرار کرده هر قدر که تکرار کرده باشد آن حرف نسبت موافق اعداد در باطن خود پیدا کند مثلا در سطر خالص سؤال ا ح و است جیم در سطر ۳ دال دو جا تکرار نمود و او نیز دو جا بدین نمط ج و علیم حاصل ازین دو حروف چهار

حرف شد ند چون ترکیب کردیم لفظ جلوس پیدا شد قس علی هذا نوع پنجم آنکه جمله حروف تهجی بیست و هشت حروف و هر حرف در ذات زبر و بینه خود لفظی دارد خواه آن لفظ از روی ترفع حرفی و مراتبی و بالطبع تنزل افراد و ازواج و عدد ملفوظ میشود مثلا میم را که بدان قواعد عمل کردیم لفظ تام و تیم و مات و داو حاصل شد علی هذا القیاس نوع ششم آنکه جمله حروف تهجی بیست و هشت حرف اند ازان نه حروف جهت احاد و نه دیگر جهت عشرات و نه سوم جهت مآت و یک حرف آخرین که غین است جهت الف و طریق تصغیر انست که غیر از آحاد که عشرات است عقد آنرا بعد دآن عقد حساب کند چنانچه ده را بیک و بیست را بدو و صد را بیک و دویست را بدو و علی هذا القیاس نوع هفتم آنکه چون خواهد که استخراج در نسبت مشارکت کند عامل را باید که حروف را از روی مراتب اعداد بهم آرد و در زبر و بینه و عدد ترفع الی نهایت ابتثینه که پیشتر مذکور شده ملایم مشارکت داشته و آنرا جمع نموده کلمه ها از تقلیب آن باید و ان تقلیب که در نطق آمده باشد ملفوظ کند و اعداد آن حروف بنگارد و کلمه از آن اعداد پیدا کند بعد ازین به بیند که اگر چهار مراتب عدد داشته باشد پس عدد اول را در آخر عدد جمع کند و باز ثالث را بجای دارد و ثانی را نفکاک کند باز اول با ثانی و ثالث با رابع جمع نماید و از حروف مستحصله آن جواب سایل گوید والسلام نوع هشتم آنکه جمله بیست و هشت حروف ابجد اند اگر تغیر هر حرفی کنم طول کلام میشود و آن لایق شرح دادن این مختصر نیست بنا بر این بر سر حرف ابجد که الف است و لاجزء له است بعنوان مثال نمائیم تا بر همین نمط قیاس حروف دیگر نمایند مثلا الف از ترکیبات آن فال و فلا و لاف شد و از عدد آن قبا بظهور آمد و عدد مجموعی قبا سه شد و ت را ال کشت و م در بینه لام است از ترفع آن نیز م میشود و چون قاف را بسط عددی در عربی کنم مات شد پس م درین نیز پیدا شد از تراکیب آن قیام حاصل آمد و عدد وسیط آن دوازده پس ازین عدد لفظ بو د بهم رسید قس علی ذلک نوع نهم آنکه اوقات را اهل جفر عبارت داشته اند که بیوت جفر را بمطلب سایل بتواخی وقف سازند مثلا در بیوت ب ب ب ب مده باشد از چهار حرف نیست که اشکال واحد دارند ب اول را بجال داشته ب ثانی را ت کرداند و ب ثالث را ث کنند و ب رابع را بجای دارند ب ت ث ب شد پس ازین چهار حروف عبارت ثبت ثابت حاصل آید اگر تواخی عدد را منظور دارند ب ک ر ب لفظ بکرب

فصل سوم در بیان احکام و بر آوردن جواب از تکسیر بدانکه وجه متغر نمودن تکسیر آنست اول بهمه ایمه این فن در تشخیص احکام از گذشته و آینده از صدر و مؤخر منصوب و مقلوب خلها فی موجه و سخنان زیبا می آرند چنانکه بعضی بر آنند که هر کلمه که از صدر حاصل شود متعلق باحوال گذشته طالب است و هرچه از مؤخر حاصل شود حال الحق این بحث است که مزید تصور بران ممکن رحمة الله علی کاشفه و فاید و بعضی دیگر بر آنند که مجموع کلمات که منسوب حاصل میشود از صدر و مؤخر بآینده تعلق دارد و آنچه بر نهج مقلوب حاصل شود متعلق بزمان گذشته سایلست این قول بهر حال از صواب دور نیست زیرا که بر عاقل وضوح تمام دارد که از تکسیر هر کلمه که منصوب است اشارت بآینده می نماید و هرچه مقلوبست اشارت بگذشته دوم بر آوردن جواب از تکسیر نزد اهل جفر بر چهار نوع است و دانستن ان اهم مطالب است تا که این چهار وجه را نداند در بر آوردن جواب عاجز باشد اول منصوب دوم مقلوب سوم حمق چهارم قطر باید که در هر تکسیر باین طور استخراج نماید تامل و فکر بغایت بکار برد سوم بدانکه تکسیر از جهت تقدیم و تاخیر حروف قرار داده اند که شاید کلمه حال سایل جای یافته شود و اینعمل از اشراقیه است باید که در هر سطور از تکسیر که کلمه منسوب یا مقلوب افتاده باشد آن سطور را از تکسیر بر آورده علیحده نویسد و ترفع و تنزل و تار که این نسبتها بیان شده دران سطر عمل کند تمام سطر متلفظ میشود

واگر در تکسیر و یا غیر او دو جواب پیدا شود از یک عمل بیرون نبود یا هر دو بر اثبات مطلوب دلالت کند یا هر دو بر نفی آن یا یکی بر اثبات ویکی بر نفی آن باید بر هر تقدیر موافق کلمهٔ جواب که غالب بر معنی مطلب باشد و تکرار کرده باشد ازین بهتر آنچه موافق و مطابق اعراب عنصری جفری فتسه معتبر باشد فقس علی ذلک **فصل چهارم** در بیان تحقق و تخلق اما تحقق آنست که بجز دیگر قبض حروف در اعداد بلا تصرف لفظی ازان حاصل شود چنانچه از صد و هشت کلمه حق بهم میرسد و غیر آن نتواند بود مگر مقلوب آن و تخلق آنکه در صد و هشت مثلا تصرف کرده لفظ میز آن یا غیر آن بهم رسانند درین طریق تصرف را راه است ازین الفاظ دیگر هم باین طریق میتوان تالیف کرد مثل متاز و متازم و غیر آن بنا برین صاحب مرصد اسنی در جدول النسبت النفسانیه هر عدد را منفک کرده از هر واحد دو دو حرف گرفته که تصرف را راه نباشد و نسبت از مثانی و مثالث و مرابع قرار داده اند یعنی از آحاد دو حرف و از عشرات دو حرف و از مآت دو حرف خالی از تصرفات درین صورت چرا که تصرف وقتی باشد که کلمه را در ذهن خود ملفوظ کرده بحسب اعداد چون متاز و متازم بهم رسانند آنرا تصرف گویند و دانستن این هر دو نوع مستحسن است و معمول این فن است

فصل پنجم در بیان بعضی از قواعد شرح مقاصد بدانکه در شرح مذکور می نویسد اعدادی که از دایره الهیا حاصل شود آنرا از مثانی و مثالث و مرابع و مخامس نماید و حاصل حروف را به نسبت ترفع مراتبی و ترفع عدد صغیر بطبیعه و ترفع عدد صغیر آن است که حرفی که عدد صغیر داشته باشد از بعد صغیر ترفع کند چنانچه شس ی ن چون اورا ملفوظ کردم عدد زبر او برابر بینه است پس وسیط مجموعی او ۱۰ شد و عدد صغیر او شرع ی ن وسیط مجموعی ۱۳ وارد و عدد صغیر ۴ شد پس نسبت ترفع در عدد صغیر و وسیط از س ع شد و هم تشارک در بینه و ترفع حرفی و در ترفع عدد چنانکه الف را عدد صغیر ۳ و سین را نیز ۳ و از آحاد و عشرات و مآت دو دو حرف قرار داده اند باید که درین صورت عدد را مرکب با هم جنس خود دکبیر و چرا که در جدول النسبت النفسانیه انفکاک مراد است و مثانی و مثالث و غیره خود این نسبتها دارد و احتیاج بیان نیست اگر خواهد ورای عمل کند قاعدهٔ مذکور را از دست ندهد بعد ازین ترفع عدد صغیر را با حرف ترفع خود چار چار حرف نموده متواخیه نماید و کلمهٔ ناطق حاصل کند اگر در نسبت تشارک تام داشته باشد کلمه چهار حرف یا کم ازین ناطق خواهد بود و الا اتنا فر کند و بلا حظه حرف دیگر شود که باین قاعدهٔ کلمهٔ چهار حرفی ناطق کلام بهم رساند والله تعالی اعلم بالصواب **باب چهارم** در بیان بعضی از مشکلات مرصد اسنی و استخراج آن **فصل اول** بدانکه از کرم الهی ذهن این فقیر رسیده و بلا حظهٔ او بهره ور گردیده هم در استخراج اسماء و هم در استخراج اموال الجب طبع خود می نگارد که صاحب مرصد اسنی حروف مستحصره که اصول خمسه پیدا ساخته و بالای ان حروف مستحصره نوشته از آن حروف حروف مستخرجه استخراج نکرده و قرار داده که از حروف مستحصره بملاحظه قوی و عزایز و موازین و اسوس حروف چند مستخرج میشوند پس اسماء الهی ازین دو استخراج نکرده بر قول تالی عمل کرده تا خواطر در استخراج کلیات طریق اعتبار مرعی داشته باشند بنا بر آن از اعداد اصول خمسه که دو هزار و هفتصد و چهار ده باشد حروف تخلیق نموده و از آن حروف اسماء مستنبطه استخراج کرده و سرانجام آنست که بیان اصول خمسه کرده میشود انشاء الله تعالی **فصل دوم** در بیان استخراج مرصد اسنی و آن اینست که اگر خواهد از حروف مستحصره بملاحظه قوی و عزایز و موازین و اسوس اسماء الهی استخراج نماید اگر ذهن صاف و طبع سلیم و ادراک کمال داشته باشد تواند بر آورد اما طریق اول برای استخراج مطالب و اسماء تعالی ان

مرصد اسنی اینست که در مرصد اسنی چهار جدول است جدول قوی جدول عزایز جدول موازین جدول اسوس چون مفهوم هر جدول در ذهن مستقیم و طبع سلیم متمکن گشت عمل نماید طریق عمل حروف مستحصله اصول خمسه که بده مراتب حاصل شده اگر مطلوب استخراج مطلب است حروف مطلوب و اگر مقصود استخراج اسماء الله است حروف مستحصله مذکورهٔ هر واحد که مطلوب باشد حروف آنرا به نسبت اقوی که در ضمن آن حروف به نسبت صحیحه که فیما بین مضمر است حاصل کند و بعد او حروف عزایز با نسبت تشارک بالکل و با لبعض و تخالف با لبعض و ذو النون و ذو المیم و ذو الفا و ذو اللام و ذو الواو و ذو الدال و غیره موافق جدول نویسد و حروف ذو الد جدا نویسد و تفریق هر واحد کند و بعد این حروف موازین که وحدانیات و ثنائیات و ثلاثیات و خماسیات است نویسد بعده حروف صامت و ناطقه و تفریق در حروف ناطقه از فوقانی و تحتانی بحسب نسبت نقاط واحد و مثنی و ثلاث علیحده علیحده مندرج نماید بعد او تفریق اعلی و علی و ادنی و دنی کند بعد ازین از جدول اسوس هر حروف را به نسبتی که در آن جدول مخصوص کرده اند در همه نسبت هندسه جدا نویسد و نسبت صغیر ختیار کند که هیچ حرفی بر اتب لس که از اجمع الاصول خوانند خارج نباشد ده است بعد ازین در جدول اصول النسبت النفسانیه ملاحظه کند که درین جدول ده مرتبه است از الف که لا جزء له است تا یا که هیچ حرفی نیست خارج ازین ده مرتبه نیست از الف ابجد تا یا باقی همه حروف بمراتب در ضمن این ده مرتبه پیدا است و در جدول اسوس مطلوب به بعد صغیر است چنانچه صورت بسیط الف شد عدد ده ۱۱۱ ابعد صغیر که بر واحد آحاد و عشرات و مآت را آحاد اعتبار کند چنین شد ۱۲ و باعتبار صورت بسط عدد هر واحد حرف بصورت هندسه نویسد و جمع بکند چنین شود ۱۳۸ چون این عدد را باعتبار صغیر جمع کند چنین شود ۱۲ پس این عود ۱۲ در جدول اصول النسبت النفسانیه بمراتب عشری که آن جدول موضوعست به نسبت پس این ۱۲ بصورت عدد صغیر که ۳ باشد در جدول مذکور داخلست و در تحت ۳ داخلست ۱۲ تحت انشقاق قانونی واقعست و قس علی ذلک و هیچ حرفی از جدول اصول النسبت النفسانیه خارج نیست و استخراج و انشقاق هندسه از نفس یکدیگر مقابله مثانی و مثالث و مرابع در جدول مسطور است کما وضعنا جدول فی جدول اعداد ثمان و عشرین حروف جدول الاس فی تحت عشر مراتب جدول اصول النسبت النفسانیه لیس خارجا منه فافهم و هذا الاعداد و المستحضرة میزان فی کل حرف موافقة و متشارکة و متحد فیما بینهم بالمیزان و مخالفة فی صور بل فی الحقیقة عشر مراتب جدول اصول النبت النفسانیة مخصوص بمیزان هذه الحروف

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
	یا	الف	واو	صاد	ها	نون	جیم	حا میم	قاف
طا	کاف	سین ثا	عین			خا	دال	فا	ظا
	ذال	را	ضاد	تا	ثا	غین	زا لام	شین	
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

وانفکاک المیزان تحت کل واحد من مراتب عدد المذکور و الشقاقهم و هو مقصود و تام و فیه ستر ما یطلب المدعا لاستخراج و هذا قانون کلی و المراد فی جدول اصول النبت النفسانیه من مثنی و مثلث و مربع تراکیب الکلمه و احداث اللفظ بالاحتمالات المختلفه و هما شامل فی المثنی و مثلث و مربع و کل واحد من الحروف لا یخلو عن مراتب العشرة و هو تلک عشرة کاملة یعنی الالف فی مراتب

العشرة الیاء والیاء فی مراتب العشرة القاف هکذا اخذ احتمالات الحروف حتی یمکنه وینظر فیهم دلالة الاتفاق وعلة التنافر وکل واحد منها اکثر فی الحکم وطریق دیگر آنست که اول از حروف مستحصره حروف مستخرج کند وان حروف مستخرج را که از مستحصره است خالص نماید واز سطر خالص الحروف عزایز تولد کند بعد از آن الحروف خالص را در حروف عزایز امتزاج دهد و باز سطور اربعین را خالص کند واین سطر رابع بنیات نویسد و باز خالص کند واین سطر را در جدول اس الاسوس برد واز اس که حروفها مستخرج شوند از الحروف آحاد وعشرات ومآت بر ترتیب ابجد علیحده علیحده نویسد مثلاً ده الف و پنج تا علی هذا القیاس بعد ازین سطر ترتیب حروف صامت وناطق علیحده علیحده نماید واگر خواهد اسماء الٰهی از روی احتمالات از حروف صامت استخراج کند اگر فهم عالی داشته باشد میتواند که استخراج کند بعد از آن از حروف صامته وناطقه بملاحظه قوی وعزایز وموازین اسماء الٰهی استخراج نماید

فصل سوم دربیان دایرة الهاکه منسوب برصدای است وانچنان است که در شرح مقاصد دربیان دایره الها مینویسد که اگر جدول اول مذکوره را باسم امتزاج دهند انچه از عالم کلیات وجود وجزئیات مظاهر جملین بنظر شهود درآید طریق امتزاج آنست که حروف سوال با اصول خمسه بگیرد و از آن حروف مذکوره بنسبت قوی حروف استنطاق کرده والحروف استنطاق اعزایز استنطاق کرده در جدول غزیری بمناسبت تشارک بالکلی بالبعض وتخالیف ذوالالف وذوالنون وغیره وذوالمدات بنگارند بعد از ان در جدول موازین وحدانیات در وحدانیات ثنائیات در ثنائیات وخماسیات در خماسیات وصوامت ونواطق ومفردات فوقانی بنقطه وتحتانی بمثل جدول مذکور واعلی علی وادنی ودنی هر یک را بمنزل خود نویسند بعد از ان حروف بمناسبت هر سه جدول حاصل کرده چهار چهار حروف را بگیرد باین طریق مثلاً در حرف اصول خمسه ذ و ل تا حاصل شد پس غزیری تا ثین است ازین دو حروف شد ند در موازین تا از جمله ثلاثیات است وتشارک بالکل تا با است واگر فتیم وادر موازین شین از جمله ثنائیات است ومشابه شین سین آنست ورا نیز گرفتیم جمله چهار حرف شد ت ش س ب حق چون تا حرف دنی بود در ترتیب سوال اول واقع شده واگر برتبه دنی تا مذکور را می نهادیم ترتیب سوال ساقط می شد بنابران چون در سوال اول بود درینجا نیز اول باشد وحرف شین ادنی است ودر سوره فاتحه نیست اگر حذف میکردیم نقص در مطلب می شد بنابرین در مرتبه دنی نهادیم برتبه شین وسین در علی بود بحال داشتیم چنین شد ت ش س ب حق پس این چهار حروف در سه جدول حاصل شدند باید که این چهار حروف را در جدول اس ملاحظه مراتب امهات واعداد الحروف نویسد چنانچه درین جدول نوشته شد ومقصود از جدول اصول

ت	۱۴۱	۵	۱۳
س	۱۲۰	۳	۵۱۶
ب	۳		۱۲
ش	۳۶۰	۹	۵۱۳

چنانچه در دور دایره نوشته
حروف این جدول که اربع
نماید چنانچه نوشته شد
ن ب ج ب ی ش ط ح

النسبت النفسانیه احتمال اعداد ات
اما طریق تفصیل امتزاج آنست
رکن ثابت شده بنویسد و خالص
ت ات ه د ی س ک ق ج و ی
ی ل خالص ت ا ه د ی س

ک ق ج و ن ب ش ط م ا پس این حروف اصل است بمثابه امهات و در دایره چهار طرف است که هر طرف بمراتب خمس وسدس وثمن الی نهایت عشر مثبت است سوای تضعیف وتنصیف محازی هر مرتبه عدد حروف وعدد آن مرتبه نگاشته بالا برده و تقسیم

اعداد فوق یکدیگر بهم رسیده از ان حروف استنطاق کرده الحروف نتایج است واز آن عدد جانب یسری نیز همین قسم عدد است وان عدد را باین عدد امتزاج داده سه قسم حروف پیدا گردد واین نتایج است باید که این حروف مستحصله خالص اربعه رکن را چهار چهار حروف در دایره بدهد وبدستور دایره واعداد حاصل کند واز این اعداد حروف استنطاق کند پس هر یک عدد با عدد یسار خود متشارک اند در هر طرف حروف هر طرف آنرا استنطاق کند در همان طرف که به نسبت حاصل کرده استنباط مدعا کند باین روش یعنی نسبت حرف با حروف بموجب دایره غزیری وموازین اشتراک در ملایمت واتحاد در مناسبت یعنی متشارک بالکل با متشارک بالکل ومتشارک بالبعض با متشارک بالبعض وذوالنون با ذوالنون الی آخره وذوالمد با ذوالمد الی آخره وثنائیات با ثنائیات وثلاثیات با ثلاثیات وخماسیات با خماسیات وصوامت با صوامت فوقانی تحتانی اعلی وادنی علی هذا القیاس این نسبتها به نسبت اشتراک در ملایمت وقطع هر نسبتی از نسبتی بسبب اختلاف در ملایمت وتنافر در طرفی یعنی حروف که حاصل شوند باین نسبتها باشند آنرا قطع کند ودور نماید چون با دایره عمل کند درجای که هندسه نقطه واحد باشد ور الطریق دایره اصول النسبت النفسانیه بگیرد واحد را انفکاک کند تا مثنی ومثالث ومرابع شود ودر مکانی که دو هندسه واقع باشد او را مثالث کند ومرابع ومخامس نماید واز سه هندسه ربع وخامس ومسادس آن هر عدد را به جدول النسبت النفسانیه برده بقواعد منفک اعداد حروفات را متولد کند واز هر جاکه نطق کلام معنوی بود از همان جا بملاحظه موازین وعزایز وقوی واسوس مدعا بر آورده لیکن این بیان تا که از استاد نفهمد بخاطر هر یک نتواند آمد فی الجمله نکته را در بند قلم آورده باقی تمام انواع او سینه بسینه است که در تحریر بقلم نمی آید

فصل چهارم دربیان استخراج که در مرصد آنی مندرج است نیک ترین وجه وخوشترین انواع است بدانکه درین کتاب مستطاب پنج جدول اند یکی مسمی بقوی ودوم بعزایز سوم بموازین چهارم باسوس پنجم باصول النسبت النفسانیه این پنج جداول شدند وهم ازین استخراج اسماء الٰهی است چنانچه مصنف در کتب بیان آورده وهم از استخراج احوال وامور غیبیه میشود حقیقتاً هر کس را که در باطن او چراغ هدایت متجلی کرده همه اسرار منکشف شد اگر خواهد که استخراج احوال بیک جدول کند یا پنج جداول هر دو مستحسن است اگرچه همه جداول به نسبت مقرر است لیکن مخصوص دو جداول که عزایز وموازین باشد برای اشتراک وتشارک بالکل وبالبعض داشته اند در هر امور که این نسبت پیدا شوند نکرده ودرین هر یک استخراج کمال است از اول و آخر از خیر وشر معلوم کند فی الجمله برای دریافت مبتدیان استخراج بیک جدول اصول النسبت النفسانیه در تحریر می آرد هر کس را که بصیرت بهره خواهد شد بهمه نسبتها که بجداول مقرر اند استخراج میتواند کرد اعلم مراد از جدول اصول النسبت النفسانیه مرتبه صغیر حرف است الف لا جزء له است باقی حروف تا ده مرتبه همه حروف در ضمن این ده مرتبه پیدا است هم آحاد وهم عشرات وهم مآت ومراد از مثانی ومثالث ومرابع الف است حرفی که حاصل شود الحروف امهات اند وعدد صغیر الحرف نیز بمرتبه امهات است پس الف عدد را منفک دوکان دوکان کند وهمچنین اعداد در منفک بعضی یک مراتب وبعضی دو وبعضی سه وبعضی چهار وبعضی پنج این از مثانی است ودر مثالث ومرابع هشت تا نه وانچه ازین کم مراتب است همه در ضمن آن بدستور مثانی است دائمی بیان سه مراتب بطریق اجمال میکند که در فهم هر کس قریب الوقوع باشد اولا باید که سوال با طالع وقت ورب الطالع فرد فرد بنویسد وآن سطر را خالص نماید وزیر هر حرف اعداد بنهد واز هر اعداد دو دو اعداد منفک کند وحرف تخلق از آن نماید خواه اعداد منفک

گرده تحلق کند یا از اعداد دو دو حرف تحلق کند همان یک قسم باشد پس باید که در گرفتن حروف تحلق فرد زوج و زوج زوج
برین قسم مستعمل شده بگیرد و ازین حروف سه سطر علیحده علیحده جای ثبت کند سطر اوّل زوج فرد سطر دوم فرد فرد و سطر سوم
زوج زوج باید که حروفات هر سه سطر باین قسم بگیرد اگرچه آحاد عشرات و مآت همه درین آحاد پیداست چون هر کس را بقدر
خود قوتی هست و یک بارگی در فهم آوردن دشوار است بنابر آن می نویسد که این سه سطر حروف آحاد باشد و یک سطر
جامع همه حروف یعنی آحاد و عشرات و مآت از اعداد اصل سطر حروف تحلق پیدا کند پس درین صورت از اعداد آحاد دو حرف و از
عدد عشرات دو حرف و از عدد مآت دو حروف لیکن بملاحظه فرد و زوج و فرد فرد و زوج زوج در نظر داشته باشد و این
سه سطر را که مستخرج از اعداد خواهد کرد همه حروف آحاد باشد و عدد حروف هر یک جهت منظوم کلام معنوی باشد و از سه سطور سه
سطور دیگر از عشرات حروف برآورده سه سطر از مآت حروف مستخرج کند که جملگی نه سطور باشند باید که عدد حروف بمقابله
یکدیگر خود ناظر باشند و بعضی حروف که یک دو مراتب دارد در سطر جامع مساوی در هر مرتبه خواهد بود و حروف متولدات
ازین نوع که در تحریر آورده پیدا کند و تفحص نطق و مبتدا و خبر کند که کلمه حاصل شود و ببیند که این کلمه طالب کدام کلمات است از مام
بهمین قسم از دو کان پیدا کند چون مرتبه منتهی شود از مثالث و مرابع نتایج پیدا کند و ربط کلمه حاصل کند همین قسم از نتایج چراکه درین
جدول ترفع و تنزل و نیز مراتبی و تنزلی اظهار کرده شده و تمام استخراج درین جداول مرصد اسنی است اگر خواهد استخراج آن جمیع
نسبتها جداول که در کتاب مذکور است استخراج احوال ماضیه و حال و مستقبل نماید هر جا که کلام معنوی نطق یافته باشد از آنجا
بملاحظه قوی و غرایز و موازین و انوس بعمل آرد میخواستم که مثالی را بنمایم لیکن اقتضاء وقت فرصت نداد و نیز چیزی را که بزرگان
مخفی داشته باشند خود را باستظهار آن آوردن ترک ادب می شد بنابران یک نوع بوجه احسن در تحریر آورد و ازین قسم
نیست که در احاطه تفهیم و تعلیم بیاید بلکه چون ذهن صاف و طبع درست را به موزات و اشارات اندک و بیش قوتی و
استعداد پیدا شد آنچه که در بیان گفته شد بر تصرف عمل فایض خواهد بود چون غرض داعی بالخیر افاده طالبان است باز
بر سر عمل آمد بدانکه استخراج سطر قسم اول چند نوع است بعضی از آن بقواعد مرصد اسنی تعلق دارد که بیان شد و بعضی
نقل از کتب دیگر که تحلق تعلق دارد می نگارد باید که سؤال را فرد فرد نویسد دو سطر خالص از آن برآرد یکی منصوب و دیگری
معکوس و آن بر دور التحلق نماید حروف مستخرجه را خالص ساخته علیحده بنویسد و در سطرین تحلق بنگرد که کلمه منصوب با منصوب
که دال بر احوال سایل است متلفظ شده یا نه اگر متلفظ شده باشد زیر همان کلمه ترکیب کند و باقی حروف که پیش آن کلمه واقع
شده اند ترفع کند که اقسام قبل ازین بیان شده پس ازین ترفع کلمه که بهم میرسد و بعبارت مرکب میشود بگیرد که بعینه عبارت
در خواندن موزون شود و قس علی ذلک فی کل الطریق فصل پنجم در بیان شواهد مشتمل بر پنج نکته بدان برای شواهد اگر کسی بخواهد پس
بنظر تحلق منصوب و سطر معکوس هر دو را علیحده علیحده با سطر خالص اصل امتزاج دهد کلمه موضوع پیدا شود و اگر کلمه که مطلوب آن کلمه
تقدم باشد در سطر فهم نشود پس باید که ماقبل حروف آنکلمه را ترفع و متواخیه حروف با عداد بهم رساند نکته اول آنست که حروف
تحلق را ترفع کند و هر دو را بایکدیگر امتزاج دهد هر کلمه متلفظ شود بحال دارد ما بقی را ترفع و تنزل او تا دو بینه و به عزیزیه
استخراج نماید و قس علی ذلک نکته دوم آنست که حروف خالص اصل سطر را با حروف خالص تحلق امتزاج دهد البته کلمه منسوب

و مقلوب پیدا میشود که بر حال سایل دلالت خواهد نمود نکته سوم آنست که در سطر حروف تحلق نظر کند که کلمه نطق یافته است یا نه اگر یافته
باشد جای علیحده ثبت نماید بعده این سطر را خالص نموده ملاحظه نطق کند اگر بیابد بهتر و الا باز آن سطر خالص تحلق را بشمار چهار
چهار مطلب سایل کند البته کلمه منصوب و مقلوب با ترفع حرفی و مراتبی و تنزل حرفی و مراتبی و ملایم آن جواب حاصل خواهد شد
نکته چهارم آنست که حروف سؤال را مع زبر و بینه نویسد و اعداد بر واحد زیر هر حرف بنگارد بعده از اعداد آن حرف تحلق
مستخرج کند و آن مستخرج را خالص منسوب نماید و مطلوب سایل ببیند البته کلمه منصوب و مقلوب به ترفع می شود و الا نه حرف
مستخرجه را خالص معکوس کند البته کلمه که بر حال سایل دلالت کند ترفع گویا خواهد شد یا اعداد آن حروف خالصات گرفته
از حروف تحقق و تحلق آن عدد جواب گوید نکته پنجم آنکه سطرهای که از منصوب و مقلوب و ملفوظ حاصل شوند باید که در بر سطور علیحده
فوق و تحت هر حرف را حرف مراتبی از آحاد نهد تا مآت و تحت او از ترفع رتبی و از متلفظ کند و در متلفظ اگر طالب حرف باشد
از بینه آخر اول درست سازد باب پنجم در بیان بعضی فواید جفر جامع و قواعد ارقام این کتاب مستطاب و بیان حروف الحال
و امثلهای استخراج و اصول خمسه فصل اول در بیان فواید جفر جامع بدانکه از امام الجن و الانس چنین روایت کرده اند
که عالم این علم پیوسته ظاهر و باطن خود را از افعال نامشروع و عدنکاه دارد و بکسبی تزکی بذیرده باشد و همگی همت خود به تصفیه قلب
و تزکیه اندرون مصروف دارد تا او بکماهی این علم وقوف یابد و هیچ جزوی از کلیات بر او پوشیده نماند چنانچه هرگاه از امور
غیبیه سایل شود بقوت تصفیه خود ازین علم که الهام عالم تقدیس است جواب با صواب ادا کند دیگر آنکه در هر خانه که صفحه از صفحات
این جفر کبیر باشد اهل آن خانه از مرگ مفاجات و انواع حادثات و بلیات در حفظ و امان آلهی باشند و از برکت آن کاهی مبتلای
آفات نشوند وسعت و برکت و دولت در آنخانه پیدا شود و دزدان در آنخانه آمدن نتوانند و اوصاف ضمیمه اهل خانه بصفات
حمیده مبدل گردد و در هر سفر و حضر همراه باشد همه مردمان آنجا بمراد بیخطر بدان مردم برسد و هر که صفحه از این جفر کبیر برای خود
یا برای دیگری می نوشته باخود دارد یا بدیگری بدهد هر مهمی که داشته باشد هر دو را بین آن صفحه کبیر میسر آید دیگر آنکه آزموده و
مجربست و هیچ وجه من الوجوه شکی نیست که امیری یا پادشاهی که بیست و هشت جزو جفر جامع را نویسانیده در کتابخانه خود نگاه دارد
هرگز زوال و نقصان برای دولت او نگردد اما شرط آنست که نیت او درین عمل محض مطالعه حضرت مهدی آخرالزمان باشد
که فضلای این علم و اکثری اولیای باعمل چنین کرده اند دیگر اگر کسی برای برآمدن مرادات بسته خود هر روز یک بار نظر بر جمیع
اوراق جفر جامع اندازد ان شاء الله تعالی بعد از چهل روز بمراد خود رسد دیگر هر روز بعد از نماز بامداد دویست بار این
اسم را بخواند یا رحمن کل شیء و راحمه بعد از آن نظر بر جفر جامع اندازد البته مرادش حاصل آید و اگر دشمن داشته باشد که بهیچ وجه
من الوجوه او را متصور نیست هر روز بعد از نماز صبح دویست بار این اسم اعظم بخواند یا مذل کل جبار بقهر عزیز سلطانه و یکبار
تمام صفحه را ملاحظه نماید و نظر سوی دشمن کند بکرم الهی مقهور و مندفع گردد بدانکه فواید صفحه اول اگر تمام فرشتگان بنویسند
از عهده آن برآمدن نتوانند و خواص کتاب مستطاب از جمله لا تحصی است که شمه از آن بیان نتوان کرد فصل دوم در بیان
قواعد ارقام جفر جامع بدان که نوشتن و نگاه داشتن صفحات علم جفر کبیر کار بیست دشوار چرا که نویسنده باید که مدام با
طهارت باشد و دست و زبان خود را از منهیات نگاه دارد و اگر صایم بود بهتر باشد بدانکه وضع جفر جامع در اصطلاح علمای

اهل تحقیق دانستن استخراج امور عالم است ووضع در لغت نهادن بود ودر اصطلاح علمای این فن عبارتست از ابجد هوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ که بیست وهشت حروف اند وهر حرف بیست وهشت دفتر وهر دفتر بیست وهشت صفحه وهر صفحه که دریج بدین قانون نهاده شدتا از برای هر حرف ازبیست وهشت کانه ایجاد کرده بیست وهشت صفحه تعین رتبه وعدد خانهای هر صفحه کتاب مبارک مقصد وهشتاد وچهار است وخانه هر صفحه از ان صفحات مشتمل بر چهار حرف حرف حافظ رتبه جزو است تا جزو دیگر یعنی اول حرف حرف حافظ رتبه صفحه است یعنی افاده آن می کند که آن صفحه از کدام حروف است وحرف حافظ رتبه سطر است برهمین قیاس حرف حافظ رتبه خانه است پس جفر جامع بیست وهشت قسم است هر قسمی بیست وهشت صفحه وهر صفحه بیست وهشت سطر وهر سطر بیست وهشت خانه ودر هر خانه چهار حرف هرگاه چهار را دریج ضرب نمایند یکصد دوازده عدد میشود وباز یکصد ودوازده را دریج ضرب کنند سه هزار ویکصد وسی وشش حروف حاصل شود همگی یکدفتر را هشتاد وهفت هزار وهشتصد وهشت حرف میشوند وجمله یج دفتر را بیست وچهار لک وپنجاه وهشت هزار وسیصد وبیست وشش حرف میشوند پس در قسم اول وصفحه اول ودر سطر اول وخانه اول چهار الف است ودر قسم آخر وصفحه آخر ودر خانه آخر چهار غین است تا واضح باشد که در هر سطری توان یافت وحروف در جمله یج حروف قطب است وعدد الف وقطب یکی است وقطب از جای خود حرکت نمیکند وهمچنین این حرف در جمیع حروف تصرف دارد وهر حرفی که هست بدون این اسم نامیده نمی شود ومسمی نمیاید وبعضی استادان فرموده اند که الف بمرتبه حدیث است ولا یتجزی است که جزو جزو نمیشود وهرگاه که مثل وی بروی افزایند مثلین میشوند وعدد حاصل شد این دو عدد را بمسمی می نامند وهر دو یکعدد که در بطن اوست افزایند دال شود وبهمین نهج از ها تا یا که اصل اس الاسوس در همین ده مرتبه است وباقی حروفات در ضمن آن پیداست قیاس نماید ومثال بر نمودن جفر جامع در دایره ده در ده مینمایم تا واضح باشد برین دستور که ده در ده نموده شد ابجد را تکسیر کنند که این را تکسیر اعظم خوانند واسم کبیر وجفر کبیر جامع وعقل فعال ولوح محفوظ نیز گویند وهیچ ترکیبی لایق در عالم نباشد که ازینجا خارج نشوند باید دانست که قمر را در فلک ۲۸ منازل مقرر اند باین حساب جزو وصفحه وسطر وخانه جفر جامع طولاً وعرضاً با قمر مناسبتی تمام دارد وبنابر آن مصحف قمری نامند وان ۲۸ کانه حرف ابجد را بسبع سیاره تقسیم کرده چنانچه هر یکرا چهار حرف میرسند پس جزء اول منسوبات آن ستاره را اقلیم وصفحه را شهر وسطر را محله وخانه را خانه می گویند والله تعالی اعلم بالصواب قاعده دربیان حرف الحال بدانکه حروف الحال سه نوع است چون خواهد که بر احوال خیر وشر کسی اطلاع یابند در هر صفحه وخانه از صفحات خانهای جفر جامع که نام آن شخص برآید تمام آن صفحه مبنی بر احوال خیر وشر ان شخص است یعنی در خانه که نام انشخص است تمام خانه های ان سطر بر احوال حال او دلیل است واز ان خانه انچه مابعد است دلیل است بر احوال گذشته او وانچه که از سطور ان صفحه ما قبل آن است دلیل است بر احوال استقبال انشخص پس ازین هر سه تعیین ماضی وحال واستقبال هرچه که دریافتن آن منظور باشد تمام حروف ان خانها را بنیات گرفته وعدد ان حاصل کند واز ان اعداد حروف حاصل نموده بدایره تکسیر برند وصدر ومؤخر کنند بفضل الهی در آخر سطر تکسیر عبارتی از نظم یا نثر که مبنی بر احوال ان شخص باشد پیدا گردد

قاعده دربیان وتد سطور صفحه جفر جامع بدانکه جمله سطور صفحه بیست وهشت اند از انجمله ده بیوت وتد اند ونه از ان مایل وتد ونه از ان زایل وتد اند پس از ان ده که وتد اند اینست اول و ۴ و ۷ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۶ و ۱۹ و ۲۲ و ۲۵ و ۲۸ وتد خانها بود وان بیوت که مایل وتد بوند اینست ۲ و ۵ و ۸ و ۱۱ و ۱۴ و ۱۷ و ۲۰ و ۲۳ و ۲۶ ونه دیگر که زایل وتد بود اینست ۳ و ۶ و ۹ و ۱۲ و ۱۵ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۷ پس عامل را باید که بوقت عمل بدین حساب خذ بیوت نماید واعداد بینه وضابطه ملک عشره کامله بنظر دارد

فصل چهارم

دربیان مثلهای استخراج جفر جامع وان مشتمل است بر ... انواع نوع اول بدانکه قواعد استخراج احکام جفر جامع انچه علماء این فن در رساله‌ها مذکور کرده اند افزون از هزارات بنابر ضرورت هفت قاعده از ان تشریح واظهار فرموده اند اول آن غالبیت خصمان ومغلوبیت ایشان نظر کنند بعده در صفحه

۱۱۱۱	۱۱۱ب	۱۱۱ج	۱۱۱د	۱۱۱ه	۱۱۱و	۱۱۱ز	۱۱۱ح	۱۱۱ط	۱۱۱ی
۱۱ب۱	۱۱بب	۱۱بج	۱۱بد	۱۱به	۱۱بو	۱۱بز	۱۱بح	۱۱بط	۱۱بی
۱۱ج۱	۱۱جب	۱۱جج	۱۱جد	۱۱جه	۱۱جو	۱۱جز	۱۱جح	۱۱جط	۱۱جی
۱۱د۱	۱۱دب	۱۱دج	۱۱دد	۱۱ده	۱۱دو	۱۱دز	۱۱دح	۱۱دط	۱۱دی
۱۱ه۱	۱۱هب	۱۱هج	۱۱هد	۱۱هه	۱۱هو	۱۱هز	۱۱هح	۱۱هط	۱۱هی
۱۱و۱	۱۱وب	۱۱وج	۱۱ود	۱۱وه	۱۱وو	۱۱وز	۱۱وح	۱۱وط	۱۱وی
۱۱ز۱	۱۱زب	۱۱زج	۱۱زد	۱۱زه	۱۱زو	۱۱زز	۱۱زح	۱۱زط	۱۱زی
۱۱ح۱	۱۱حب	۱۱حج	۱۱حد	۱۱حه	۱۱حو	۱۱حز	۱۱حح	۱۱حط	۱۱حی
۱۱ط۱	۱۱طب	۱۱طج	۱۱طد	۱۱طه	۱۱طو	۱۱طز	۱۱طح	۱۱طط	۱۱طی
۱۱ی۱	۱۱یب	۱۱یج	۱۱ید	۱۱یه	۱۱یو	۱۱یز	۱۱یح	۱۱یط	۱۱یی

اسم خصوم در جدول اول بنگرد ودر جدول صفحه مقدم که اسم از آن هر دو کدام است اسم که مقدم است غالب واند واسمی که مؤخر است مغلوب اما منصوب ومقلوب اسماء ملاحظه باید کرد وطریق استخراج سایر صفحات انست که از صفحه بنیات اسم مطلوب بگیرد وعدد وستاند یعنی از صفحه مطلوب بنیات به اسم مطلوب بگیرد وعدد وستاند واعداد ایام ماضیه طالب بر انجمله افزاید واز آن کلام برکشد نماید حاصل کلام بیان مطلوب طالب باشد ثانی زمان سلطنت تحقیق از صفحه ۴ ایام از سنه وایام وساعت بیرون آورد یعنی چند سال دیگر وچند روز دیگر ایام سلطنت است ثالث تحقیق ولادت سلطان مجدد وجلوس سلطنت واستیلاء مملکت او را در صفحه زمان تجدد سلطنت نظر کنند وطریق مذکور عمل نماید واز انجا تاریخ نصرت وولادت در مملکت وبقا حیات وزمان موت او بیرون آورد رابع انتقال مملکت از سلطان اولاد وتغیر وثبوت ملک ایشان وفنا حاصل نماید وچون بغیری رجوع شود وتحقیق نماید که از کدام خاندان بر چه صفت در چه یوم ظاهر شود اما صفحه ورثه نظر کنند چون بسلطنت قرار گیرد ودر صفحه سنه وایام رود وبقای وی در زمان او معلوم نماید اما چون تغیری بود در صفحه تجدد سلاطین توجه باید نمود وصفت جهات از جهت معلوم شود خامس تحقیق امراض است که از ان مرض خلاص یابد یا وفات یابد از صفحه اسم مرض نظر نماید از مرکبات کلامی معلوم کند موت مریض وصحت او سادس تحقیق دولت ومحنت وجهات آن تحصیل دولت او از کدام جهات است چون طریق عمل وذکر صفایح معلوم وکرر را مذکور شده دیگر حاجت نیست در صفحه مقصودی که باشد از آن صفحه عمل باید مل حوامل باید نمود از مرکبات کلامی تحصیل مقصود باید کرد منصوبا

منقلوبا وطولا وعرضا وقریبا وبعید او باقی چهار فواید که در ذکر اعمال بود ند درین محل که ذکر استخراج است بیان کردن مناسبت
ننمود لاجرم ترک نمود نوع دوم در بیان دانستن احوال شخصی بروش جفر جامع که از عدد اسم طالب است تاریخ هجرت نبوی
صلی الله علیه وسلم طرح نماید چنانچه از رساله کشف الرموز تعالی راجعت یمن می نگارد تاریخ هجرت که یکهزار و هفده اعداد است تقاعد جفر
جامع که هفتصد هشتاد و چهار جزو است این عدد جزوی را که هفتصد هشتاد و چهار عدد است و از عدد تاریخ که یکهزار و هفده اعداد است
بطرح رفتیم ۲۳۳ عدد باقی ماند و طالب باسم احمد است که ۵۳ عدد است بعد مطروح باقی ضم کردیم ۲۸۶ عدد شد ازین عدد ۲۰۸ که جفر
جفر جامع ۲۸ و ۲۸ که در آحاد جفر است بطرح رفتیم از عدد ۲۰۰ شش بیست و هشت طرح شد و دو شانزده باقی ماند پس این دو شانزده
با ۱۸ عدد باقی ۲۰۰ عدد که بهم ضم کردیم ۲۱۸ عدد عدد ۲۸ طرح رفت ۲۲ عدد باقی ماند این ۶ و ۱۸ عدد را که بهم ضم کردیم ۲۴ شد ۲۸
را از ۳۰ عدد که طرح رفتیم ۶ باقی ماند که حروف واو است پس این باقی مانده را بحروف صفحه نامیم از جفر جامع و هرچه بطرح میبردیم جزو
میدهیم یعنی طرح ۲۸ است که یک یک ۲۸ عبارت از یک یک است پس ازین عدد مرقوم چند ۲۸ یعنی چند جزو مانده است بجندی حروف
ابجدی برسد و شروع بهمین جزو میکند آن عدد که باقی می ماند بعد از طرح ۲۸ یعنی جزو است همان عدد باقی چند عدد باشد و بچندین
حروف ابجدی منحصر می شود همان حرف را منظور داشته بجزو فلاغین شروع کرده است آخر حرف باقی مانده را صفحه جزو فلاغین می نامیم یعنی
صفحه ششمین و آن جزو را فلاغین نام می کنیم چنانچه از این ۲۸۶ عدد ۲۸ ۲۸ بطرح رفتیم ۲۸ طرح شده و ان ششم باقی که حرف واو است
باعث بار شروع بجزو ۱۰ اجزو شد پس حرف یازدهم ابجدی حرف کاف است پس این تقدیر جزو یازدهم و صفحه ششم از جزو یازدهم حاصل آید پس
برای معلوم کردن احوال مجهول شخص مذکور یک ۲۸ صفحه میکشیم از صفحات جفر جامع باین ترتیب کـ و ا ابجد ابجد تمام میکنیم

کـ و ا ا	ل و ب ا	م و ج ا	ن و د ا	س و ه ا
کـ ز ب ب	ل ز ج ب	م ز د ب	ن ز ه ب	س ز و ب
کـ ح ج ج	ل ح د ج	م ح ه ج	ن ح و ج	س ح ز ج
کـ ط د د	ل ط ه د	م ط و د	ن ط ز د	س ط ح د

باید که از حروف صفحه جداول به
نسبتها و تمام آنکه قبل ازین ذکر
یافته بملاحظه بعمل آرد والسلام و
الاکرام وجه اول هذا نوع سوم
اگر خواهد که احوال شخصی معلوم کند

باید که اول سؤال سائل بنویسد و عدد شان از روی جمل بکبیر دو جائی جمع کند و از آن عدد عدد تاریخ هجری نبوی صلی الله علیه وسلم طرح نموده
آنچه که باقی ماند ۲۸ ۲۸ طرح کند هرچه از طرح بیست و هشت باقی ماند حرف همان مرتبه از ابجد برآورده بجای جزو نهد مثلاً هفده عدد
باقی ماند پس حروف هفدهم را بجا جمع کند پس عدد یک را جمع کردیم هشت شد حرف هشتم در ابجد حا است بجای صفحه نهد و همین قسم
هفده و هشت را جمع نموده بجای سطر داشتیم و عدد سطر را نیز جمع کرده بجای خانه گذاشتیم و اگر عدد مجموعی خانه از ۲۸ زیاده باشد
باید که از آن طرح ۲۸ نموده و تتمه آنچه ماند آن مراتب را حرف گرفته بجای خانه نهد و از مطابق فصل انساب وغیره عمل باید و علی
هذا القیاس در هر عمل همین وضع را بجا آرد و بعضی بر آنند که بجای سطر و خانه دو الف مینویسند یا از بینه آن حرف مذکور ثبت میکنند
و بعضی بر آنند که هفده را حرف گرفته بجای جزو نهند و هفت و یک را باز جمع نموده حرفی از ابجد بگیرد و بجای صفحه نهد و نیز آن جمع
کرده را با هفده جمع کنند و حرف همان مرتبه بگیرد و بجای سطر نهد و برای خانه از جمع آن عدد ثلث است یا صغیر باشد حرف گرفته بجای

خانه نهد و به صفحه جامع ببرد که بیست و هشت صفحه حاصل شود و مطالب او درین صفایح مذکور مستتر بود که به مجاهده دریابد و اگر نشان خاطر
نشود بعد ازین حروف ناری و هوائی و آبی و خاکی از صفحات علیحده کرده استخراج نماید و بعد ازین حروف ملفوظی و ملبوبی و مسروری علیحده
کند و استزاج دهد و پس ابعد حروف صوامت و نواطق را علیحده کند و بعد ازین حروف متواخیه و غیر متواخیه نیز برآورده این همه چهار سطر
باید بکرار امتزاج دهد و بشمار هفت اقسام که پیشینیان نموده عمل نماید و بینه مطالب خود تفحص کند البته حال سائل از اول و آخر زایچه و تکسیر
نماید جواب مطابق سؤال خواهد برآید و حروف صفحه را که چهار قسم می کنند اول باربع عنصر دوم ملفوظی ملبوبی مسروری سوم صامت
و ناطقه چهارم متواخیه پنجم قسم چهار سطر حاصل شده باید که نیز چهار سطر را جدا جدا بشمار دو نسبتهائی که قبل ازین ذکر شده بعمل آرد تا چهار
سطر دیگر متولد شوند که جمله هشت سطر خواهد شد و یک سطر امتزاجین چهار قسم پیدا کنند جمله نه سطر میشوند باید که از ابسط ملفوظی ملبوبی مسروری نموده
امتزاج داده مطالب معنوی خود را دران سطرها بنگرد هر جا که افتاده باشد از آنجا به نسبتها که ذکر شده مستخرج کرده انداین دو نوع
مستحسن است والله تعالی اعلم بالصواب نوع چهارم اگر خواهی که احوال خیر و شر همه از جفر بیرون آید باید که سؤال را بسط کنی یعنی جدا
جدا بنویسی و چهار چهار حرف را جدا جدا کنی و هر چهار حرف را بصفحه جامع بدهی پس اگر از آن حروفات سه حروف ماند یا دو حروف یا
یک باید که بلینات همان حرف را چهار سازی و بصفحه حواله کنی وقتی که هر چهار حرف بصفحه داده باشی از جفر باید که حروف همه صفایح
را از ملفوظی و ملبوبی و مسروری جدا باید ساخت چون هر ترتیب را نوشته تمام کنی و جائی که حروف ملبوبی آخر رسد باز و ورقی و چهار
چهار طرح کرده حرف چهارم که پنجم اول باشد بگیری و همین طور از شمار اقسام هفت سطر حاصل کنی و ملاحظه مطالب نمائی اگر تکسیر بر
سطر کنی تا همه از خیر و شر معلوم کرد دانچه باشد بعینه در نظر خواهد آمد و به وقت تکسیر چیزهای بنظر خواهد افتاد که بدیدن آن نهایت تعجب
خواهی ماند باید که از هرچه نیک و بد باشد بدان خواطر نشان سائل کند و خوش آمده و دروغ نگوید نوع پنجم چون سائل سؤال کند باید
که حروف سؤال مفردات نویسد و در آن وقت ملاحظه نماید که طالع کدام برج است طالع و صاحب طالع و مستولی بر طالع و صاحب
ساعت و برج و قمر و مستولی بر قمر از اینها یکسطر سازد و یک سطر حروفات سؤال بعد از آن تمزیج دهد بحروف از کوکب مع بروج اینها را
یکسطر سازد پس اگر یکی باقی ماند افزاید و مکررات دور کند و چهار چهار حرف جدا کند اگر از آخر کلمه از چهار باشد از بینات گرفته چهار در
سازد و بعد از آن هر چهار را به صفحات جفر برد و ملاحظه نماید که در کدام مربع وقوع یافته اگر ماقبل گیرد احوال ماضی برآید و اگر مابعد
احوال مستقبل بدر آید در مربعات جفر یکی نویسد بعد از آن بطرح حروفات بردارد و از زبر یا بینات یا از مداخل صغیر هر حرف طلب
حاصل خواهد کرد و بطبع زیرک میتواند عبارت ساخته که همین جواب سائل باشد نوع ششم آنکه سؤال را خالص نماید و هر مقدار که حروف از
تخلیص بهم رسیده باشد از چهار حرفی صفحه سازد و بعد دیگر یک حرف از صفحات مذکور اخذ باین نماید تا که اصل زمام پدید آید و الا
آخر او مغایر آن اصل باشد و در بعضی اول و اوسط باشد اما اغلب اینست که اواخر آن مخالف از اصل پیدا شد مثلاً چهار صفحه از سطر خاص
سؤال پیدا شد پس حرفی از اولی و حرفی از ثانی و حرفی از رابع همین نمط تمام حروفات صفحات بکنند و مثل سابقه چهار حرفی در صفحه
سازد و از روی انساب که قبل ازین در تحریر آورده مدعا استخراج نماید قس علی ذلک نوع هفتم باید که حروف سؤال را خالص سازد
یا غیر خالص و چهار چهار حرف را ترکیب کند باز الحروف را ملفوظی و ملبوبی و مسروری گرده استزاج دهد و باز چهار چهار ترکیب کنند تا بیوت
حاصل شوند باز همان حروف تیجی که در سؤال آمده آن حروف ناره و هوا و ماء و تراب علیحده نویسد و درین هرچه غالب باشد همان حروف

را مقدم دارد و تقوی آن حرف امتزاج دهد یعنی حرف نار یا باد و حروف آب یا خاک بعد از این همه دو امتزاج را با دو دو حرف
امتزاج دهد که چهار چهار حرف از طبایع حاصل شوند و بیوت معتدل المزاج ترا حاصل کردد باز حروف فنا، مکرر سوال چنانچه بمراتب در سوال
آمده اند متولدات حاصل کنند و بیوت سازد و نقاطهای هر کدام نیز نقاط آتشی را یک حرف سازد و نقاط بادی را دیگر حرف سازد بهمین
قیاس از نقاط بیوت سائر بیوت ها پیدا کند نظره بیوت مستحصله بمراتب جدا بنویسد بعد از آن دو حرف سوال دو حرف نظره بگیرد و حرف
سوال بجای سطر و حرف نظره بجای صفحه و خانه همه درست نموده بطابطه تلک عشرة کامله درست سازد هر جا که کلام معنوی منظوم یابد
از آنجا اقسام سایل شمار د نسبتها که ذکر شده بضابطه تلک عشرة در هر قسم بجا آرد نوع هشتم اگر خواهد از سوال جواب استخراج کند
اول باید که عدد سوال بگیرد و بعده ببیند که اسم سائل در کدام صفحه از جفر جامع است من بعد عدد سوال را بطرح دوازده کرده آنچه
باقی ماند به بروج اثنا عشر حواله کند بهر برجی که عدد رسد جای ثبت کند پس موافق همان عدد که بروج رسیده ابتدای سطر که اسم
سائل در آن باشد شمار نموده یکبیت استخراج نمایند و باقی بیوت در همان سطر ملاحظه کند که مبنی بذات خود نطق دارد یا تقدیم و تاخیر حروف
پس ازین هر قسم باشد بیتها بهم رساند اگر بلا تقدیم و تاخیر نطق ملاحظه شود فهو المراد و الا آنه مطابق مذکور بعمل آرد جواب شافی پیدا خواهد
شد و اگر احیانا ناپید اشود در بیت بترفع یا به تنزل نطق پیدا کرده بگیرد و سعودت و نحوست را از نتایج او معلوم کند و آن اینست که حروف
صفحات مستخرجه را خالص نموده حروف اربع عنصر علیحده نمایند و امتزاج دهد البته کلمه بر نفس و جان و مال سایل خواهد بود دلالة
خواهد کرد و سطر خالص را ترفع نیز نماید و از آن معلوم کند و اقسام ترفع و تنزل همه را در تحریر آورده ملاحظه کند نوع نهم نقل
از حاجی الحرمین حاجی حسن قدس سره آنست نام هر شخصی که در صفحات جامع یافته شود پس در صفحه اسم او وتد و مایل وتد و زایل وتد
استخراج کند اگر درین صفحات مدعا یافت فهو المراد و الا آنه حروف آن صفحات را خالص نموده در حروف خالص تفکر نماید کلمه بر احوال
سایل دال خواهد بود و اگر از حروف مذکوره حروف اربع عنصر و کواکب و بروج برآورده امتزاج دهد البته کلمه که مقوی کلمه سابق خواهد
بود پیدا خواهد شد نوع دهم جواب سوال اگر کسی گوید که فتوح دست دهد یا نه باید که نامش در صفحه هر جزو که یابد آن خانه را بگیرد و فتوح
را عدد کرفته بطرح دوازده دریابد که کدام برج است اگر حمل آید بعده نام در اول خانه سطر جواب بود و اگر ثور آید بدوم خانه علی
هذا القیاس تا دوازده خانه بر هر مقصد بطرح دوازده دریابد و خاصیت هر دو بیابد و اگر از وهم معلوم نشود عناصرات دریابد
و از خواص هر یک عناصر معلوم کند و اگر نیابد حروف خانه مع مقصد را به ربط شش مداخل نموده تکسیر کرده مقصود کلی زود
معلوم شود و تکسیر خواه خالص نموده کند یا غیر خالص اگر بدون خالص کند بهتر نوع یازدهم چون خواهند که احوال مجهول معلوم نمایند
اول نام سایل و نام مادر و نام مطلب از و بپرسند بعده ببیند که نام سایل و مادر و مدعای او در کدام صفحه جفر جامع است وقتی که
صفحات را تحقیق نموده باشد پس حروف ملفوظی و ملبوبی و مسروری از صفحات برآورده جدا جدا وضع کنند چون خواهند که ترکیب کنند
از حروفات هر سه قسم چهار چهار شمرند و حرف چهارم بگیرند تا هر سه تمام شود و اگر یک قسم ماند اعتبار نکنند اول از ملفوظی گیرند دوم
از ملبوبی سوم از مسروری جای ثبت نمایند و ترکیب کنند و بخوانند مجهول معلوم شود نوع دوازدهم هر گاه که خواهد در وقتی از
از اوقات سال بر حالات خود یا بر حال کسی اطلاع یابد که درین سال یا درین فصل یا درین ماه یا درین روز یا درین ساعت
حال نیکی و بدی و معاش و صحت و مرض چگونه خواهد شد یا آن شخص از سفر باز خواهد آمد یا آن دشمن دوست خواهد شد یا نه فی الجمله

هر چیزی که از حالات آینده خواهد معلوم کند باید که اولا مطلوب را مداخل ثلثه ترکیب بگیرد و حروف سازد و پهلوی مداخل بنویسد
دیگر اسم آنکس را که حالات او می بیند مدخل و مخرج ترکیب او بگیرد و بنویسد دیگر صحت مداخل و مخارج طالب و مطلوب باب را یافته مدخل
و مخرج بنویسد مقصود ازین آنست که آنچه حروف از مداخل ثلثه حاصل شده پهلوی هر کدام نوشته اند در زمام کشند که صفحه جامع حاصل شود
آن صفحه باب صحت مداخل است پس آن صفحه را صدر و موخر کرفته بعمل آرد بعده از آن آنچه اول مدخل و مخرج ترکیب او کرفته بود دیک
یک را بسط عددی کند و مداخل و مخارج بسط او بگیرد و حروف سازد و بنویسد و دیگر آنچه اول مدخل ترکیب و مخرج او کرفته بود آنرا
بسط ملفوظی کند و مخرج بسط ملفوظی بگیرد و بنویسد پس نظر کند بمدخلها و مخرجها که جمع آمده باشد هر چه مکرر باشد بیندازد و از حروف خالص
ساخته حالات معلوم و باید دانست که حالات بزبان عربی معلوم میشود اگر مقاصد را بزبان عربی مداخل کرفته باشد و اگر بزبان فارسی
کرفته باشد پارسی و اگر بزبان ترکی کرفته باشد ترکی حقتعالی طالبان حق و یقین را بمقصد میرساند و جهت را بمنتهای همت و انیست
مخصوص کرداند بمنه و کرمه و صورت جدول که در عمل مذکور در بسط عددی بسیار مفید است اینست نوع سیزدهم آنکه حروفات اصول

حروف	ا	ب	ج	د
اعداد	۱۳	۶۱۱	۱۰۳۶	۲۷۸
حروف	ه	و	ز	ح
اعداد	۷۰۵	۲۶۵	۱۳۷	۶۰۶
حروف	ط	ی	ک	ل
اعداد	۵۳۵	۵۷۵	۳۰۶	۱۰۹۱
حروف	م	ن	س	ع
اعداد	۳۳۳	۷۶۰	۵۲۰	۱۹۲
حروف	ف	ص	ق	ر
اعداد	۶۵۱	۵۹۰	۱۵۶	۵۰۱
حروف	ش	ت	ث	خ
اعداد	۱۰۸۶	۷۴۹	۱۱۵۶	۹۱۶
حروف	ذ	ض	ظ	غ
اعداد	۵۸۸	۱۰۵۲	۹۸۶	۱۱۱

خمسه را مقطع نوشته چهار چهار
حروف صفحه جامع ساخته از آن
صفحات بشمار چهار چهار حرف
بگیرد و از آن حروف حل
نماید من بعد آن صفحات را در
جفر جامع که در چندم صفحه آن
صفحه پیدا است و در همان سطرها
بنگرد هر کلمه که متلفظ در آن
سطور شده باشد از ترکیب
کنند که بر حال سایل دلالت میکند
و بعضی تمام حروف صفحات
در تلفظ منظور داشته اند و فرد
بعضی از اول سطر و آخر سطر حروفات
بگیرد و یکجا بر توالی نگاه
دارد و حروف ملفوظی و ملبوبی
و مسروری علیحده نماید و بشمار اقسام طراح که ذکر آن شده حروف را در هر اقسام اخذ کنند و زمام راست نماید و مطالب خود حاصل نماید
نوع چهاردهم آنکه از اصول خمسه صفحات جامع پیدا کنند هر قدر که صفحه باشد آن صفحه ترکیب چهار چهار حروف که هستند بنویسد و هر
سطر را علیحده علیحده ترفع و تنزل و اوتار بالطبع و ملایم که صفت آن گذشته عمل کنند لیکن ازین مثال مدعا بر آوردن هر کدام را

دشوار است الا کسی که خادمان و شاگردان بسیار داشته باشد که تا از برای کثرت تسویدات و مقابله مثال مذکور عاجز و درمانده نشد و بعضی از کلمه ترکیب چهار حرفی چهار سطر درست پیدا می کنند که بر تمام احوال سایل گواه خواهند شد و آن به نسبت حروفات که پیشتر بیان شده و بعضی از مقتدای این فن یک یک زمامات هر صفحات خالص ساخته بر جدول قوی برده جواب سایل بر آورده اند و ابدای نیز بعمل آورده میخواست که مثال مذکور را مطابق جدول قوی بنویسد چون کلام بتطویل میکشید بنابران ننوشت پس آنچه از آن حروفات مستخرج میشود از ترکیب تقدیم و تاخیر درست نماید و اگر در بعضی محل استخراج بجدول مشارکات که موازین باشد محتاج خواهد شد در در مرصد اشنا بفهمد نوع پانزدهم آنکه بعد از وضو و فاتحه و استمداد از فیض ائمه معصومین و صدق صفای نیت و جمع حواس حروفات عبارت مطلب بر کاغذ نویسد و عددش بر آورده بر بروج طرح نماید آنچه که باقی ماند بر گوشه کاغذ رقم زند باز بتحقیق ساعات گذشته و بر برج طالع متوجه شده که از اول صبح امروز تا عین این عمل چند ساعت از روز گذشته و چند برج از افق بر آمده و طالع شده اهم بروج طالع و هم ساعت گذشته را گرفته بیان محفوظ اول ضم کند و عدد صاحب یوم نیز بدست آورده بر محفوظات سابق افزوده ضبط کند و باز هم سایل با اسم مادر سایل مرقوم نموده عدد حروف آن هر دو اسم بهم رسانده بان محفوظ مجموع جمع کنند و از جمله سی و دو سی و طرح نمایند و ملاحظه کنند که چند باقی ماند مثلاً اگر یک باقی ماند از آنکه جدا نمایند و آنگاه در صفحات به بینند که مطلب در کدام صفحه است از صفایح یمین و یسار فرضاً اگر مقصود در صفحه یمین باشد از سطر اول از خانه اول از حروف اول شروع نموده علی الترتیب طولاً تمام آن حروف تا علامت هند که عدد تمام است بر کاغذ علیحده بنوعی که یک حرف دیگر در آن میان بودند نوشت بنویسد بعد از فراغ کتابت این اول که مرقوم شده شروع کند و جمیع این حروف تا پایان در میان حروف مرقومه ماخوذه مطوله مرقوم سازد چون از هر دو ضلع یمین و یسار که در میان نوشته شود سطر درست و نمایان گردد بتامل صادق و اندیشه کامل آن حروف مفرده مرقومه سطر شمرده نشان مناصفه در حاق وسط آن سطر گذاشته تکسیر صدر و موخر بکار آید و در مرتبه سوم یا چهارم در آن سطر چون نیک ملاحظه کند مطلعی غیر از لا و نعم در جواب سوال سایل پیدا گردد و بو شاق از زبان غیب هویدا شود اگر احیاناً بعد از طرح مذکور دو عدد باقی ماند بروش سابق این مقصد در آن صفحه پیدا کند و اگر مثلاً مطلب در صفحه یمین باشد از سطر اول از خانه اول از حروف دویم شروع نموده بطریق مذکور حروفات هندسه گرفته و از ضلع یسار آن صفحه یمین نیز حروف که مقابل حروف دویم باشد اخذ نموده عمل تمام کند یقین که در ثالث یا رابع جواب بشود و فرضاً اگر بعد از طرح سی و دو سی و دو سه عدد باقی ماند و این مطلب نیز بطریق مطالب سابق در آن صفحه یمین باشد از سطر اول از خانه اول از حرف سوم ابتدا نموده عمل مذکور بکار آورد و اگر اتفاقاً بعد از طرح معهود چهار عدد باقی ماند و مطلب در صفحه یسار یافته شود از سطر اول از خانه اول از حروف چهارم شروع کند و تمامی آن حروف بنحوی که یک دیگر در آن میان کتابت کرده شود بطریق طول تا هندسه کتابت کند و باز از ضلع یسار آن صفحه یسری از سطر اول از خانه اول مقابل همان حروف مرقوم چهارم در میان بنهجی که مکرر و مقرر نموده تا آخر بطریق طول رقم زند و در وسط تحقیق علامت تنصیف بکار آورده عمل تکسیر صدر و موخر بعمل آورد و در سطر ثالث یا رابع مطلعی جمیع مراتب طرح از یکی تا سی و دو سی و دو در صفحات یمین و یسار همین هنجار ادوار در کار است اختلاف طبایع و اذهان و تفاوت عقول و عرفان باعث این همه طول و عرض گردید و بیان سخن باطناب کشیده و الا حس قوی و فطرت کامل و طبعیت قابل از هر گونه شرح تفصیل مستغنی است و پوشیده نماند اگر جایی تارک باشد و سایل در اظهار و تکرار نام مادر خود محجوب و ممنوع بوده باشد رخصت است که عامل اسم جلیل القدر خواه حساب کند بسیار واقع شده که مطلع بر آمده و

حاصل شده اما چون بعضی کلمات آن عربی است و مع هذا حروف مفرده و پریشان را مرکب ساختن در قید نظم آوردن کار هر کس نیست بیت انکس که ز شهر آشنایی است * داند که متاع ما کجایی است نوع شانزدهم نام هر مطلوبی که داری به بین که از کدام ملک و از کدام شهر و از کدام محله و از کدام خانه است شهرها را بنا کن و خانه ها را تمام سازد و عمل کن که در آن البته مراد حاصل شود ان شاء الله تعالی میزان ماه شوال روز پنجشنبه ساعت اول شوال از علم بود که حاصل شود یا نه حروف چهار کانه بر دار و به ترتیب بنویس و سطر کن و مرکب سازد مدعا روی نماید و حالات حال و ماضی و مستقبل بگوید از قدم مصحف شمس و طلسمات هندی که مراد از عدد بیوت مطلب است چنان بود که از هر منزل که رقم در وی بود و حروفات آن منزل را بر دارد و از مایل و زایل حکم بر حال و ماضی و مستقبل کند چهار چهار حروف بر دارند و منزل شده و از ابدوره جامع رسانده مدعا ملاحظه کند در هر بیت بعد از آن هر بیت را بقانون چهار ابجد نویسد و کل وجزو و رموزات معلوم کند و فهم نیک نماید و عمل از هر چه خواهد میند که اگر آفتاب باشد منسوب او بردارد و علی هذا القیاس منسوب هر ستاره اخذ نموده استخراج هر چیزی که خواهد مبین سازد والله تعالی اعلم بالصواب

فصل پنجم در بیان یافتن اسم پادشاه و قواعد اصول خمسه و امثلها و استخراج نقلاً از کتب معتمد علماء این فن مشتمل بر سی انواع نوع اول در بیان یافتن اسم پادشاه که ملک و سلطنت بر کدام قرار گیرد باید که از اصل اس الاسوس که عبارت از عدد لا اله الا الله و عدد محمد رسول الله ملاحظه کند چنانچه عدد لا اله الا الله یکصد و نود و چهار عدد و است به مضاعف سیصد و هشتاد و هشت عدد میشود و عدد محمد رسول الله سه صد و هشتاد و هشت عدد و رسول الله سیصد و شصت و دو عدد محمد رسول الله چهار صد و پنجاه و چهار عدد و اصل الاسوس همین عدد است و آنچه الله تعالی خلق گردانیده است ببرکت این اسم اعظم بوجود آمده است اگر خواهی که نام آینده پادشاه و پادشاهزاده از روی تسلیم و تفویض سلطنت و نسبت تخت خلافت نمائی بنگر که نام آنکس بعد مرابعه مطابق اعداد اسماء اعظم میشود یا نه اگر می شود اطلاق پادشاهی بروی توان نمود و اگر نشود از جمل اعداد از یک تا نه طرح کنند یا از یک تا دوازده که از بروج گردانا زیاده موافق شود همان مالک شود و بعونه تعالی نوع دوم در بیان امثله اصول خمسه متضمن بسه اقسام قسم اول بدانکه درین علم اصول خمسه ابغایت اعتماد داشته اند از اعداد اسم و کنیت و لقب و طالع و صاحب طالع هر آینه این پنج اصل گزیر نیست و بعضی ائمه این فن بر این عمل کرده اند آنچه بدین احقر رسیده از آن پنج امثله مطابق خمسه مذکوره نیز طلبکار و چرا که اصول خمسه پنج است بنا بران به پنج امثله بیان می نماید چنانچه دو از آن در امثلها جفر جامع بالا ذکر شده است و سه قسم دیگر باقی درین محل ذکر میکنم تا که طالبان بصیرت را خوشوقتی تمام حاصل شود باید دانست که اصول خمسه بر پنج قسم است اسم و لقب و کنیت و طالع و صاحب طالع و اسم عبارت از آن چیز که شخص از آن مشتهر و نامور بود و کنیت عبارت از آنست که نسبت ابوت و بنوت دارد یا نسبت شهر که مولود در آنجا باشد و یا غیره و لقب عبارت از آنست که معرف حال شخص باشد و طالع آنست که مبدء کلیه احوال او از وضع آن پیدا شود و صاحب طالع آنست که مدار احکام ذات و صفات شخص به و تربیت یابد اگر چنانچه لقب و کنیت او بنام پیر بزرگ تبرا و وضع کنند و الا بنگرد که از قدما هر که برین نام بوده است کنیت و بچه گونه است وضع فرموده اند تا دستور العمل خود سازد و بعضی ائمه بر آنند که طالع وقت و رابع و سابع و عاشر و اسم سایل مع امش استخراج مقاصد میکنند چنانچه هر امثله تحریر این مختصر به هر دو مناسبت قسم دوم در بیان استخراجات احوال آینده و استکشاف امور ماضیه شروع کنیم که معظم ترین دقایق این فن است هر طایفه بنوعی خاص استخراج نموده اند و ضابطه دقیق را اشاره فرموده اند اما آنچه اخص الخاص باشد و اعتماد را شاید ذکر خواهد نمود بر وجهی که بکمال اصول و وضوح و غایت فتوح داشته باشد بدانکه از اصول خمسه زمام مقطع سازد و آنرا بسط ما فوقی

نماید و عدد کبیر دو وسیط و صغیر کبیر دو حرف پهلوی آن ثبت کند و دران حروفها بنگرد که از مدخل کبیر و وسیط و صغیر کدام لفظ پیدا میشود که دال بر
سایل باشد اگر باین قسم حاصل شود فهو المطلوب جای ثبت نماید و اغلب که همین جواب بحسب مدعا حاصل میشود و اگر صاحب استخراج ایمای باشد
میتواند بر آورد و دومین هرچه از بسط حروف حاصل شدند آنرا زمام ساخته آخر و حروف مدخل مثلثه ملحق نموده باب درست نماید و باز آن اصول خمسه را
بسط عربی کند اگر سوال عربی بود و اگر فارسی بود فارسی و علی هذا القیاس و عدد مدخل کبیر و وسیط و صغیر از بسط عربی حاصل کرده حروف پهلوی ثلثه مندرج
نموده باب از حاصل بسط عربی بدستور بسط لفظی درست کند که جمله شش مداخل خواهند شد پس حروفات هر دو سطر را امتزاج داده ملفوظی و ملبوبی
و مسروری علیحده کند و بشمار چهار چهار از اقسام سبعه حروف بکیرد و پهلوی یکدیگر نهد و طلب مدعا نماید و درین بسطها نیز ملاحظه نطق مدعا کند قسم
سوم آنکه حروف اصول خمسه را فرد فرد نویسد و حروف را هفت هفت مرتبه بسط کند و لا بسط ملفوظی و ان حروف را کبیر و وسیط و صغیر کرفته مداخل بر آرد
و از ان حروف مخارج سازد و علی هذا القیاس هر حرف را بسط زبر و بینات کرده بحیثیتی که جامع و مانع باشد یعنی مقطعات خود را جامع و غیر خود
را مانع چنانچه الحروف را بسط ملفوظی کند که در کیرنده زبر و بینه است و عدد مجمل کبیر کرفته و مداخل ثلثه را نیز حاصل کرده استنطاق حروف کرده
باز بهمان حروف را بسط عربی کند و تعداد کرفته مداخل کبیر و وسیط و صغیر حاصل ساخته بشمار چهار چهار که در دور مدعا درست است حروف همان
سطر آینده حروف صد باب راست نماید و درین باب بفکر مدعا نماید و بعضی آنرا از جدول فوقی استخراج می نمایند باید که زمام هر دو قواعد را
خالص کرده یکجا ولی بنسبت النفسانیه برده مطالب خود را باید نوع سوم آنکه اصول خمسه را تکسیر نماید چندان زمام اصل بیرون آید پس صدر تکسیر
زمام را کیرد و تکسیر نماید تا آخر که زمام اصل باز آید و بعده نظر کند در سطور تکسیر هر جا که کلمه منصوب و مقلوب که موافق احوال سایل بود تکسیر دوم
ان منصوب و مقلوب بود صدر و موخران تکسیر کرفته نیز تکسیر نماید و در آن سطور چیزی که حاصل شود از کلمات مرکبه البته از مطلب طالب حکایت کند از
گذشته و آینده نوع چهارم آنکه در سطر سوال هر جا که کلمه منصوب و مقلوب افتاده باشد ببیند که بر حال دلالت میکند بهتر و اگر نه افتاده باشد پس ملفوظی
و ملبوبی و مسروری نموده امتزاج دهد باز از ملفوظی و ملبوبی و مسروری کرده امتزاج دهد باز مرتبه سوم ملفوظی و ملبوبی و مسروری کرده امتزاج دهد
بعده درین سطور نگاه کند که کلمه های منصوب و مقلوب تقلیب بعض با بعض چند افتاده است اگر این قسم باشند و بر حال سایل موافقت
کند پس جواب کوید و در امتزاج ملاحظه کند اگر ازین قسم ثلاثه یکی آخر شود باز دور دهد که تا هر سه اقسام در امتزاج متساوی ابتدا کرکی از آن هر سه
سطر را تکسیر نماید تا جواب احوال از ماضی و حال و استقبال و عاقبت العاقبه مفصلا معلوم کند و اگر هر چهار سطر را بسط ملفوظی کند خالی از
صواب نیست باید که اینهمه حرفها را در عمل آرد تا در حکم متردد نباشد و اگر کلمات بی معنی نیز افتاده باشند پس آنها را بترفع و تنزل مراتب و اوتار یا بشمار اتفاقی
که مذکور شده یا بنسبت عدد حروف یعنی انچه عدد آن داشته باشند بمطابق همان عدد شمار کرده از کلمات بی معنی کلمه با معنی حاصل کند نوع پنجم آنست
که حروف سوال را فرد فرد نویسد باز الحروف را بسط ملفوظی کند و از ان بسط حروف ملفوظی ملبوبی و مسروری علیحده نویسد و قتی که این هر سه قسم را
بنویسد پس ببیند که حروف زیاده ازین اقسام ثلثه کدام قسم اند هر سه قسم را که حروف زیاده بود پس بشمار چهار چهار از آن اقسام شروع نماید یعنی اول
از قسم ملفوظی دوم از قسم ملبوبی سوم از قسم مسروری حروفها بدین قسم اخذ نماید و سطر درست سازد و کلمه منصوب و مقلوب پیدا میشود که بر جمیع سائل
دلالت میکند باید که درین صورت بشمار هفت اقسام که قبل ازین بیان شده بجا نمی آید پس ازین بشمار هفت سطور حاصل خواهد شد و از هر سطر
جواب مجهول را معلوم خواهد نمود که این نوع را بدو وجه عمل نماید یکی حروف بسط را با امتزاج دوم بدون امتزاج و نزد بعضی تمه سوال را
بسط ملفوظ نموده خالص کرده بشمار چهار که پنجم از اول باشد چهار سطر دیگر پیدا می کند و از متلفظات آن سطور جواب سائل میکوید و نوع ششم

آنکه علی بن جعفر ختم الله علیهم بالظفر قاعده استخراج متضمن القواعد عام الفواید مستنبطاً و مستقیناً بجهت افاده مستفیدین المرشدین و متلمذین که
المطلوبین این فن شریف در علم منیف تسهیلا و تحقیقا برین وجه قرار داده اند که اسم سایل مع اسم مسئول بحروفات منفرده ارقام نموده بموجب اصطلاح
ایشان خالص نماید و از حروفات مخلوصه عدد ابجد هر حرف را در اعداد موضوعه قریب بیند ضرب نموده حاصل مضروب و مضروب فیه را علیحده بشمار
برین منوال تمام حروف مخلوصه مذکوره بعمل آورده آحاد را بعشرات و عشرات را بمآت تا یکی از آحاد و ثانی از عشرات و ثالث از عشرات و آخری از
مآت تا بر وکلا متکلم مقصود از ترکیب اینها بظهور آید و اگر برای تتمه کلام صریح و عبارت ملیح که بعد از ترکیب حاصل شده حرفی در کار باشد
باید در عددی که مربوط کلام مذکور نیست ملاحظه نماید که آن عدد در چند مرتبه است پس موجب شمار مرتبه عدد از حروف تهجی حرف بکیرد و بحروف
شان نزده لاحق نماید متلفظ و گویا کند و بقواعد استخراج تعمیم است تخصیص نیست حتی که کوهر مقصود از الفاظ مفهوم کردد خواه از زبر و بینه
و غیر بینه ملایم بالطبع و غیره الی انتهی القواعد لیکن مناسبت را مرعی داشته کلمهای متلفظ را بی تکلف تصرف ترتیب داده مصرعی مشغوف *(margin: بیت مشغوفت)*
و نثری مطبوع بر منصه ظهور آرد نوع هفتم آنکه نام سایل و نام مطلوب و نام مطالب جیبی که مطلب میخواهد هر یک را علیحده علیحده بنویسد
و عدد مدخل کبیر و وسیط کبیر و صغیر کرفته حروف حاصل نماید و حروف همه مداخل یکجا کند و سطر سازد و بعده در سطر مذکور بنگرد که کلمه منصوب *(margin: مجموعی و وسیط کبیر و صغیر)*
یا مقلوب افتاده است پس ترکیب کند و اگر ازین تسکین خاطر شان سایل نشود باید بدین نوع شمار نموده حرف را از سطر بکیرد مثلاً
ا ب ج د ه و ز ح اول الف است نوشتیم بعده ب ج د را طرح نمودیم ه را نوشتیم علی هذا القیاس در هر قسم شمار بعمل آرد تمام سطر شمار
را عمل قوی نموده بزبر و بینه منصوب یا مقلوب کویا خواهد شد و اگر ازین هم تردد باقی ماند آنکه هر حرفی سطر شمار را عمل قوی نموده
بزبر و بینه آن جواب کوید و نزد یک بعضی سطر سوال را با حروف مخارج بسط ملفوظی کند و از آن بسط حروف ملفوظی و ملبوبی و مسروری
کرده امتزاج دهد و قسم شمار را که بیان شد نیز بعمل آرد تا هفت سطر ازین هفت اقسام متولد کند و مطالب خود را بجوید و اگر حروف
مستحصله مداخلات را بالطبع خواه رتبی خواه انفرادی یا ازواجی عمل نماید خالی از صواب نیست نوع هشتم بدانکه عامل را باید که حروف
نام سایل و حروف سوال و حروف طالع و رب الطالع و حروف سابع و رب السابع و حروف عاشر و رب العاشر و حروف رابع و رب
الرابع و حروف محل آفتاب و حروف محل ماهتاب و حروف ماهتاب و حروف ساعت و رب الساعت اینهمه حروف را
بنویسد بعد از آن مکررات طرح کند و ببیند که جمله چند حروف مانده اند بعد از ان بقاعده ترفع و تنزل و اضعاف عددی و بقاعده
تقویم و تخمین زبر و بینه و اوتار بقراین که اقسام آنها قبل ذکر شده مطلب استخراج کند آنچه احوال خواهد شد روی خواهد نمود بمنه و کماله
کرمه تعالی نوع نهم اگر خواهد از احوال کسی مطلع شود باید که حروف سوال را با نام سایل فرد فرد بنویسد و خالص کند و زیر هر حرف
عدد بکذارد و از اعداد هر حرف عمل ثلاث رفعات کرده جدول آن بعد ازین برای وضوح بیان کنیم حروف مستخرج کند بعد ازین که
حروفات را خالص نماید و سه طریق عمل نماید اول آنکه آن سطر خالص را تکسیر کند و دوم آنکه از سطر امتزاج اقسام ثلثه چهار چهار قسمی که بیان
نموده شد بشمار دو سطر درست سازد و جواب منصوب یا مقلوب ترفع یا تنزل حرفی یا مراتبی از کلام معنوی تفحص نماید و در سیر منصوب و مقلوب
و طول و عمق بنگرد و اگر در سطر غیر تکسیر کلمه منصوب یا مقلوب افتاده باشد و محتاج بکلمه دیگر یا حرف دیگر باشد باید که بترفع و بینه عبارت درست
سازد سوم آنکه سطر سوال را تخلیص نماید و در سطر خالص بنگرد که در و چند حروفات افتاده اند همان حروفها را درین جدول ببیند که از هر حرفی
سه حرف متولد شده اند و آن سه حرف را ازین جدول بر آرد و جای ثبت نماید و نسبت سه حرف دیگر بهم سازد بعده آن سه رابع حروف نسبت

ترتیب دهد دال بر احوال سائل خواهد بود و ثلاث رقعات نزا گویند که هر حرف را با بسط ملفوظ کند و از عدد آنحروف مخارج نماید بر
و بینه عدد گرفته حروف مخارج کند و بازبینهٔ آن حروف را با بسط ملفوظ کند و از عدد آنحروف مخارج کند که این سه قسم مع اول بسط شد

جدول این است نوع دهم همه اولیا
بدین قانون که بیان میکنم از خیر و شر
و قبض و بسط و حیات و ممات و عزل
و آنچه در موجودات مخفی بود مطلع شده
اند چنانچه امام محمد باقر رضی الله تعالی عنه
بدین قانون در بسط تکسیر اسم خود و اسم
خلیفه عهد و قسر از خود مستخرج دیده اند
بدین واسطه در کوه لبنان متواری بوده
کیفیت این چنان باشد بسط کند
حروف مدعا را و یا اسمی خواهد و بسط
اسمی عبارت از تلفظ حروف پس
باید که ملفوظی و ملبوبی و مسروری جدا جدا
ثبت کند بعد از آن چهار چهار حروف
شمرده حرف رابع بگیرد و جدا ثبت
کند و باقی هر قسم در تحت هر قسمی ثبت
نماید و اگر یک قسم باشد در و دهد
پس آنچه از اقسام ثلثه حاصل شود امتزاج
دهد بدین ترتیب که حرفی از ملفوظی و
حرفی از ملبوبی و حرفی از مسروری
بیامیزد و اگر بسیار بود خلاصه
سازد و اگر کمتر از هفت حرف بود
جنس گیرد و داخل کند که از آن
کلام مدعا دریابد و اگر نیاید تکسیر
نماید و از سطور تکسیر ادراک مدعا
کنند و اگر دو حرف دو قسم در

الف	با	جیم	دال	ها	واو	زا	حا
۱۱۱	۳	۵۳	۳۵	۲	۱۳	۸	۹
ای ق	ج	ج ن	ه ل	و	ج ی	ح	ط
الام فا	الالف	الیامیم	الالف لام	الالف	الالف واو	الالف	الالف
۱۵۳	۱۴۲	۱۳۴	۱۱۳	۱۴۲	۱۵۵	۱۴۷	۱۴۲
ج ن ق	ب م ق	ب ل ق	ب ل ق	ج ی .	ب م ق	ه ن ق	ب م ق
طا	یا	کاف	لام	میم	نون	سین	عین
۱۰	۱۱	۱۰۱	۷۱	۹۰	۱۰۶	۱۲۰	۱۳۰
ی	ای	اق	اع	ص	د ق	ن ق	ل ق
الالف	الالف	الالف	الالف میم	الیامیم	الواو نون	الیانون	الیانون
۱۴۰۲	۱۴۲	۲۲۳	۲۲۳	۱۲۱	۱۵۰	۱۴۸	۱۴۵
ب م ق	ب م ق	ج ک .	ب ل ق	ب ل ق	ن ق	ح م ق	[illegible] م ق
فا	صاد	قاف	را	شین	تا	ثا	خا
۸۱	۹۵	۱۸۱	۲۰۱	۳۶۰	۴۰۱	۵۰۱	۶۰۱
اف	خ ص	اف ق	ار	س ش	ات	اث	اخ
الالف	الالف دال	الالف فا	الالف	الیانون	الالف	الالف	الالف
ب م ق	رع ق	ج ک .	ب م ق	ح م ق	ب م ق	ب م ق	ب م ق
۱۴۲	۱۷۷	۴۲۳	۲۴۲	۱۴۸	۴۲	۱۴۳	۱۴۲
ذال	ضاد	ظا	غین				
۴۳۱	۸۵	۹۰۱	۱۰۶۰				
ال ذ	ه ض	اط	س غ				
الالف ام	الالف ذال	الالف	الیانون				
۲۱۳	۱۷۷	۱۴۲	۱۴۸				
ج ی .	رع ق	ب م ق	ح م ق				

امتزاج تمام شود ثالث اعتبار نبود مگر بقرینه عمل نوع
یازدهم در تکسیر بجهت تقول منقول است که حضرت
امام رضا علیه التحیة والثناء گاهی چنین عمل
می فرمود که حروف نیت را بوفق ترتیب ظاهر
مفرد ترقیم نموده اند و تکسیر کرده اند و مدعا می یافتند
چنانچه کیف امر الرضاع مع المأمون را مفرد

نوشته تکسیر کرده اند مقصود بحصول پیوسته گاهی بروش انفصال حروف ملفوظی و ملبوبی و مسروری چنانچه ذکر شد نوع دوازدهم اگر خواهد
که جزویات و کلیات عالم مطلع شود باید که نام طالب و مطلوب بنویسد و زیاده عبارت آرای ننماید چرا که نزدیک بعضی ائمه این فن طالب
و مطلوب را منظور داشته اند بعد از آن بدین نوع امتزاج منصوب دهد و دو حرف از اسم طالب و دو حرف از اسم مطلوب تا آخر پس از آن بسط
تلفظ کند و هرچند که در آن بسط حروف احاد و عشرات و مآت و الوف آمده باشند هر یک را بترتیب ابجد علیحده علیحده بنگارد و بعضی حرفی که مقدم
باشد آنرا مقدم نویسد من بعد این سطر را امتزاج مقلوب نماید و خالص کرده مطلب خود را بفهم زیرک دریابد و اگر تکسیر نماید از کلیات و جزویات
احوال سایل خبر دهد لیکن و تکسیر فکر تمام نماید که ناقص نشود و حروفات خالص را تکسیر کند پس هر قدری که حروف باشند همان مقدار حروف از سطر طول آنکسیر
گرفته هر یک طولا علیحده علیحده تکسیر نماید پس هر قدری که حروف باشند همان مقدار تکسیر از سطرها طولا پیدا خواهد شد و از هر تکسیر یک مصرع یا نثر خواه
منصوب خواه مقلوب بر می آید باید که با دراک تمام ترکیب دهد و گاهی کلمه مجوفی افتد که چهار پنج جا تکرار می باید از و کلمه دیگر متولد میشود منظور داشته اند
اگر بحسب مطلوب باشد و اگر خواهد که حکم مطلق کند باید که هر سطر طولا ملفوظی و ملبوبی و مسروری علیحده علیحده کرده امتزاج داده تکسیر نماید که
اقسام مطالب بهامی بر آید و بعضی از متاخرین دو سطر در عرض از تکسیر گرفته امتزاج داده تکسیر می کنند و استحصال جواب می نمایند والله اعلم بالصواب
نوع سیزدهم چون خواهد که از نیت سایل جواب بر آرد اولا حروف نیت را فرد فرد نویسد و شمار کند که چند حروف اند همان مقدار الحروفات
مرقوم کند هم ابجدی و اتبثی هر دو قسم را یکجا آرد موافق مطلب آنچه میخواهد یک کلمه یا دو کلمه هم میرسد ازین اعمال استخراج جمیع مطالب تحقیق نموده اند
این عمل از خفیات اعمال است متقدمین این مجمل را اکبر المطالب گویند نوع چهاردهم اکثر ائمه این فن بجواب هر سائل ابد و وجه گفته اند و الحال
معمول علماء متقدمین است چنانچه ضعف این بقوت در اکثر خود کم و بیش میکارد و تمام سایل و آنچه مطلب باشد آنرا فرد فرد نوشته بحال خود تمام
و جدول موافق الحروف درست نماید و غرض از مقصد سطور اساس که از آن ده سطر است آن خالص سطر را بر ترتیب ابجد و اثبت بر دو
یعنی هر حرفی که مقدم آمده باشد مقدم نهد و هر حرفی که در سطر سوال نیامده باشد بنویسد علی هذا القیاس و اساس یازده سطر اند و دو انظیره الله
و آن اساس را مستحضره نیز گویند بعد ازین بیان در آنجدول خواهد کرد ملاحظه نماید باید که بدین روش ده سطر از خالص سوال و ده سطر
از اساس بعد از آن این یازده سطر را علیحده علیحده ملفوظی و ملبوبی و مسروری نموده امتزاج دهد هر سطر را جدا جدا بنویسد که یازده سطور این
سطور مذکور نیز پیدا می شوند جمله بیست و دو سطر خواهند بود یازده از اساس و یازده از ملفوظی و ملبوبی و مسروری من بعد یازده سطر که از
ملفوظی و ملبوبی و مسروری حاصل شده اند از هر واحد یک یک سطر علیحده علیحده بشمار در جا جا ترتیب کند که بیان شما قبل این ذکر یافته پس
جمله سی و سه سطور حاصل شدند مع سطور سوال یازده سطر و از اساس یازده سطر و از ملفوظی و ملبوبی و مسروری یازده از شما باید که در سطور تکسیر
که کلمه منصوب و مقلوب افتاده دلالت بر چه میکند اگر بر حال سایل دال است فهو المطلب و باقی در ترکیب خواندن نیاید باید که موافق
نسبتها که بیان آن قبل ازین یافته بعمل آرد که از اول و آخر بر حال سایل دلالت خواهد نمود وجه ثانی آنست که سوال نموده حروفات
از خالص سازد و هر حرف که در سطر سوال تکرار آمده باشد و هر مقدار که نسبت از روی رتبه در ذات خود پیدا کرده باشد زیر همان حرف
بهمدسته نشان سازد و دیگر انساب از روی جدول اساس و نظیره هر جا که الحرف واقع باشد همان مراتب را با بسط بگیرد و تحت الحروف ثبت کند
و از سطر تکرار سوال یا خالص حروفات موافق انساب که پیدا شده بگیرد منصوب و مقلوب جواب بر آرد اگر احیانا از سطرین جواب بر نیاید که از
دو انساب الحروف و فما از دوایر عشره حروف اقتباس نماید و عمل هر دایره علیحده کند و هر جا که کلمه سقم بود و موافق انساب که قبل ازین بیان شد بعمل آرد

نوع پانزدهم آنکه برای معلوم
کردن احوال غایب سؤال را
فرد فرد نویسید و در آن روزی
که عمل کند نام آن روز و ستاره
آن روز نیز نویسید بعد از آن همین
سطر سؤال را امتزاج نموده ترفع
حرفی کرده خالص نماید و از حروف
خالصات حروف ناری و هوائی
و آبی و ترابی علیحده کند و این چهار
طبع طبع که غالب باشد از آن
امتزاج و مسرور و ملبوبی و ملفوظی
نموده امتزاج داده حروف
متواخیه بر آورده علیحده نویسید
و غیر متواخیه را نیز علیحده نویسد
بعد از آن حروف تواخی و غیر
تواخی را بدون امتزاج تکسیر نماید
و تکسیر دیگر امتزاج و با نظر
ممتزج متواخیه و غیر متواخیه را
ملفوظی و ملبوبی و مسرور کند و
امتزاج نموده تکسیر کند که تکسیر
شود ان شاء الله تعالی و در

دایره	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
ابجد	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
دایره	ا	ب	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
ابتث	ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	ل	م	ن	و	ه	ی
دایره	ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل	ش	د	م	ت	ه
ایقغ	ن	ث	و	س	خ	ز	ع	ذ	ح	ف	ض	ظ	ص	ط
دایره	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب	د	ی	ن	ص	ت	ض
اهطمفشذ	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	د	ح	ل	ع	ر	خ	ع
دایره	ا	ج	ذ	ش	ظ	ق	ن	ب	ح	ر	ص	ع	ک	د
اجذش	ط	خ	ز	ض	ع	ل	ه	ت	و	س	ط	ف	م	ی
دایره	ا	ر	ع	ی	ب	ز	ف	ت		ق	ث	ش	ک	ج
ارغیب	ص	ل	ع	ض	م	خ	ط	ن	و	ظ	و	ذ	ع	ه
دایره	ا	ح	ز	ط	ق	د	ت	د	ش	ع	ل	ی	ج	ز
احزط	ض	ف	ن	ب	خ	س	ظ	ک	ه	ث	ذ	ص	غ	م
دایره	ا	ث	خ	ز	ش	ط	ع	ک	ن	ی	ت	ح	و	س
ثخز	ض	ع	ق	م	ه	ب	ج	د	ز	ض	ظ	ف	ل	د
دایره	ا	و	ک	ع	ش	ض	ج	ح	م	ص	ث	غ	ه	ی
اوکع	س	ر	د	ب	ز	ل	ف	ت	ظ	د	ت	ن	ق	خ
دایره	ا	و	ر	ی	م	ع	ق	ت	ذ	غ	ج	و	ظ	ل
هری	س	ص	ش	خ	ط	ب	ه	ح	ک	ن	ف	ر	ث	ض

هر جدول جواب خواهد بر آمد و درین عمل سه تکسیر قرار داده شده اند ازین جهت که در حکم استخراج هیچ تردد نباشد پس باید که در استخراج نیک تامل کند و در بر آوردن جواب تکسیر بیان آن قبل ازین ذکر شده بدان نهج بر آرد و اگر درین سطور که تکسیر کرده کلام منظوم نشود با قسام نسبتها که بیان یافته بعمل آرد والله اعلم نوع شانزدهم چون خواهد که از سؤال سائل جواب بر آرد اولا سؤال را بنویسد و از سطر سؤال حروف مکررات هر قدر که آمده باشند علیحده ثبت کند مثلا ده تی و چهار الف علی هذا القیاس بعده سطر سؤال را خالص نموده از اول حرف سطر تا آخر او با حروف سطر مکرر ضرب کند و آنچه حاصل شود زیر آن عدد نویسید مثلا در سطر خالص یکی یا است و در سطر مکرر ده تا پس یک را ده ضرب نموده همان یا حاصل شده و حروف حاصلات ضرب را در حروف سطر خالص ممتزج کند و آن امتزاج بدین وجه است که دو حرف از سطری حاصل

ضرب حرفی از مکررات با خالصات بگیرد آن حروف خواه اول آن حروف ضرب نهد خواه در وسط یا در آخر پس بعد ترکیب نماید و اگر در ترکیب نماند تلفظی آمده باشد یا در کار ربود پس بلند جائی که کلام ترکیب یافته باشد از نجا ترفع حرفی و مراتبی و تنزلی که نسبتها بیان شده بعمل آرد قس علی ذلک فی کل نسبته نوع هفدهم سؤال را عدد گرفته از تاریخ هجری طرح کند و اگر عدد سؤال بیش بود عدد تاریخ از آن کم کند و آنچه باقی ماند از عدد باقی حروف کبیر دو آن حروف را در جدول نسبت النفسانیه بصور حسابیه که مفاصل است بر دو ملاحظه دعا کند نوع هیجدهم در اعمال استخراج بدانکه نزد بعضی استادان این وجه نیکوترین وجوه است در انضباط آوردن هر یک را دشوار است باید که حروف تمام سائل را فرد فرد نویسد و زیر او عدد آن بنگارد پس از هر عدد ۹-۹ طرح دهد آنچه باقی ماند حرف بگیرد و آن حرف را ببیند که چیزی بر حال سائل گویا یا نه فبها پس از هر جا که کلمه متلفظ شده باشد از پیش او یا از بعد او ترفع و تنزل حرفی یا مراتبی یا و تا که پیش ازین نسبتها بیان نموده بعمل آرد و باز آن حروف را مع زبر و بینات عدد صغیر هر یک حرف که با ملاحظه اعداد مجموعی حروف ابجد و بقراین صغیر واینست که هر عدد و پیداست در نظر داشته گرفته جمع نماید و همان قدر که عدد اصل آن حروف باشند از همان مراتب مجموع و مراتبی در ابجد حروف ستاند و ببیند که حروف که از باقی عدد حاصل شده از جواب پیدا میشود فبها و الا به نسبت بینه حروف و یا به نسبت ترفع حرفی و یا بعدی که مراتبی نامند و از ترفع اوتار یا به نسبت تنزل حرفی یا بعدی و از تنزل اوتار که آن پنج قسم مفصلا قبل ازین بیان شده

الف	با	جیم	دال	ها	واو	زا	حا
۱۱۱	۳	۵۲	۳۵	۶	۱۳	۸	۹
۳	۸	۸	۶	۴	۴	۸	
۱۳	۸	۸	۶	۴	۴	۸	۹
طا	یا	کاف	لام	میم	نون	سین	عین
۱۰	۱۱	۱۰۱	۷۱	۹۰	۱۰۶	۷۲۰	۱۳۰
		۱۱			۱۶	۱۲	۱۲
۱	۲	۲	۸	۹	۷	۳	۴
فا	صاد	قاف	را	شین	تا	ثا	خا
۸۱	۹۵	۱۸	۲۰۱	۳۶۰	۴۰۱	۵۰۱	۶۰۱
۰	۱۴	۱۹	۲۱	۳۶	۴۱	۵۱	۶
۹	۵	۱	۳	۹	۵	۶	۷
ذال		ضاد		ظا		غین	
۷۳۱		۸۰۵		۹۰۱		۱۰۶۰	
۷۳		۸۵		۹۱		۱۶	
۷ / ۱۱		۱۴ / ۱۳		۱ / ۱		۷	

ملاحظه نموده حرف چند پیدا
کنند که ناطق بر کلام باشد بعمل آرد و
اگر جای بحال داشتن حروف در
کار باشد بحال دارد قس علی ذلک
و برای این امثال جدول ابجدی
از روی جمل که مراتب کبیر و وسط
و صغیر بر حروف از روی آن جدول
معلوم شود این است نوع نوزدهم
اگر خواهد جواب سؤال از عالم غیب
معلوم کند باید که حروف روز و حروف
نام سائل و حروف ساعت حال سائل
و حروف برجی که آفتاب در دو
و چند درجه با گذشته اند و در برجی
که قمر باشد و مقصود و مطلب سائل
جمله را بسط و ملفوظی و ملبوبی و مسرور
جدا جدا کرده بنویسد و بعد امتزاج

دهد و تکسیر کند از اول حروف ملفوظی ابتدا کند و اگر کم و زیاده باشد بجای همان کتر موافق حروف مکرر می نوشته باشد یا هرچه تمام خواه ملفوظی و خواه
ملبوبی و خواه مسروری که درین سطر جواب معنوی مظهر است و بعده در شبکه وعده مقصود دارا دو استخراج نموده یکجا جمع کند و از شبکه جدا جدا ضرب نماید
و آنچه عدد موافق نوشته بر آید حرف بجای عدد نهد مقصود بر آید و اگر عبارت نثر خواهد دوازده کان طرح دهد و اگر ترکی خواهد شش کان طرح
دهد و اگر عربی خواهد ده کان طرح کند و اگر هندی و عبری خواهد چهار کان طرح دهد نوع بیستم بسط الله اعداد بدانکه بسط اعداد نماید اح م د
را بسط اعداد اح و ثان رب ع ی ن رب ع این اعدادی بود هرچه حصول مطلب بغیر آن را بحروف برند و حروف غریزی را برتبه بر
حروف طبایع که تقوی و ترابی و بود بدل کنند که مقصود بحصول آید این نوع استخراج اصل است از جفر جامع و بسیار عمل درست است و علم بسط
طبیعی حرف است که هر حرف را بطبع استخراج مرتبه غریزیه نموده بکار برد نوع بیست و یکم در بیان سطر که آنرا زمام و جواب نیز گویند مطلب بزمام
کشد تا حصول زمام اول آید بوضعی حرف از آخر بحروف اول پس ملاحظه کند حصول مطلب را عبارتی و لفظی حاصل آید و زمامات عبارت
منصوب و مقلوب ملاحظه کنند اگر بهمه عبارت مطلق مقصود برسد از اتر فع غریزیه نویسد البته مطلب ظاهر آید اگر ازین زمام غریزی
اسم مطلب نباشد از زمام و اعداد ستانند و از جمله دوازده طرح کند اگر دوازده بماند اعداد حروف حوت تا حمل او جمع ساخته باربعه
عنصر طرح کنند و اگر دو ماند از ترفع دو حرفی زمام سازند و اگر سه ماند از ترفع سه حرفی و اگر نه ماند ترفع چهار حرفی نمایند و در صورت
حروف مکرره را اسقاط نمایند مطلب پیدا آید و اگر یکی ماند ترفع یک حرف علی هذا الوضع ۱۲ برج حمل آرند و اگر ۱۱ ماند از دلو و اگر ده
ماند از جدی و ۹ از قوس وقف علی ذلک بهمین وضع ستانند خطا نباشد نوع بیست دوم سؤال را با طالع وقت مرتب لطالع نوشته
خالص نمایند و حروفات غیر مکرر ند کور را زبر و بینه نویسد بعد از سطر زبر و بینه حرف پنجم از حرف اول و پنجم از پنجم تا آخر سطر حروفات اقتباس
نماید و جائی علیحده ثبت کند و بهمین قسم حرف دوم و سیوم و چهارم تا آخر پنجم پنجم بگیرد و در سطور علیحده بنویسد و نیز بعضی یکسطری سازند
بعد از ین شش نوع ملفوظی و ملبوبی و مسروری نماید و هفتم قسم ترتیب ابجد و هشتم بترتیب ابتث آن سطر مذکور را بنویسد که هشت سطور از ین وجه
بهم میشوند باید که در ترتیب ابجد و ابتث قسم شش نوع ملفوظی و ملبوبی را نیز بجا آورد که بهمین نهج از هر سطر هشت هشت سطر دیگر پیدا خواهد
شد چون هشت هشت را در هشت ضرب نمودیم شصت و چهار شد بعده درین سطور را بنگرد هرجائی که کلام معنوی ناطق شده باشد
از انجا موافق انساب که قبل ازین ذکر شد بعمل آرد و الله اعلم بالصواب نقل من لوامع الحقایق نوع بیست و سوم قاعده کلیه آنست
که از اسم طالب و مطلوب حروفات مکرره اسقاط کند باقی حروفات در جدول ابن بهبینه هرجا که دو از مجانس عدد در تلفظ باشند پس
از اصل حروفات مذکور که از آن شروع کلام در عدد آن نگاه کند که زوج است یا فرد اگر زوج بود نصف طرح دهد و اگر فرد باشد
پس فرد را نصف کامل است مثلا سه که نصف آن یکونیم باشد و این عدد ناقص است پس لاچار دو اعتبار کرده طرح نمایند و از اعلی و ادنی
و ادنی بمقدار شمار آن عدد حروف بگیرد یعنی ازین مرتبه هرجا که مناسبت تمام باشد بگیرد و هر دو حرف که در کلام اند لاحق بهمین قسم
تمام حروفات را بجا آرد و کلمه سه حرفی ملفوظ خواهد شد و اگر درست نمودن این عبارت تخرجه اشکال شود حروفات یکهم قرار این در
کار باشند باید که از روی انساب ترفع و تنزل که اقسام بیان شده بعمل آورد نوع بیست و چهارم بدانکه اسم سایل را بسط حرفی کند و
حروف مبسوط را باز بسط حرفی نماید تا هفت مرتبه بسط کند و از هفت تجاوز نکند چون اسم سایل را هفت مرتبه بسط کند حروف خالصات
را از آن بردارد و تکسیر نماید مخرج باب اول نگاه دارد و در سطور تکسیر نظر کند که چه کلمه می آید ابجد از احوال و اطوار طالب حکایت

کند

کند و جهی دیگر همان هفت مرتبه را بدون تخلیص و تکسیر ملاحظه نماید که طالب را جواب کند اما اگر هر دو بجا آرد و در هر دو موضع تأمل
کند بهتر خواهد بود نوع بیست و پنجم استنباط احوال از بسط عددی چنانچه اسم سایل را هفت مرتبه بسط عددی کند بطریقی که در بسط حرفی
بیان کرده استنباط احوال کند نوع بیست و ششم در بیان قاعده عجیبه چون خواهد که از تکسیر جواب بهم رساند باید که حرفی را از سطر صدر
و مؤخر بگیرد و لیکن از اسفل بعلوی برد و از اعلی باسفل رساند تا در تمام سطور بهمین قسم عمل بجا آرد و کلمات چهار حرفی درست سازد و ترفع و
و تنزل که مطابق نسبتها که درین رساله تحریر یافته بعمل آید ان شاء الله تعالی جواب شافی از پرده غیب بهم خواهد رسید که دلالت
بر احوال سایل خواهد نمود و قس علی ذلک نوع بیست و هفتم آنست که از قلب و از تکسیر حرفی اسفل را با علی و اعلی را باسفل بیارد و چهار
حرف چون صفحه جامع جمع خواهد شد و موافق نسبتهاء مذکوره از صفحه مزبور جواب پیدا کند نوع بیست و هشتم استنباط کیفیت حال
بیمار طریقش چنان است که از مریض بپرسد هرچه گوید آن کلمه را اسم اول و طالع وقت بسط کند و آنچه حروف تحصیل کند به بیند که در آن
حرف کدام طبع غالب است هر طبعی که غالب است بیماری از آن طبع مرض حاصل شده است و این از جمله غرایبست و اعتبار تمام دارد
زیرا که اطباء حاذق در تشخیص امراض مشقتها و رنجها بسیار نموده اند زیرا که تعیین او بغایت مشکل است و دران اختلاف بسیار است و در استخراج
چنین کلمه برآمدن عظیم است پس اگر از توجه عالم الغیوب ماده مرض معلوم گردد علاج آن آسان گردد چنانچه قول حکماست انما العلاج
موافق ماده المرض لا باختلافها فوع بیست و نهم از استکشافات حوال آنست که حسین منصور حلاج در کتاب لا سر که مشهور بحلاج الاسرار
ذکر کرده بغایت معتبر است و طریقش اینست که سؤال با طالع وقت او تا د طالع جمع کند و مجموع را تکسیر نماید و حروف کسورات متحصله نماید و
خالص ساخته در تکسیر بر دالبته در سطور تکسیر کلمه جواب شافی توان بیرون آید اما اصل آنست که جواب مطلق سؤال باشد یعنی عربی را عربی و فارسی
را فارسی و غیر ذلک نوع سی ام استحصال جواب آنست که اسم طالب را سیصد و شصت و شش طرز بسط کند و بهر بسطان اسم با حروف آن خالص نموده
تکسیر کند چون سیصد و شصت و شش مرتبه حاصل آید جمیع احوال سایل معلوم تواند کرد کاملترین استخراج اینست هر که این نوع استخراج را دریابد
گویا که جمیع بسطها و قواعد مذکوره و ضوابط مذکوره را ضبط کرده باشد بتحقیق کامل شد و اطلاع بر اصول جفر یافت و الله اعلم نوع سی و یکم
از سید حسین اخلاطی منقول است که حروف سؤال را مفرده نوشته چهار چهار جدا کند و هر چهار را بطریق ملفوظی و ملبوبی و مسروری ترتیب دهد چنانچه
معمول است و همه را تکسیر نماید و به بیند که جواب شافی بر میآید فبها و الا نه آن سطر را بلا تکرار زمام ساخته تکسیر صدر و مؤخر نماید تا آنکه زمام اول پیدا
و در سطور تکسیر ملاحظه نماید جواب شافی پیدا شود و اگر درین سطور ظاهر نشود حروف هر یک سطر را چار چار جدا کند و تقلیب انساب که ذکر
شده صفحات مذکور را بکند احسن است و باز آن صفحات را بطریق ملفوظی و ملبوبی و مسروری ترتیب دهد و یکسطر ساخته به بیند جواب پیدا شود
که موجب صحت السکوت سائل بود نوع سی و دوم اسم سائل و امثال گرفته خالص نماید بعد از آن حروف خالصات را بسط ملفوظی کند و آن
بسط بینات حروف اختیار نماید و عدد کبیر و وسیط و صغیر از روی جمل بر آرد و از حصول حروفات تعدد و انساب مذکوره جواب گوید
نوع سی و سیوم بدانکه هر حروف بیست و هشتگانه تهجی در ذات خود بهره دارد لیکن در تلفظ بعضی کم و بعضی زیاده هرچه در عالم کون و
فساد است ازین حروفات مذکوره بیرون نیست چنانچه بمقتدای زمانه شیخ الاکبر میفرماید که هر حروف در ذات خود سه نسبت دارد
اول نسبت عدد حرف دوم نسبت عدد ملفوظ سوم نسبت حاصل ضرب و این همه دو نیز سه نسبت دارند کبیر و وسیط صغیر پس
آنچه که هست ازین هر سه بیرون نیست هر که خواهد که از جواب سایل جواب گوید اول باید که اسم سایل و اسم مطلب را مفرد بنویسد و خالص نماید



و در زیر هر حرف عدد آن بنویسد بعده هر حرف مذکور را بسط ملفوظی یا عربی کند و آنچه عدد از بسط مذکور حاصل شود آن عدد اصل را با عدد بطن وی ضرب نماید خواه ضرب آن عدد در کبیر و یا وسیط یا صغیر عدد بطن بود حاصل ضرب را تحت همان حرف بنگارد و از حروف آحاد و عشرات و مآت که مناسبت در قرائن داشته باشد حروف بهم رساند و اگر آن حروف طالب حروف دیگر باشند باید که از اصل عدد یا از عدد بطن و حروفات ملفوظ الحروف یا از بینات حروف حاصل ضرب درست سازد که کلمهٔ موضوع و مطبوع از کتم غیب هویدا خواهد شد و دیگر آنکه عدد حروف اسم طالب را با عدد حروف اسم مطلوب ضرب نماید و از اصل مضروب بمراتب آحاد و عشرات و مآت و بینات و بانسابی که قبل ازین ذکر شده و آنچه با مهناسبت جواب گوید والله تعالی اعلم بالصواب تمام شد کتاب مفتاح الاستخراج در علم جفر حسب الفرمایش عالیجاه مجدت همراه آقا میرزا محمد ملک الکتاب المخاطب بخانصاحب شیرازی بتاریخ ربیع الثانی سنه ۱۳۰۳ هجری نبوی صلعم در بندر بمبئی بخط اقل بندگان جواد بن عبد الغنی جهرمی در مطبع فیض رسان صورت اتمام پذیرفت



